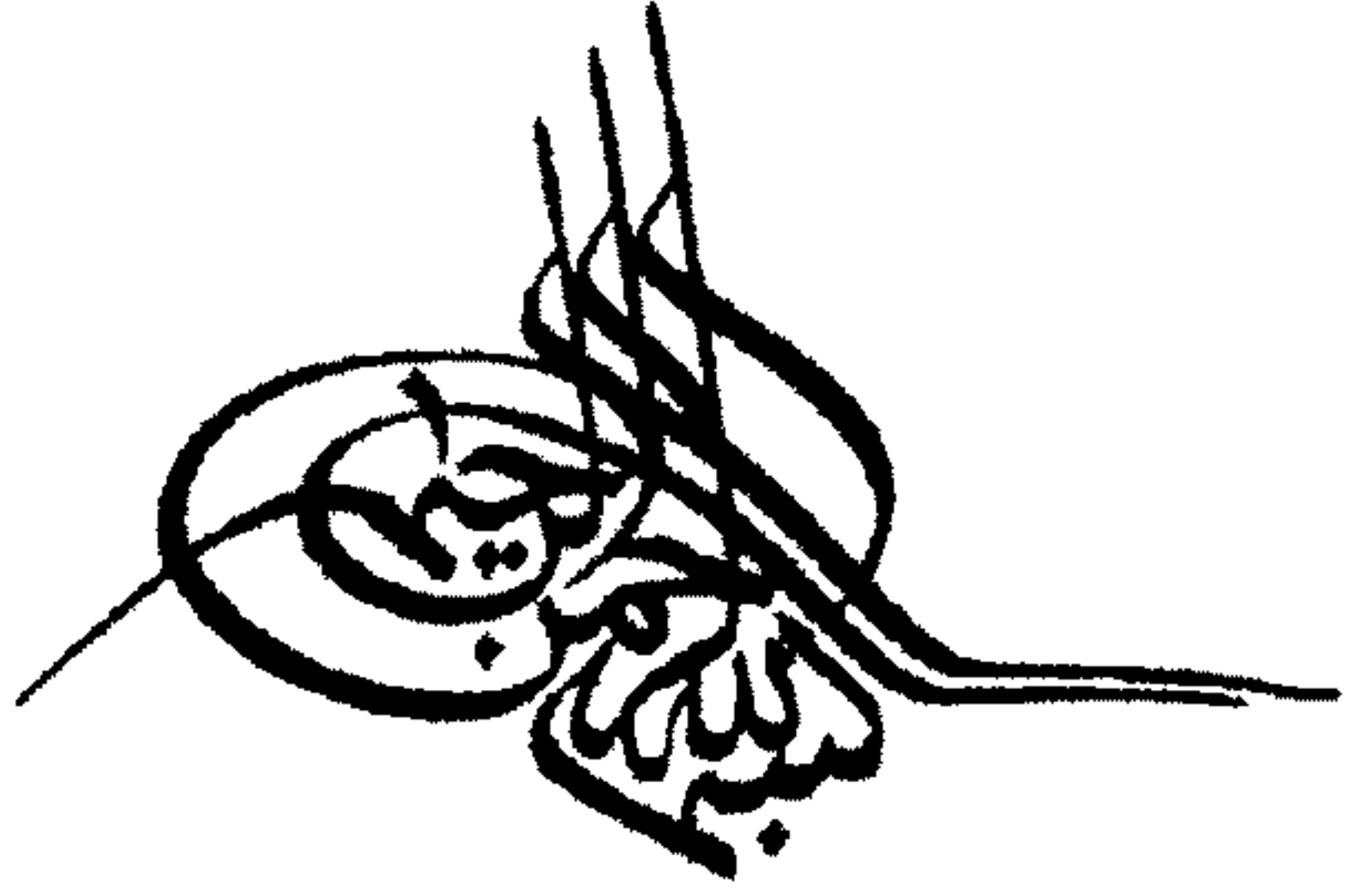




مجموعه
روایات
مهدوی

وزمین‌سازان

تذکره



تقدیر به ساحت مقدس

حضرت مولانا صاحب الزمان۔ ارواحنا له الفداء۔

ظهور و قیام امام مهدی (عج)

و زمینه‌سازان آن

عنوان و نام پدید آور : ظهور و قیام امام مهدی (عج) و زمینه سازان آن /
نویسنده گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود.
مشخصات نشر : تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری : ۲۱۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۰۸-۹ : ۱۶۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --
احادیث.
موضوع : مهدویت -- انتظار -- احادیث.
موضوع : فتن و ملاحم.
موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴
شناسه افزوده : انتشارات موعود عصر (عج).
رده بندی کنگره : ۱۳۸۷ ۹۴ ظ/۴/۲۲۴ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۷۸۷۹۸

ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) و زمینه سازان آن

نویسنده: گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود.
ناشر: موعود عصر (عج)
سال و محل نشر: تهران، ۱۳۸۷
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۰۸-۹
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۵۰۰۰
قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

سخن ناشر

با تقدیم یکی دیگر از مجلّات مجموعهٔ چهل حدیث دربارهٔ فرهنگ مهدویّت، متذکر این معنی می‌شویم که هر یک از مجلّات در بر گیرندهٔ فصلی از دفتر این فرهنگ بزرگ است که مطالعهٔ آن مرحله به مرحله، خانوادهٔ بزرگ منتظران و موعودیان و به ویژه جوانان را متوجه مراحل مختلف بزرگ‌ترین انقلاب جهانی و احیاگر می‌کند؛ همان که مقصود اصلی دین، ارسال انبیای عظام (ع) و انزال کتب آسمانی از دوران پیش بوده است.

اثر حاضر، به جملهٔ حوادث، نشانه‌ها و وقایعی می‌پردازد که پیش از ظهور و قیام رخ می‌نماید، به همراه امواج متلاطم شبهه و تردید. از این رو مطالعهٔ آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در آن سال‌های مهم و تعیین کننده، تنها راه خلاصی از شبهات آگاهی دربارهٔ پیش‌بینی‌های حضرات

معصومین(ع) است که از طریق مجموعه‌ای ارزشمند از روایت‌ها به دست ما رسیده است.

این اثر را به تمامی تقدیم حضرت صاحب‌الامر(ع) می‌کنیم. باشد تا مقبول طبعشان قرار گیرد. ان‌شاءالله

ناشر

فهرست مطالب

| | |
|----|---------------------------------|
| ۵ | سخن ناشر |
| ۹ | طبیعه: |
| ۱۳ | مقدمه |
| ۱۵ | بخش اول: زمینه‌سازان ظهور |
| ۱۶ | ۱. اَصْهَب و اَبَقَع |
| ۱۹ | ۲. مصری و مغربی |
| ۲۳ | ۳. عوف سلمی |
| ۲۵ | ۴. سفیانی |
| ۵۶ | ۵. خروج سید خراسانی |
| ۷۹ | ۶. خروج سید هاشمی |
| ۸۳ | ۷. یمانی |
| ۸۷ | ۸. نفس زکیّه |
| ۹۶ | ۹. دَجّال |

- بخش دوم: نشانه‌های ظهور ۱۱۱
- بخش سوم: ظهور ۱۱۷
- ایمان و توبه، پس از ظهور ۱۶۱
- حوادث پس از بیعت ۱۶۵
- بخش چهارم: قیام ۱۷۳

طلیعه:

فرزندم! گویی تو را می بینم هنگامی که نصرت خدا بر تو نازل شده و فرج هموار شده و شکوه و عظمت تو اوج گرفته، پرچم‌های سفید و زردی بالای سرت به هنگام گردش تو بین حطیم (میان رکن و مقام) و زمزم به اهتزاز درآمده، دست‌ها پیایی به عنوان بیعت به سوی تو دراز می‌شود و دوستان یکی پس از دیگری با تو مصادف می‌شوند و کارها و گام‌ها با نظم خاصی در ضمن پیام‌های مکرر پیموده می‌شود و دست‌ها در کنار حجرالأسود به آستانت سوده می‌شود. از سوی گروهی که خداوند آنها را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشت، پاک و پاکیزه نموده است، دل‌های آنها از آلودگی نفاق پیراسته، قلب‌های آنها از تیرگی اختلاف پاکیزه، روح و روانشان برای پذیرش احکام دین آماده، مشت‌هایشان در برابر تجاوزگران گره

کرده، چہرہ‌ہایشان برای پذیرش حق گشاده، دیدگان‌شان از فضل خدا خیرہ کنندہ، بہ آیین حق گرویدہ و در راہ اہل حق گام سپردہ‌اند. چون شالودہ کارشان استوار شود و پایہ‌ہای دعوتشان محکم گردد، با دستیاری آنها ہمہ طبقات مردم، از ہر تیرہ و نژادی بہ بیعت تو می‌شتابند و در زیر درختان سر بہ فلک کشیدہ باغی کہ شاخہ‌ہای درختانش روی دریاچہ طبریہ (در شمال فلسطین) سایہ انداختہ، دست بیعت با تو می‌دهند. در این هنگام فجر دولت حق می‌دمد و تاریکی باطل از صحنہ گیتی برچیدہ می‌شود. آفاق جہان را روشن می‌سازد، آرامش و صلح را از کران تا کران برقرار می‌کند، کودکی کہ در گہوارہ آرمیدہ، آرزو می‌کند کہ بتواند بہ سوی تو بشتابد و حشیان صحرا آرزو می‌کنند کہ بتوانند بہ سویت راہی بیابند. اقطار و اکناف جہان سبز و خرم می‌شود، چہرہ دنیا خندان و قلہ‌ہای شرف و عظمت، از تو شاداب و خرامان می‌گردد. شالودہ حق استوار می‌گردد و فراری‌ہای احکام دین بہ آشیانہ‌ہای خود باز می‌گردد، ابرہای پیروزی، باران نصرت را سیل آسا بر تو فرو می‌ریزد. دشمنانت خوار و زبون و دوستانت عزیز و پیروز می‌شوند. در روی زمین از ستمگران جنایتگر و منکران طغیانگر و دشمنان

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

تجاوزگر و مخالفان عنادگر، احدی باقی نمی‌ماند: هر کس به خدا توکل کند، خداوند او را بس است. خداوند امر خود را به پایان می‌رساند، که خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر نموده است^۱.

خطاب امام حسن عسکری (ع) به فرزند بزرگوارشان، حضرت صاحب الزمان (عج).

۱. سوره طلاق، آیه ۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵؛ وفات العسکری، ص ۴۹.

مقدمه

بحث درباره ظهور و قیام امام زمان(ع) یکی از موضوعات بسیار جذاب و امیدبخش برای مسلمانان، بلکه برای همه مستضعفان جهان است، در این باره روایات بسیاری از پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) نقل شده‌اند که شامل تمام دقایق و وقایع پیش از ظهور و زمان ظهور و قیام آن سرور عزیز و منجی موعود است. پیش از این در مجموعه‌هایی مجزاً مانند: «آخر الزمان در آینه روایات»، «شیعه در عصر غیبت»، «تکالیف منتظران» روایاتی را، پس از دسته بندی، تقدیم دوستداران خاندان رسول الله(ص) کردیم که همگی حکایت کننده اوضاع نابسامان و بحران‌های فراگیر در همه اجزای عالم و روابط انسانی سال‌های قبل از ظهور هستند شرایطی که مطالعه آنها قلب هر مسلمان و بلکه هر انسان عدالت‌جوی منصفی را از این همه پریشانی و آشفتگی به

درد می آورد و به طور ناخودآگاه آه جانسوز از نهادش سر بر می آورد. اما؛ کتاب حاضر، «بشارت به ظهور مبارک مصلح عالم»، قلب آدمی را لبریز از وجد و اشتیاق فراوان برای وصال آن بی نظیر عزیز می نماید.

ما در این کتاب سعی کرده ایم وقایع ظهور را با توجه به زمان حدوث آنها دسته بندی و تقدیم شما عزیزان خواننده نماییم و امیدواریم این اثر مقبول طبع لطیف حضرت مهدی (عج) و مورد استفاده شما عزیزان منتظر واقع شود. ان شاء الله.

ابتدای کتاب را با حدیث زیبایی از زبان مبارک حضرت امیرالمؤمنین، علی (ع) آغاز می کنیم. که شاهد بسیار خوبی برای آنچه گفته شد، می باشد. ایشان فرمودند:

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَ يُشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَ لَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ؛

هنگامی که منادی آسمانی ندا می کند که: حق با آل محمد (ص) است، نام حضرت مهدی (ع) بر سر زبانها می افتد و دلها مالا مال از محبت او شود، دیگر مردم را کاری جز عشق بازی با یاد او و نام او نباشد»^۱.

۱. برزنجی، محمد بن رسول، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۱۷.

بخش اول

زمینه‌سازان ظهور

برای ورود به بحث ظهور حضرت مهدی (ع)، ابتدا نیازمند ذکر یک سلسله از قیام‌های پیش از ظهور هستیم. در گوشه گوشه جهان، قبل از ظهور عدل کامل، قیام‌هایی رخ می‌دهد که همگی چه به حق و در جهت حق و چه باطل و در جهت باطل، به نوعی پیش‌نیاز آماده شدن عالم برای در آغوش کشیدن منجی موعود هست. به عبارت دیگر، این قیام‌ها صورت می‌گیرند تا بستر مناسب برای حوادث ظهور فراهم گردد. بنابراین ما در این بخش به ترتیب زمان وقوع به هر یک از این قیام‌ها می‌پردازیم.

۱. أَصْهَبَ وَ أَبْقَعَ

در فرازهای برخی روایات که از رسول اکرم (ص) و امامان اهل بیت (ع) رسیده، از شورش‌هایی همچون «أَصْهَبَ» و «أَبْقَعَ» گفت‌وگو شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«إِذَا هَلَكَ عِلْجٌ بِالشَّامِ... فَإِذَا قَامَ الْعِلْجُ الْأَصْهَبُ وَ عَسَرَ عَلَيْهِ الْقَلْبُ، لَمْ يَلْبَثْ حَتَّى يُقْتَلَ. فَهُنَاكَ الْمَلِكُ إِلَى التُّرْكِ... وَيَحِلُّ بِالشَّامِ الْغَلَاءُ، وَ تَكْثُرُ الْوَقَائِعُ، وَ تَقُومُ الْحَرْبُ عَلَى قَدَمٍ وَ سَاقٍ؛ هِنَاغَمَى كَهْ كَافِرَى دَر شَام بَه هَلَاكْت بَرَسَد، اَصْهَبِ كَافِر قِيَام مِى كَنْد وَ تَسْخِير مَرْكَز (شَام) بَر اَو سَخْت مِى شُود وَ طُولَى نَمِى كَشْد كَه اَو نِيز كَشْتَه مِى شُود وَ حَكُومَت بَه تَرْكَهَا مِى رَسَد وَ دَر شَام گَرَانِى پَدِيد آيد وَ رُويدادها پِشت سَر هَم رُوى مِى دَهْد وَ دَر هَر قَدَمِى جَنْگ بَر پَا مِى شُود»^۱.

امیر مؤمنان (ع) در این باره فرمودند:

«فَإِنْ كَانَ كَذَلِكَ، أَقْبَلْتُ عَلَيْهِمْ فِتْنًا لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا. إِلَّا وَ إِنِّ أَوْلَاهَا الْهَجْرِيُّ، وَ الْعَطْرَفِيُّ، وَ الرَّقْطِيُّ، وَ آخِرَهَا السُّفْيَانِيُّ وَ الشَّامِيُّ؛

چون این حوادث روی دهد، فتنه‌هایی بر آنها روی می‌دهد، که هرگز یارای مقابله با آن را ندارند، آگاه باشید که سرآغاز آنها فتنه‌های هَجْرِي، عَطْرَفِي، رُقْطِي و آخِر آنها فتنه‌های سُفْيَانِي و شَامِي است»^۲.

۱. الزام الناصب، ص ۲۰۴.

۲. المهدي، ص ۱۹۴، الزام الناصب، ص ۱۹۵.

امام صادق(ع) در این زمینه فرمودند:

«وَإِنَّ أَهْلَ الشَّامِ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ:
السُّفْيَانِيَّ، وَالأَصْهَبَ، وَالأَبْقَعَ؛

در آن هنگام سه پرچم در شام به اهتزاز درمی آید که
پرچم‌های سفیانی، اصهب و ابقع است و مردم شام زیر
این سه پرچم نبرد می‌کنند»^۱.

این حدیث به روشنی دلالت می‌کند که خروج اصهب
و ابقع با خروج سفیانی هم زمان است و طبعاً مقارن ظهور
حضرت بقیة الله(عج) و از نشانه‌های نزدیکی ظهور خواهد
بود.



آری در احادیث اهل بیت(ع) از وقوع چنین حادثه‌ای
سخن رفته و به طور جزم از چنین روزی خبر داده شده:
«إِذَا دَارَتْ رَحَىٰ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَرَبَطَ أَصْحَابُ الرَّايَاتِ خِيُولَهُمْ
بِزَيْتُونِ الشَّامِ، يُهْلِكُ اللهُ لَهُمُ الأَصْهَبَ وَ يَقْتُلُهُ وَ عَامَّةَ أَهْلِ بَيْتِهِ
عَلَىٰ أَيْدِيهِمْ... وَ يَجْلِسُ ابْنُ آكِلَةِ الأَكْبَادِ عَلَىٰ مِنْبَرِ دِمَشْقٍ؛

هنگامی که آسیاب بنی عباس بچرخد و پرچمداران،
پرچم‌های خود را بر زیتون‌های شام بیاویزند، خداوند
اصهب را هلاک می‌کند و همه سپاهیان را به دست

۱. ارشاد مفید، ص ۳۳۸، المهدی، ص ۱۹۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

آنها نابود می‌سازد و آنگاه پسر هند جگرخوار بر فراز منبر دمشق می‌نشیند.^۱

در این حدیث به صراحت از پیروزی سپاه سفیانی بر سپاه اَصْهَبْ خَبر داده شده است و این بعد از جنگ‌هایی است که در عراق روی می‌دهد.

۲. مصری و مغربی

از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمودند:
«هنگامی که دیدید خلافت در سرزمین مقدّس فرود آمده، بدانید که وقت بلاهای بزرگ و فاجعه‌های سترگ فرا رسیده است و ساعت (فرج) برای مردم نزدیک‌تر از دست من نسبت به سرم است.»

امام صادق (ع) نیز در این مورد فرمودند:
«قَبْلَ الْقَائِمِ تَتَّحَرُّكَ حَرْبٌ وَ قَيْسٌ؛
پیش از قیام قائم (ع) حرکت حرب و قیس است.»^۲

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۵.

امیر مؤمنان (ع) هم فرمودند:

«عَلَامَةُ خُرُوجِهِ تَخْتَلِفُ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةٌ مِنَ الْعَرَبِ، فَيَا وَيْلَ لِمِصْرَ وَمَا يَحِلُّ بِهَا مِنْهُمْ. وَ رَايَةٌ مِنَ الْبَحْرَيْنِ، مِنْ جَزِيرَةِ آرَالٍ مِنْ أَرْضِ فَارِسٍ. وَ رَايَةٌ مِنَ الشَّامِ، فَتَدُومُ الْفِتْنَةُ بَيْنَهُمْ سَنَةً؛

«نشانه خروج او درگیر شدن سه لشکر است، لشکری از عرب، که بدا به حال مردم مصر از حوادثی که به دست آن لشکر بر مصر روی می‌دهد و لشکری از بحرین از جزیره آرال از سرزمین فارس و لشکری از شام، که یک سال درگیری در میان آنها به طول می‌کشد.»^۱

همچنین امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«إِذَا اخْتَلَفَ رُوحَانِ الشَّامِ، لَمْ تَنْجَلِ إِلَّا عَنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ تَعَالَى: رَجْفَةٌ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ مِثَّةِ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا إِلَى أَصْحَابِ الْبَرَادِينِ الشُّهْبِ الْمَخْدُوفَةِ، وَ الرَّايَاتِ الصُّفْرِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحِلَّ بِالشَّامِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ الْجَزَعِ الْاَكْبَرِ وَ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خَسِيفاً بِقَرْيَةٍ مِنْ قُرَى الشَّامِ يُقَالُ لَهَا: خَرَشْنَا. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا ابْنَ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ بِوَادِي الْيَابِسِ حَتَّى يَسْتَوِلِيَ عَلَى مِنْبَرِ دِمَشْقَ. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ (ع)؛

چون دو لشکر در شام درگیر شوند، یکی از آیات بزرگ الهی ظاهر می‌شود و آن زلزله شام است که بیش از صد هزار نفر در شام هلاک می‌شود. این حادثه برای مؤمنان رحمت و برای کافران نقت است. چون این حادثه روی دهد منتظر پرچم‌های زرد و سپاهیان سبک‌بال یا بوسواری باشید که از سوی مغرب می‌آیند و وارد شام می‌شوند و آن به هنگام مرگ سرخ و اضطراب بزرگ است. هنگامی که این مرگ و میر و اضطراب شدید واقع شود منتظر خسف یکی از آبادی‌های شام به نام «خرشنا» باشید. هنگامی که خرشنا خسف شود منتظر خروج سفیانی پسر هند جگرخوار از سرزمین بی‌آب و علف باشید تا بر منبر دمشق دست یابد، چون سفیانی بر فراز منبر قرار گرفت منتظر ظهور مهدی باشید»^۱.

سپس امیر مؤمنان (ع) در این باره فرمودند:

«إِذَا رُكِّزَتْ رَايَاتُ قَيْسِ بَمِصْرَ، وَ رَايَاتُ كَنْدَةَ بِخِرَاسَانَ؛

هنگامی که پرچم‌های قیس در مصر نصب شود و

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۳؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۷.

پرچم‌های کنده در خراسان»^۱.

یعنی پرچم‌های قیس به سوی شرق حرکت کند و
پرچم‌های کنده به سوی غرب.

امیر مؤمنان (ع) همچنین فرمودند:

«مَا صَاحِبُ الْمَغْرِبِ فَيْسِرٌ، فَيَقْتُلُ الرِّجَالَ وَيَسْبِي النِّسَاءَ، ثُمَّ يَرْجِعُ
بِقَيْسٍ بَعْدَ التِّقَاةِ بِجَيْشِ السُّفْيَانِيِّ فِي قَرْقِيسِيَا، فَيَنْزِلُ السُّفْيَانِيُّ فِي
الْجَزِيرَةِ، وَيَسْبِقُ الْيَمَانِيَّ إِلَيْهَا، فَيُحُوزُ السُّفْيَانِيُّ مَا جَمَعُوا؛

آن مرد مغربی حرکت می‌کند و در راه هر چه مرد بیند
می‌کشد و هر چه زن بیابد اسیر می‌گیرد. پس از برخورد
با سپاه سفیانی در قرقیسیا، با قیس برمی‌گردد. سفیانی در
جزیره فرود می‌آید و یمانی به سویش می‌شتابد، آنچه
داشته باشند سفیانی از آنها باز می‌ستاند»^۲.

در روایتی دیگر امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«... وَ غَلَبَةُ الْهِنْدِ عَلَى السُّنْدِ، وَ غَلَبَةُ الْقُبْطِ عَلَى أَطْرَافِ مِصْرَ، وَ
غَلَبَةُ الْآنْدَلُسِ عَلَى أَطْرَافِ أَفْرِيْقِيَا، وَ غَلَبَةُ الْحَبَشَةِ عَلَى الْيَمَنِ،
وَ غَلَبَةُ التُّرْكِ عَلَى أَطْرَافِ خُرَاسَانَ، وَ غَلَبَةُ الرُّومِ عَلَى الشَّامِ، وَ

۱. ارشاد مفید، ص ۳۴۰، غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

غَلَبَةُ أَهْلِ أَرْمِينِيَّةٍ، وَ صُرَاخُ صَارِيخٍ بِالْعِرَاقِ، وَ هَتَاكُ الْحِجَابِ، وَ
اِفْتِضَاضُ الْعَذْرَاءِ!!!

پیروزی هند بر سِند، پیروزی قُبط بر اطراف مصر،
پیروزی اندلس بر اطراف آفریقا، پیروزی حبشه بر یمن،
پیروزی ترک بر اطراف خراسان، پیروزی رومیان بر شام،
پیروزی مردم ارمنستان و ناله‌های ناله‌کنندگان در عراق و
هتک عفت زنان و تجاوز به حریم پرده‌نشینان.^۱

۳. عوف سلمی

امام زین العابدین (ع) فرمودند:

«يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ: عَوْفُ السَّلْمِيِّ،
بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ. وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيثٌ، وَ قَتَلَهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقِ؛
پیش از خروج آن حضرت، مردی به نام «عوف سلمی»
در سرزمین «الجزیره»^۲ خروج می‌کند، در «تکریت»^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۴۲؛ الملاحم و الفتن، ص ۱۶۴.

۲. «الجزیره» نامی است که جغرافی دانان عرب آن را به منطقه‌ای در شمال سوریه در میان دو رودخانه معروف فرات و دجله اطلاق کرده‌اند، الجزیره گذرگاهی است بین این دو رود که از ترکیه تا عراق کشیده شده است و دانشمندان زیادی از این منطقه برخاسته‌اند که به آنها «جزری» گفته‌اند.

۳. «تکریت» شهری است در عراق در کنار دجله، در شمال سامرا، در عهد عباسی به سبب قلعه‌اش شهرت داشت، در گذشته زادگاه صلاح الدین ایوبی بود و حال زادگاه جلاد قادسیه است. این شهر در سال ۱۳۹۴ میلادی توسط تیمور

ماوی گزیند و در مسجد دمشق به قتل می‌رسد.^۱

امیر مؤمنان (ع) نیز فرمودند:

«يا أهل البصرة: أخلاقكم دقاق، ودينكم نفاق، و ماؤكم زعاق. بلادكم أنتن بلاد الله تربة و أبعدها من السماء، بها تسعة أعشار الشر! والمحتبس فيها بذنبه، والخارج منها بعفو ربه... كآني أنظر إلى قریتکم هذه و قد طبَّقها الماء حتى ما يرى فيها إلا شرف المسجد كأنه جوجوا طير في لجة بحرا. فإذا هم قد رأوا البصرة قد تحولت أخصاصها دورا، و آجامها قصورا فالهرب الهرب فإنه لا بصرة لكم بعد اليوم!»

ای اهل بصره! اخلاقتان پیچیده، آیتنان منافقانه، آبتان تلخ، خاک کشورتان از هر خاکی گندیده‌تر و از آسمان دورتر است، نه دهم شرّ در شهر شماست، کسی که در آن درگیر است در اثر گناهانش مبتلا شده است و هر کس از آن رهایی پیدا کند از رحمت و برکات پروردگار نجات یافته است. گویی با چشم خود می‌بینم که شهر شما را آب فرا گرفته است. از ساختمان‌های شهر جز گنبد مسجدتان دیده نمی‌شود که همانند سینه

لنگ ویران شده است.

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۰، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

مرغی در اقیانوس بیکران شناور به نظر می‌رسد. هنگامی که دیدند کوخ‌های بصره تبدیل به کاخ شده و باغ‌های اطراف آن تبدیل به قصر شده، بدانند که عمر بصره به پایان رسیده، دیگر بصره‌ای وجود نخواهد داشت»^۱.

۴. سفیانی

رسول اکرم (ص) از وجوه مختلف خروج سفیانی پرده برمی‌دارند و می‌فرمایند:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقِ دِمَشْقٍ، وَ عَامَّةٌ مِّنْ يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ. فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ، وَ يَقْتُلُ الصُّبْيَانَ. فَيَجْتَمِعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يَمْنَعَ ذَنْبٌ تَلْعَةً، وَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ جُنْدًا مِّنْ جُنْدِهِ. فَيَسِيرُ حَتَّى إِذَا جَاءَ بِبَيْدَاءٍ مِّنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ، فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا الْمُخْبِرُ؛

مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند و همه پیروانش از نژاد کلب هستند. به قدری خون می‌ریزد که نوبت به شکافتن شکم زنان و سر بریدن کودکان می‌رسد. تیره قیس (مصری‌ها و مراکشی‌ها) در برابرش پیام می‌کنند و همه آنها را طعمه شمشیر می‌سازد و کسی

۱. الزام الناصب، ص ۲۴۲، الملاحم و الفتن، ص ۱۰۲.

نمی‌تواند از خودش دفاع کند. آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می‌کند. این خبر به سفیانی می‌رسد. سفیانی سپاهی برای رودرویی با او می‌فرستد، چون سپاهیان به سرزمین بیداء می‌رسند، زمین آنها را در کام خود فرو می‌برد که جز گزارشگری از آنها زنده نمی‌ماند.^۱

و نیز ایشان فرمودند:

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فِي سِتِّينَ وَ ثَلَاثِمِئَةِ رَاكِبٍ حَتَّى يَأْتِيَ دِمَشْقَ.
فَلَا يَأْتِي عَلَيْهِمْ شَهْرُ رَمَضَانَ حَتَّى يُبَايِعَهُ مِنْ كَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفًا.
فَيَبِيعُ جَيْشًا إِلَى الْعِرَاقِ فَيَقْتُلُ بِالزُّورَاءِ مِئَةَ أَلْفٍ، وَ يَنْجِرُونَ إِلَى
الْكُوفَةِ فَيَنْهَبُونَهَا؛

سفیانی با ۳۶۰ اسب سوار حرکت کرده، وارد دمشق می‌شود و ماه رمضان فرا نمی‌رسد جز اینکه سی هزار نفر از قبیله کلب با او بیعت می‌کنند. آنگاه سپاه مجهزی را به عراق می‌فرستد و صد هزار نفر را در بغداد طعمه شمشیر می‌سازد. سپس دامنه جنگ به سوی کوفه کشیده می‌شود و شهر کوفه به دست آنها تاراج می‌شود.^۲

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۱۸۶؛ بشارة الاسلام، صص ۲۱، ۱۰۶ و ۲۷۶.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

در وصف سفیانی احادیث فراوانی آمده است که به چند نمونه از آنها بسنده می‌کنیم:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا، وَ أَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا، شَرِسٌ، قَاسِي الْقَلْبِ! يُجْمَعُ لَهُ وَ لَجِيْشِهِ مِنْ كَافَّةِ الْأَقْطَارِ الْإِسْلَامِيَّةِ فَيَهْزِمُهُمْ وَ يَقْتُلُهُمْ، وَ يُنَادِي بِشِعَارٍ لَهُ فِي حُرُوبِهِ هُوَ: يَا رَبِّ، ثَارِي ثُمَّ النَّارُ!!! يَا رَبِّ، النَّارُ وَ لَا الْعَارُ!!!»

شروورترین مردم، ستمگرترین آنان، که بسیار زشت خوی و سنگ دل است، سفیانی است که از همه اقطار و اکناف جهان اسلام، برای مقابله با او و سپاهیان خون‌آشامش گرد می‌آیند و او همه آنها را از دم شمشیر می‌گذرانند. در جنگ‌های او شعاری که همه جا طنین‌انداز است این شعار است: «خدایا خدایا، اوّل انتقام وانگهی آتش دوزخ» و در برخی منابع چنین آمده است: «خدایا خدایا، آتش را می‌پذیریم و سازش نمی‌پذیریم».^۱

امام صادق (ع) در این مورد فرمودند:

«لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ رَأَيْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ، أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ، يَقُولُ: ثَارِي ثُمَّ النَّارُ! وَ لَقَدْ بَلَغَ مِنْ خُبَيْهِ أَنَّهُ يَدْفِنُ أُمَّ وَ لَدِ لَهُ

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

حَيَّةٌ مَخَافَةٌ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ؛

اگر سفیانی را بینی او را پلیدترین مردمان می‌یابی، که
چهره‌ای گلگون، چشمانی کبود و موهایی زرد دارد و
بانگ می‌زند خدایا! اول انتقام و وانگهی آتش. او به
قدری خبیث است که همسر و مادر بچه‌هایش را زنده به
گور می‌کند تا مخفیگاه او را به کسی نگوید!^۱

رسول اکرم (ص) هم فرمودند:

«لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مُدَّةٍ حَتَّى يُقْرَعَ الرَّأْسُ. فَإِذَا قُرِعَ الرَّأْسُ
هَلَكَ النَّاسُ!»

مردم در وسعت و مهلت هستند تا روزی که مرکز مورد
تهاجم قرار نگرفته است، چون مرکز زده شود همه نابود
می‌شوند.^۲

منظور از مرکز، «دمشق» است که توسط رژیم اشغالگر
قدس یا هر نیروی ستمگر دیگری مورد تهاجم قرار
می‌گیرد و شعله‌های خشم او آن منطقه را به خاک و خون
می‌کشد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶؛ الزام الناصب، ص ۱۸۰.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۳۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

و نیز رسول اکرم (ص) فرمودند:

«... وَ يُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِم بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ
مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ؛

سپاهی از شام برای مقابله با آن حضرت فرستاده می‌شود
که در سرزمین «بیدا» در میان مکه و مدینه در کام زمین
فرو می‌رود».^۱

همچنین رسول اکرم (ص) فرمودند:

«يَكُونُ قَبْلَهُ بِأَيَّامٍ وَقَعَةَ بِالْمَدِينَةِ، تَغْرُقُ فِيهَا أَحْجَارُ الزَّيْتِ
بِالْجَمْرِ، مَا الْحَرَّةُ عِنْدَهَا إِلَّا كَضْرِبَةِ سَوْطٍ! فَيَنْتَحِي الْجَيْشُ عَنِ
الْمَدِينَةِ قَدَرَ بَرِيدَيْنِ، ثُمَّ يُبَايِعُ لِلْمَهْدِيِّ؛

پیش از آن حادثه‌ای در مدینه روی می‌دهد که احجار
زیت^۲ با خون کشتگان رنگین می‌شود و در زیر اجساد
پنهان می‌گردد، که فاجعه حرّه در مقابل آن یک ضربت به
شمار می‌آید. آنگاه سپاه سفیانی به مقدار دو منزل که از
مدینه دور شوند، با حضرت مهدی (ع) بیعت می‌شود».^۳

۱. الامام المهدی، ص ۷۱.

۲. «احجار الزیت» نام منطقه‌ای در مدینه منوره است و «حرّه» فاجعه جانگدازی
است که یزید بن معاویه یکسال بعد از واقعه عاشورا در مدینه منوره انجام داد و
جان و مال و ناموس مردم را سه روز برای لشکریانش مباح اعلام کرد.

۳. بشارة الاسلام، صص ۳۰ و ۱۸۴؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۳.

و در روایت دیگری پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مَعَ بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ مُضْرٌ، وَمَعَ السُّفْيَانِيِّ أَخْوَالُهُ مِنْ كَلْبٍ
فَيَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ مَعَهُ عَلَى بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ حَتَّى يُقْتَلُوا
قَتْلًا لَمْ يُقْتَلْهُ شَيْءٌ قَطُّ، وَ يَحْضُرُ رَجُلٌ بِدِمَشْقٍ فَيُقْتَلُ هُوَ وَ
مَنْ مَعَهُ قَتْلًا، وَ هُوَ مِنْ بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ، وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي
يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهَا: فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَوَيْلٌ
لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ... وَ يَظْهَرُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ
مَعَهُ، فَلَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا آلُ مُحَمَّدٍ وَ شِيعَتِهِمْ. فَيَبْعَثُ بَعْثًا
إِلَى الْكُوفَةِ، فَيُصَابُ أَنْاسٌ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ قَتْلًا وَ
صَلْبًا؛

قبیله مضر با «بنی ذنب الحمار» خروج می کنند و قبیله
کلب با سفیانی قیام می کنند و همه «بنی ذنب الحمار» را
به طور بی سابقه‌ای از پای درمی آورند. هر کس وارد دمشق
شود با همه کسانی که کشته می شود و این است معنای آیه
شریفه که می فرماید: [احزاب در میان خود دچار اختلاف
شدند، وای بر آنها از حضور در روز بزرگ].^۱ سفیانی و
سپاهیان پیروز می شوند و تمام همشان آن است که آل
محمد (ص) و شیعیان آل محمد (ص) را نابود کنند، پس
سپاهی به کوفه می فرستد، گروهی از شیعیان طعمه شمشیر

۱. سوره مریم، آیه ۳۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

می‌شوند/ یا بر فراز چوبه دار قرار می‌گیرند»^۱.

امیر مؤمنان (ع) در نامه‌ای که چند روز پیش از جنگ صفین به معاویه نوشته است، در این باره چنین پیش‌بینی می‌فرماید:

«... وَ إِنَّ رَجُلًا، مِنْ وُلْدِكَ، مَشُومٌ مَلْعُونٌ، جِلْفٌ جَافٌ، مُنْكَوسٌ الْقَلْبِ، فَظٌّ غَلِيظٌ، قَدْ نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ وَ الرَّأْفَةَ، أَخْوَالُهُ مِنْ كَلْبٍ. كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ، وَ لَوْ شِئْتُ لَسَمَّيْتُهُ وَ ابْنَ كَم هُوَا. فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيُسْرِفُونَ فِيهَا فِي الْقَتْلِ وَ الْفَوَاحِشِ. وَ يَهْرَبُ مِنْهُمْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، زَكِيٌّ نَقِيٌّ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ إِنِّي لِأَعْرِفُ اسْمَهُ وَ ابْنَ كَم هُوَ يَوْمئِذٍ وَ عَلَامَتُهُ، وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ... وَ يَقْتُلُ صَاحِبُ ذَلِكَ الْجَيْشِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي زَكِيًّا بَرِيئًا عِنْدَ أَحْجَارِ الزَّيْتِ»

گویی مردی را از نسل تو با چشم خود می‌بینم که مردی شوم، ملعون، پلید، خشن و درشت‌خوی است، که خداوند رحم و مروت را از دلش سلب کرده است. مادرش از خاندان کلب است. اگر بخواهی، نام و نشان سنّ و سالش را بیان می‌کنم، سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد که در

۱. الزام الناصب، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

آن [شهر] قتل و غارت و فحشای فراوان مرتکب شوند و مردی پاک و پاکیزه از تبار من از میان آنها می‌گریزد و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، آن چنان که پر از ظلم و ستم شده است. او را نیز با نام و نشان و سن و سال می‌شناسم، که او از نسل پسر حسین (ع) است. صاحب این سپاه (سفیانی) مرد پاک و پاکیزه و بی‌گناهی را از اولاد من در احجار الزیت به قتل می‌رساند».



و نیز حضرت امیرمؤمنان (ع) فرمودند:

«... وَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ بِرَايَةِ حَمْرَاءَ، أَمِيرُهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي كَلْبٍ، وَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفِ عِنَانٍ مِنْ خَيْلِ السُّفْيَانِيِّ تَتَوَجَّهُ إِلَى الْمَدِينَةِ، أَمِيرُهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ حُزَيْمَةُ: أَطْمَسُ الْعَيْنِ الشُّمَالِ، عَلَى عَيْنِهِ ظَفْرَةٌ غَلِيظَةٌ، يَتَمَثَّلُ بِالرُّجَالِ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ حَتَّى يَنْزِلَ بِالْمَدِينَةِ فِي دَارٍ يُقَالُ لَهَا: دَارُ أَبِي الْحَسَنِ الْأُمَوِيِّ. وَ يَبْعَثُ خَيْلًا فِي طَلَبِ رَجُلٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ قَدْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ نَاسٌ مِنَ الشَّيْعَةِ. ثُمَّ يَعُودُ إِلَى مَكَّةَ فِي جَيْشِ أَمِيرِهِ مِنْ غَطَفَانَ، إِذَا تَوَسَّطَ الْقَاعَ الْأَبْيَضَ خُسْفٌ بِهِ فَلَا يَنْجُو إِلَّا رَجُلَانِ يُحَوِّلُ اللَّهُ وَجْهَيْهِمَا إِلَى قَفَاهُمَا لِيَكُونَ آيَةً لِمَنْ خَلْفَهُمَا!»

سفیانی با پرچمی سرخ خروج می‌کند، فرمانده سپاهش مردی از قبیله کلب است و دوازده هزار جنگجوی

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

سواره از سپاه سفیانی به سوی مدینه اعزام می‌شوند، که فرماندهی آنها را مردی از بنی امیه به نام حُزیمه به عهده می‌گیرد، که چشم چپش نابیناست و سفیدی ضخیمی روی مردمک آن را پوشانیده است. مردان را مُثله می‌کند و پرچمش برنمی‌گردد تا وارد مدینه شود و در خانه «ابی الحسن اموی» نزول کند. آنگاه گروهی از سپاهیان را به جست‌وجوی مردی از اهل بیت من می‌فرستد که عده‌ای از شیعیان در اطراف او گرد آمده‌اند. آنگاه مدینه را به قصد مکه ترک می‌کند، چون به وسط بیابان سپید برسد، در کام زمین فرو می‌روند، فقط دو نفر گزارشگر برای عبرت دیگران باقی می‌مانند که خداوند صورت‌های آنها را به پشت گردنشان برمی‌گرداند، تا نشانه‌ای از آن حادثه شگفت باشند».

و نیز امیرمؤمنان(ع) فرمودند:

«... حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ عَلَى سَاقٍ، بَادِيًا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةٌ
أَخْلَافُهَا، حُلُوًا رِضَاعُهَا، عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا! أَلَا وَفِي غَدٍ، وَ سَيَاتِي
غَدٍ بِمَا لَا تَعْلَمُونَ! يَا خُذْ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَالَهَا عَلَى مَسَاوِيءِ
أَعْمَالِهَا... كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَ فَحَصَ بِرَايَاتِهِ فِي ضَوَاحِي
كُوفَانَ، فَعَطَفَ إِلَيْهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ وَ فَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّؤُوسِ.

قَدْ نَعَرْتَ فَاغْرَتُهُ وَ ثَقَلَتْ فِي الْأَرْضِ وَ طَائَتْهُ. بَعِيدُ الْجَوْلَةِ، عَظِيمُ الصَّوْلَةِ! وَ اللَّهُ لِيُشَرِّدَنَّكُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ، كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ!

... تا هنگامی که جنگ آغاز شود، چون شیر خشمگین دندان تیز کند، ناگهان شما را فرا گیرد، همانند شتری که با پستان‌های پر شیر روی آورد که دوشیدن آن شیرین و فرجام آن بسیار تلخ و ناگوار است. هان بدانید که فردا - فردایی که با چیزی که نمی‌دانید به زودی فرا می‌رسد - فرمانروای آنها عده‌ای را از غیر خودشان برای شکنجه و کارهای زشت اجیر کنند... گویی او را با چشم خود می‌بینم که چون حیوانی در شام نعره می‌کشد و پرچم‌هایش را در اطراف کوفه به اهتزاز درمی‌آورد. پس مانند شتر خشمگین که دوشنده خود را به دندان گزد به آن روی می‌آورد و زمین را با سرهای کشتگان می‌پوشاند. دهانش باز، گام‌هایش سنگین، جولانش وسیع و صولتش عظیم است. به خدا سوگند که شما را در اطراف جهان پراکنده سازد و از شما جز تعدادی اندک همانند سرمه‌ای در چشم باقی نباشد»^۱.

۱. نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۴۱.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

همچنین امیرمؤمنان (ع) در وصف حال سرزمین‌های مختلف فرمودند:

«أَلَا يَا وَيْلَ لِكُوفَانِكُمْ هَذِهِ وَمَا يَحِلُّ فِيهَا مِنَ السُّفْيَانِيِّ! يَمْلِكُ حَرِيمَكُمْ، وَ يَذْبَحُ أَطْفَالَكُمْ، وَ يَهْتِكُ نِسَاءَكُمْ! فَكَانَتْ بِهِمْ قَدْ قَتَلُوا أَقْوَامًا تَخَافُ النَّاسُ أَصْوَاتَهُمْ وَ تَخَافُ شَرَّهُمْ! ثُمَّ يَأْتِي الزُّورَاءَ الظَّالِمِ أَهْلُهَا، فَيُحُولُ اللَّهُ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ أَهْلِهَا، فَمَا أَكْثَرَ طُغْيَانُهَا وَ أَغْلَبَ سُلْطَانُهَا! أَلَا يَا وَيْلَ بَغْدَادَ مِنَ الرَّيِّ مِنَ مَوْتِ وَ قَتْلِ وَ خَوْفِ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ إِذَا حَلَّ بَيْنَهُمُ السَّيْفُ!»

بدا به حال این کوفه شما، از دست سفیانی، که چه جنایاتی در آن انجام می‌دهد، به حریم شما تجاوز می‌کند، کودکان شما را سر می‌برد و ناموس‌های شما را هتک می‌کند. گویی آنها را با چشم خود می‌بینم که مردان برجسته‌ای را کشته‌اند که مردم از صدای آنها می‌ترسیدند و از صولت آنها در وحشت بودند. آنگاه متوجه بغداد می‌شود که مردمانش بسیار ستمگرند. پس خداوند در میان او و اهل بغداد حایل می‌شود. آه، چقدر جنایتگر و طغیان‌پیشه است. بدا به حال بغداد از ری (تهران) چقدر مرگ و میر و کشت و کشتار و وحشت و اضطراب فراوان می‌شود و همه مردم عراق را ترس فرا گیرد هنگامی که

شمشیر در میان آنها حکمفرما شود»^۱.

امیر مؤمنان (ع) درباره سرنوشت سفیانی فرمودند:

«فَيُجِشُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ، وَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَغْرِبِ. فَيَقْتُلُ بِالزُّورِ سَبْعِينَ أَلْفًا، وَيَبْقُرُ ثَلَاثِينَ امْرَأَةً حَامِلًا. وَيَخْرُجُ الْجَيْشُ إِلَى كُوفَانِكُمْ هَذِهِ، فَكَمْ مِنْ بَاكِ وَبَاكِيَةٍ، فَيُقْتَلُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ... وَأَمَّا جَيْشُ الْمَدِينَةِ فَإِنَّهُ إِذَا تَوَسَّطَ الْبَيْدَاءَ صَاحَ بِهِ جِبْرَائِيلُ صَيْحَةً عَظِيمَةً فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ وَخَسَفَ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ، وَيَكُونُ آخِرَ الْجَيْشِ رَجُلَانِ أَحَدُهُمَا بَشِيرٌ وَالْآخَرُ نَذِيرٌ. فَيَصِيحُ بِهِمَا جِبْرَائِيلُ فَيُحَوِّلُ اللَّهُ وَجْهَيْهِمَا إِلَى الْقَفَا. وَيَرْجِعُ نَذِيرٌ إِلَى السُّفْيَانِيِّ وَيُخْبِرُهُ بِمَا أَصَابَ الْجَيْشَ؛

[سفیانی] سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و سپاه دیگری نیز به سوی مغرب (مراکش) می فرستد در بغداد هفتاد هزار نفر می کشد و شکم ۳۰۰ زن حامله را می شکافد و سپاهی را به سوی کوفه می فرستد و همه زن و مرد را گریان می سازد و تعداد زیادی را می کشد... سپاهی که عازم مدینه می شود، چون به وسط سرزمین بیداء می رسد جناب جبرئیل بانگ عظیمی بر آن می زند و احدی از آنها زنده نمی ماند و همگی در کام زمین فرو می روند.

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

فقط دو نفر بشیر و نذیر که از لشکر عقب مانده‌اند، زنده می‌مانند که جبرئیل بر آنها بانگ می‌زند، خداوند صورت‌های آنها را به طرف عقب برمی‌گرداند، آنگاه نذیر به سوی سفیانی برمی‌گردد تا او را از سرنوشت لشکریانش آگاه سازد.^۱

همچنین امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ مِثَّةً وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا إِلَى الْكُوفَةِ، وَ يَنْزِلُونَ بِالرُّوحَاءِ وَ الْفَارُوقِ وَ مَوْضِعِ مَرْيَمَ وَ عَيْسَى بِالْقَادِسِيَّةِ، وَ يَسِيرُ مِنْهُمْ ثَمَانُونَ أَلْفًا حَتَّى يَنْزِلُوا مَوْضِعَ قَبْرِ هُودٍ بِالنُّخَيْلَةِ فَيَجِئُونَ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَ أَمِيرُ النَّاسِ جَبَّارٌ عَنِيدٌ يُقَالُ لَهُ الْكَاهِنُ السَّاحِرُ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ مِنْ مَدِينَةِ الزُّورَاءِ أَمِيرٌ فِي جَيْشٍ عَظِيمٍ فِيهِ خَمْسَةٌ أَلْفٍ مِنَ الْكَهَنَةِ وَ يُقْتَلُ عَلَى جِسْرِهَا سَبْعُونَ أَلْفًا، حَتَّى يَتَحَامَى النَّاسُ مِنَ الْفُرَاتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنَ الدَّمَاءِ وَ نَتَنِ الْأَجْسَادِ! وَ يُسْبَى مِنَ الْكُوفَةِ أَلْفٌ بِكَرٍ لَا يُكْشَفُ عَنْهُمْ قِنَاعٌ، حَتَّى يُوضَعْنَ فِي الْمَحَامِلِ وَ يُزَلَّفُ بِهِنَّ إِلَى الثَّوِيَّةِ وَ هِيَ الْغَرِيَّةُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ الْكُوفَةِ مِثَّةُ أَلْفٍ مَا بَيْنَ مُشْرِكٍ وَ مُنَافِقٍ حَتَّى يَقْدِمُوا دِمَشْقَ لَا يَصُدُّهُمْ عَنْهَا صَادٌّ، وَ هِيَ إِرْمُ ذَاتُ الْعِمَادِ؛

سفیانی یکصد و سی هزار نفر سپاه به سوی کوفه

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۹.

می فرستد که در «روحا» و «فاروق» فرود می آیند و در محلّ مریم و عیسی در «قادیسیّه» فرود می آیند و هشتاد هزار نفرشان حرکت می کنند و در مقام حضرت هود(ع) در نخيله (وادی السّلام نجف) فرود می آیند و در روز عید قربان (یوم الزّینه) فرماندهی از بغداد با لشکری پنج هزار نفری به سوی آنها حرکت می کند و هفتاد هزار نفر در کنار پل فرات کشته می شوند و سه روز مردم از آب فرات استفاده نمی کنند که خون آلود و گندیده از اجساد کشته ها خواهد بود. یک هزار دختر از کوفه اسیر گرفته می شوند و دست نخورده سوار کجاوه ها شده به سوی نجف اشرف گسیل می شوند. آنگاه صد هزار نفر مشرک و منافق بغداد را به قصد دمشق ترک می گویند که به هیچ مانعی برخورد نمی کنند تا وارد دمشق شوند که همان ارم ذات العمد است»^۱.



درباره دشمنی سفیانی با خانواده اهل بیت(ع)،

امیر مؤمنان(ع) فرمودند:

«لَمْ يَزَلِ السُّفْيَانِيُّ يَقْتُلُ مَنْ إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى، وَفَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَمَرِيَمُ وَخَدِيجَةُ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳ و جلد ۵۳، ص ۸۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

وَ سَكِينَةٌ وَ رُقِيَّةٌ، حَنَقًا وَ بُغْضًا لِآلِ مُحَمَّدٍ؛

هر کس به نام‌های: محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه باشد، سفیانی برای دشمنی آل محمد (ص) آنها را از دم شمشیر می‌گذراند.^۱

از محضر امام باقر (ع) پرسیدند: آیا خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند:

«نَعَمْ، وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) مَحْتُومٌ؛

آری، خروج سفیانی حتمی است، ندای آسمانی حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، درگیری بنی عباس بر سر حکومت حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است و خروج قائم آل محمد (ع) حتمی است.^۲

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۱۹؛ الزام الناصب، ص ۱۹۹.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

و نیز امام باقر(ع) فرمودند:

«يَكُونُ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ مِنْ شَهْرِ رَجَبٍ مِنْ تِلْكَ السَّنَةِ؛

خروج سفیانی، یمانی و خراسانی، در یک روز و یک ماه و یک سال خواهد بود. هر سه در یک روز از ماه رجب یک سال خروج خواهند کرد».

همچنین امام باقر(ع) فرمودند:

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ يَوْمَ جُمُعَةٍ، فَيَصْعَدُ مِنْبَرَ دِمَشْقٍ، وَ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى أَنْ لَا يُخَالِفُوا أَمْرَهُ رَضَوْهُ أَمْ كَرِهَوْهُ. ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْغُوطَةِ فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ خَمْسُونَ أَلْفَ مُقَاتِلٍ. ثُمَّ تَخْتَلِفُ الرَّايَاتُ الثَّلَاثُ: فَرَايَةُ التُّرْكِ وَالْعَجَمِ وَ هِيَ سَوْدَاءُ، وَ رَايَةُ لِبْنِي الْعَبَّاسِ صَفْرَاءُ، وَ رَايَةُ السُّفْيَانِيِّ حَمْرَاءُ. فَيَغْلِبُهُمُ السُّفْيَانِيُّ بَعْدَ أَنْ يَقْتُلَ مِنْهُمْ سِتِّينَ أَلْفًا وَ يَسِيرَ إِلَى حُمْصَ فَإِلَى الْفُرَاتِ مُرُورًا بِالرَّقَّةِ وَ سَبَأُ؛

سفیانی در روز جمعه خروج می کند و بر فراز منبر دمشق قرار می گیرد و از مردم بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند، چه بخواهند یا نخواهند. آنگاه به سوی «غوطه» حرکت می کند و ۵۰ هزار جنگجو در اطراف او گرد آیند، آنگاه سه پرچم به اهتزاز درآید:

۱- پرچم ترک ها و عجم ها، که پرچم سیاه است.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

۲- پرچم بنی عباس، که پرچم زرد است.

۳- پرچم سفیانی، که پرچم سرخ است.

سفیانی بر آنها چیره می‌شود پس از آنکه ۶۰ هزار نفر از آنها را از دم شمشیر می‌گذراند، آنگاه به سوی «حمص» می‌رود و از فرات عبور می‌کند و عازم «رقه» و «سبأ» می‌شود.^۱

امام باقر (ع) درباره دشمنی سفیانی با اهل بیت (ع) فرمودند:
«أَنْتُمْ لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ، حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْبَانِيُّ. يَخْرُجُ بِأَرْضِ كُوفَانَ، يَنْبُعُ كَمَا يَنْبُعُ الْمَاءُ، فَيَقْتُلُ وَفِدَكُمْ. فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَخُرُوجَ الْمَهْدِيِّ؛

چگونه ممکن است سفیانی بدون «شایبانی» خروج کند، شایبانی از سرزمین کوفه خروج می‌کند و مانند آب حرکت می‌کند و کسان شما را می‌کشد. چون او خروج کند منتظر خروج سفیانی باشید و به دنبال آن منتظر ظهور مهدی (ع) باشید».^۲

و باز هم امام باقر (ع) در این باره فرمودند:

«... وَ بَعْدَ دُخُولِهِ إِلَى دِمَشْقٍ يَهْرَبُ مِنْهَا أَوْلَادُ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۹۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

القُسْطَنْطِينِيَّةِ، فَيَطْلُبُهُمْ، وَيُرُدُّهُمْ مَلِكُ الرُّومِ إِلَيْهِ، فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ عَلَى الدَّرَجِ الشَّرْقِيِّ فِي جَامِعِ دِمَشْقٍ فَلَا يُنْكِرُ ذَلِكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ؛ بعد از ورود سفیانی به دمشق اولاد پیامبر اکرم (ص) به استانبول می‌گریزند سفیانی آنها را از زمامدار روم مطالبه می‌کند و زمامدار روم آنها را تحویل می‌دهد و سفیانی آنها را در پله‌های شرقی مسجد گردن می‌زند و کسی به او اعتراض نمی‌کند.^۱

■ قرقیسیا

امام باقر (ع) درباره جنگ «قرقیسیا» فرمودند:
 «أَمَّا إِنَّهُ سَيَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهَا مُنْذُ خَلَقَ اللهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ لَا يَكُونُ مِثْلُهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ! تَكُونُ مَا دُبَّ اللهُ! حَيْثُ تَأْكُلُ طَيْرُ السَّمَاءِ، وَ تَشْبَعُ سِبَاعُ الْأَرْضِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ. يَهْلِكُ فِيهَا قَيْسٌ فَلَا تَدْعُو لَهُ دَاعِيَةٌ؛

در قرقیسیا حادثه‌ای روی می‌دهد که هرگز از اول آفرینش جهان چنین حادثه‌ای روی نداده است و تا روزی که زمین و آسمان‌ها وجود دارد، چنین حادثه‌ای روی نخواهد داد، آنجا سفره گسترده الهی پهن می‌شود،

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۰؛ الزام الناصب، ص ۱۹۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

وحوش و طیور برای خوردن گوشت جباران گرد آیند، مرغان هوا و درندگان صحرا از آن می‌خورند و سیر می‌شوند. در این حادثه قیس (مصری و مغربی) کشته می‌شود و کسی برای او اعتراض نمی‌کند»^۱.

امام باقر (ع) درباره سرنوشت سفیانی فرمودند:

«... إِنَّهُ لَا يَنْجُو سِوَى اثْنَيْنِ مِنْ قَبِيلَةِ جُهَيْنَةَ. وَ هَذَانِ الْإِثْنَانِ يُخْبِرَانِ النَّاسَ عَنْ قِصَّةِ الْخَسْفِ، وَ اسْمَاهُمَا: بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ؛ جز دو نفر از قبیله جهینه باقی نمی‌ماند که برای مردم از داستان خسف گزارش ببرند، یکی از آن دو بشیر و دیگری نذیر است»^۲.

و نیز در همین باره امام باقر (ع) فرمودند:

«يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ بِمِئَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ. وَ يَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ (ع) ثُمَّ يُوَاقِعُهُ هُنَاكَ. وَ لَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يُهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَهُ وَ لَا يَبْقَى إِلَّا هُوَ وَ خَدَهُ. فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ (ع) فَيَذْبَحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا مُدَلَّاءَةٌ عَلَى بَحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، ثُمَّ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۳؛ الامام المهدي، ص ۳۴۴.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۹۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۶.

سفیانی با یک صد و هفتاد هزار جنگجو حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریّه فرود می آید و حضرت بقیّة الله (ع) به سوی او حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریّه بر او می تازد و در کمتر از یک ساعت همه سپاهیان هلاک می شوند و فقط شخص سفیانی باقی می ماند. آنگاه حضرت مهدی (ع) او را دستگیر می کند و در کنار دریاچه طبریّه در زیر درختی که شاخه هایش به روی دریاچه بال گشوده، سر می برد و سپس شام را تحت تصرف خود درمی آورد.^۱

امام صادق (ع) در روایت زیبایی فرمودند:

«إِنَّا وَ آلُ أَبِي سُفْيَانَ تَعَادِيَا فِي اللَّهِ قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ، وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ! قَاتَلَ أَبُو سُفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ قَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع)، وَ قَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) وَ السُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ؛

ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که همواره با یکدیگر در ستیز بودیم، ما می گفتیم: خدا راست گفته است و آنها می گفتند: دروغ گفته است! ابوسفیان با رسول اکرم (ص) جنگید، معاویه با حضرت علی (ع)

۱. بشارة الاسلام، صص ۴۶، ۱۹۲ و ۲۷۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

جنگید، یزید با امام حسین (ع) جنگید و سفیانی نیز با حضرت قائم (عج) می‌جنگد.^۱

همچنین امام صادق (ع) فرمودند:

«حِينَ يَقْتَرِبُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ دِمَشْقٍ يَهْرَبُ حَاكِمُهَا، وَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ قَبَائِلُ الْعَرَبِ، وَ يَخْرُجُ الرَّبِيعِيُّ وَ الْجُرْهُمِيُّ وَ الْأَصْهَبُ وَ غَيْرُهُمْ مِنْ أَهْلِ الْفِتَنِ وَ الشَّغَبِ، فَيَغْلِبُ السُّفْيَانِيُّ مَنْ يُحَارِبُهُ مِنْهُمْ وَ يَسْتَوْلِي عَلَى الشَّامِ؛

چون سفیانی به دمشق نزدیک شود، حاکم دمشق پا به فرار می‌گذارد و قبایل عرب بر او گرد آیند. ربیعی، جرهمی، اصهب و دیگر شورش‌گران از اهل فتنه و هرج و مرج بر ضد او می‌شورند ولی سفیانی بر همه آنها غلبه می‌کند و بر شام سیطره می‌یابد.^۲

در روایت دیگری امام صادق (ع) درباره وظیفه شیعیان

در این شرایط فرمودند:

«إِلْزَمَ بَيْتَكَ وَ كُنْ جِلْسًا مِنْ أَخْلَاسِهِ، وَ اشْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، فَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَ لَوْ

۱. معانی الاخبار، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۸.

حَبُوا عَلَي رَجْلِكَ، وَ قَبْلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ رَايَاتٍ: رَايَةَ حُسَيْنِيَّةً، وَ رَايَةَ أُمَوِيَّةً، وَ رَايَةَ قَيْسِيَّةً. فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ إِذْ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيَخْضُدُهُمْ حَصْدَ الزَّرْعِ، مَا رَأَيْتَ مِثْلَهُ قَطُّ؛

در خانه خود بنشین و چون یکی از گلیم‌های خانه‌ات باش. تا شب و روز ساکن هستند، تو نیز آرام باش، هنگامی که شنیدی سفیانی خروج کرده به سوی ما بشتاب ولو ناچار شوی که با پای پیاده و سینه‌خیز رفتن این مسیر را پیمایی.^۱

امیر مؤمنان (ع) هم در این مورد فرمودند:

«يُبْنَى مَدِينَةٌ يُقَالُ لَهَا الزُّورَاءُ بَيْنَ دِجْلَةَ وَ دُجَيْلَ وَ الْفُرَاتِ. فَلَوْ رَأَيْتُمُوهَا مُشِيدَةً بِالْجَصِّ وَ الْآجُرِّ الْمُرْخَرَفِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ السَّلَازُورِدِ وَ الْمَرْمَرِ وَ الرُّخَامِ وَ أَبْوَابِ الْعَاجِ وَ الْآبْنُوسِ وَ الْخِيَمِ وَ الْقُبَابِ وَ السُّتَارَاتِ! وَ تَوَالَّتْ عَلَيْهَا مُلُوكُ بَنِي شَيْصَبَانَ، أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مَلِكًا؛

شهری به نام «زوراء» در میان دجله و دُجیل و فرات ساخته می‌شود. ای کاش آن را می‌دیدند که با گچ و آجر محکم کاری می‌شود و با طلا، نقره، لاجورد و مرمر و درهای عاج و آبنوس و چادرها و پرده‌ها و گنبدها تزئین

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۰.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

می‌گردد و ۲۴ پادشاه از پادشاهان بنی شیبان بر آن حکومت می‌کنند»^۱.

آنگاه امام صادق (ع) از جنگ «قرقیسیا» چنین تعبیر می‌کند:
«إِنَّ لِلَّهِ مَادِبَةً فِي قَرْقِيسِيَا، يَطَّلِعُ مُطَّلِعٌ مِنَ السَّمَاءِ فَيُنَادِي: يَا طَيْرَ السَّمَاءِ، وَيَا سِبَاعَ الْأَرْضِ: هَلُمُّوا إِلَيَّ الشَّبَعِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ؛
خداوند سفره‌عامی در قرقیسیا می‌گستراند که منادی
آسمانی بانگ می‌زند: هان ای پرندگان آسمان و ای
درندگان زمین، بشتابید و از گوشت ستمگران شکمی
سیر نمایید»^۲.

امام صادق (ع) فرمودند:

«يَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ مَعَهُ. ثُمَّ يَقْتُلُ
الْأَضْهَبَ وَاتِّبَاعَهُ. ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ هَمٌّ إِلَّا آلَ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتَهُمْ وَ
الْمَثُولَ إِلَى الْعِرَاقِ. وَيَمُرُّ جَيْشُهُ بِقَرْقِيسِيَا فَيَقْتُلُونَ بِهَا فَيَقْتُلُ بِهَا
مِثَّةَ أَلْفٍ. وَيَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ، وَعِدَّتُهُمْ سَبْعُونَ
أَلْفًا، فَيُصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَسَبِيًّا؛

سفیان‌ی با ابقع درگیر می‌شود و او را با تمام یارانش
می‌کشد و سپس اصبه را با پیروانش می‌کشد، آنگاه

۱. بشارة الاسلام، ص ۷۳.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۸.

همه نیروهای خود را برای کشتن آل محمد (ص) و شیعیان اهل بیت (ع) گسیل می‌دارد و به همین سبب رهسپار عراق می‌گردد و در مسیر عراق سپاهیانش وارد قرقسیا می‌شوند و جنگی سخت به راه می‌اندازد که صد هزار نفر در آن کشته می‌شوند، آنگاه سپاهی به سوی کوفه می‌فرستد که تعدادشان هفتاد هزار نفر است و مردم کوفه را قتل و غارت می‌کنند.^۱

آنگاه امام صادق (ع) جنبش سید هاشمی را در رابطه با جنگ قرقسیا چنین بیان فرمودند:

«يَخْرُجُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ مَنْ يَدْعُو لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ يَنْزِلُ التُّرْكَ الحَيْرَةَ وَ يَنْزِلُ الرُّومُ فِلَسْطِينَ. وَ يَسْبِقُ عَبْدُ اللَّهِ حَتَّى يَلْتَقِيَ جُنُودَهُمَا بِقَرْقِيسِيَا عَلَى النَّهْرِ، وَ يَكُونُ قِتَالٌ عَظِيمٌ. وَ يَسِيرُ صَاحِبُ الْمَغْرِبِ فَيَقْتُلُ الرُّجَالَ وَ يَسْبِي النِّسَاءَ، ثُمَّ يَرْجِعُ فِي قَيْسٍ حَتَّى يَنْزِلَ الحَيْرَةَ السُّفْيَانِيُّ فَيَسْبِقُ الْيَمَانِيَّ، وَ يَحُوزُ السُّفْيَانِيُّ مَا جَمَعُوا؛

پیش از خروج سفیانی، کسی قیام می‌کند که [مردم را به سوی] اهل بیت پیامبر (ص) دعوت می‌کند، ترک‌ها در حیره فرود آیند، رومیان وارد فلسطین شوند، عبدالله (مغربی) شتابان وارد قرقسیا شده با سپاه سفیانی وارد

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

جنگ می‌شود و جنگ سختی در می‌گیرد، آنگاه مغربی حرکت می‌کند و در مسیر خود مردها را می‌کشد و زنها را به اسارت می‌گیرد، آنگاه با سپاه قیس بر می‌گردد تا سفیانی وارد حیره شود و از یمانی سبقت جوید. پس هر چه گرد آورند سفیانی از آنها می‌ستانند.^۱

رسول اکرم(ص) فرمودند:

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ (ع) حَتَّى يَقْرَأَ كِتَابَانَ: كِتَابَ الْبَصْرَةِ، وَ كِتَابَ الْكُوفَةِ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ عَلِيٍّ!»

قائم(عج) ظهور نمی‌کند جز اینکه دو نامه خوانده شود: یکی در بصره، دیگری در کوفه. که در هر دو از علی بن ابی طالب(ع) اظهار براءت می‌شود.^۲

در یک روایت زیبا حضرت رسول خدا(ص) پیش‌بینی خود را درباره سفیانی این گونه فرمودند:

«كَأَنِّي بِالسُّفْيَانِيِّ قَدْ طَرَحَ رَحْلَهُ فِي رَحْبَتِكُمْ، فَيُنَادِي مُنَادِيَةً: مَنْ جَاءَ بِرَأْسِ كُوفِيٍّ فَلَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ! فَيَثِبُ الْجَارُ عَلَى جَارِهِ، وَ الْأَخُ عَلَى أَخِيهِ وَ يَقُولُ: هَذَا مِنْهُمْ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ وَ يَأْخُذُ أَلْفَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۵.

دِرْهَمًا. أَمَا إِنَّ إِمَارَتَكُمْ يَوْمَئِذٍ لَا تَكُونُ إِلَّا لِأَوْلَادِ الْبَغَايَا. كَأَنِّي
أَنْظُرُ إِلَى صَاحِبِ الْبُرْقِعِ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَ يَقُولُ بِقَوْلِكُمْ يَعْرِفُكُمْ وَ
لَا تَعْرِفُونَهُ، فَيُحُوشُكُمْ فَيَغْمِزُكُمْ رَجُلًا رَجُلًا. أَمَا إِنَّهُ لَا يَكُونُ
إِلَّا ابْنُ بَغْيٍ، لَا يَدْعُ أَحَدًا رَأَاهُ إِلَّا قَتَلَهُ أَوْ صَلَبَهُ! حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ
يَمُرُّ بِالْدَّرَةِ الْعَظِيمَةِ مَطْرُوحَةً فِي الْأَرْضِ فَلَا يَتَعَرَّضُ لَهَا مِنْ
شِدَّةِ الْخَوْفِ؛

گویی سفیانی را با چشم خود می بینم که در کوچه و بازار
شما رحل خود را انداخته، منادی اش بانگ برمی آورد
هر کس سر یکی از کوفیان (شیعیان) را بیاورد هزار
درهم جایزه دارد، آنگاه همسایه سر همسایه اش و برادر
سر برادرش را بریده به جهت اخذ پاداش پیش او می برد
و می گوید این هم از آنهاست و هزار درهم دریافت
می کند. در آن ایام حکومت شما به دست حرام زادگان
می افتد. گویی آن مرد آبله رو (سفیانی) را می بینم که
به عنوان یکی از شما و قائل به عقیده شما (یعنی به
عنوان عرب و مسلمان) وارد صحنه شده، او شما را
خوب می شناسد ولی شما او را نمی شناسید، پس شما
را محاصره کرده یک یک دستگیر کرده، نابود می سازد!
او جز زنازاده نیست، احدی را نمی بیند جز اینکه گردن
می زند یا به دار می آویزد. آن قدر خفقان می شود که

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

انسان از شدت ترس به اشیای بسیار گرانبهایی که در
وسط راه می‌بیند دست نمی‌زند»^۱.

درباره خسف، رسول اکرم (ص) فرمودند:

«ثُمَّ تَنْخَسِفُ الْبَصْرَةُ وَ تَخْرَبُ وَ يَعُمُّ الْعِرَاقَ خَوْفٌ شَدِيدٌ
لَا يَكُونُ مَعَهُ قَرَارٌ، وَ يَقَعُ الْمَوْتُ الذَّرِيعُ بَعْدَ أَنْ يَدْخُلَ جَيْشُهُ
إِلَى بَغْدَادَ فَيُبِيحُهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ أَلْفًا وَ
يُخْرِبُ دُورَهَا، ثُمَّ يُقِيمُ بِهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ لَيْلَةً فَيَقْسِمُ أَمْوَالَهَا، وَ
يَكُونُ أَسْلَمُ مَكَانٍ فِيهَا الْكَرْخُ؛

سپس بصره خسف می‌شود و ویران می‌گردد و وحشت
بسیار شدیدی بر سراسر عراق حکم فرما می‌شود که
احدی آسایش و آرامش نمی‌یابد، چون سپاه او وارد
بغداد شود، کشتار بسیار فجیعی می‌شود، سه روز همه
چیز را مباح اعلام می‌کند، ۶۰ هزار نفر (و به روایتی ۷۰
هزار) از مردم بغداد کشته می‌شوند و خانه‌هایشان ویران
می‌شود. هجده روز در آنجا اقامت می‌کند، ثروت‌های
مردم را در میان سپاهیان‌شان تقسیم می‌کند. در آن روز
سالم‌ترین جا در بغداد کرخ است»^۲.

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۳.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۴۱.

همچنین رسول خدا(ص) درباره مدت حکومت سفیانی فرمودند:

«مِن أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا: سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا، ثُمَّ يَمْلِكُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ لَا تَزِيدُ يَوْمًا! إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالَيْنَا؛

از نخستین روزی که [سفیانی] خروج می کند تا روزی که حکم می راند شش ماه تمام است سپس ۹ ماه حکم می راند و حتی یک روز هم بر آن نمی افزاید. هنگامی که این امر تحقق یافت به سوی ما بشتابید»^۱.

سپس رسول خدا(ص) فرمودند:

«فِي شَوَّالٍ يَشُولُ أَمْرُ الْقَوْمِ وَ فِي ذِي الْقَعْدَةِ يَقْعُدُونَ وَ ذُو الْحِجَّةِ شَهْرُ الدِّمِّ وَ فِي مُحَرَّمٍ يُحْرَمُ الْحَلَالُ وَ يُحَلُّ الْحَرَامُ وَ فِي صَفَرٍ وَ رَبِيعٍ خِزْيٌ عَظِيمٌ فَأَمْرٌ عَظِيمٌ وَ فِي جُمَادَى الْفَتْحُ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا؛

در ماه شوال خیزش ها آغاز می شود، در ماه ذی قعدة بر اریکه قدرت تکیه دهند، در ماه ذی حجه سیل خون راه اندازند، در ماه محرم حلال ها را حرام و حرام ها را حلال سازند، در ماه های صفر و ربیع فجایع بزرگ همراه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

با ذلّت بزرگ روی می‌دهد، در ماه‌های جمادی هم‌اش
فتح و پیروزی است»^۱.

حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند:

«إِذَا هُدِمَ حَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، مُؤَخَّرَهُ، مِمَّا يَلِي دَارَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالُ مُلْكِ السُّفْيَانِيِّ. أَمَا إِنَّ هَادِمَهُ لَا يَبْنِيهِ؛
هنگامی که دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن
مسعود فرو ریزد، در آن هنگام حکومت سفیانی پایان
پذیرد. آگاه باش که خراب کننده آن، آن را بنا نمی‌کند»^۲.

امام رضا (ع) نیز فرمودند:

«إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ عِلَامَاتٌ: حَدَثٌ يَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ. فَقِيلَ:
مَا الْحَدَثُ؟ قَالَ: غَضَبَةٌ تَكُونُ، وَ يَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ آلِ فُلَانٍ خَمْسَةَ
عَشْرَ رَجُلًا - كَبِشًا! -»

در پیش‌قدم امر ظهور نشانه‌هایی هست، حادثه‌ای در
حرمین شریفین واقع می‌شود، پرسیده شد: آن کدام حادثه
است؟ فرمود: خشمی برافروخته می‌شود و فلانی (سفیانی)
پانزده تن از آل محمد (ص) را در آنجا ذبح می‌کند»^۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۷.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۲.

منظور از خشمی که برافروخته می‌شود، خشم خداوند بر سپاه خون‌آشام سفیانی است که مظهر آن خشم، خسف سپاه سفیانی در سرزمین بیداء است، که در فاصله ۱۲ میلی مدینه منوره روی می‌دهد.

در انجیل نیز در این باره آمده است:

«فرشته ششم بنواخت تا ناگاه آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خداست شنیدم. که به آن فرشته ششم که صاحب کرنا بود می‌گوید: آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته‌اند خلاص کن، پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده‌اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند خلاصی یافتند.»

«و عدد جنود سواران ۲۰۰ هزار بود که عدد ایشان را شنیدم... از این سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان بیرون می‌آید، ثلث مردم هلاک شدند.»

«و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

می‌گوید بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران و گوشت اسب‌ها و سواران آنها و گوشت همگان را چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر»^۱.

از بررسی روایات این بخش به این نتیجه می‌رسیم که سپاه حضرت بقیةالله (ع) از طریق فلسطین شرقی عازم عراق می‌شود، در کرانه‌های دریاچه طبریّه با سپاه سفیانی روبه‌رو می‌شوند که از عراق برمی‌گردد، جنگ سختی بین دو سپاه درمی‌گیرد که سفیانی در آن شکست می‌خورد و همه سپاهیانش بدون استثنا در آنجا کشته می‌شوند و فقط خودش می‌ماند. یکی از یاران امام به نام صیّاح (یا صباح) با گروهی از سپاهیان بر او می‌تازند و او را دستگیر می‌کنند و به محضر امام (ع) می‌آورند. هنگامی او را می‌آورند که امام مشغول نماز عشاء هستند، نمازشان را تخفیف می‌دهند و به طرف او برمی‌گردند. سفیانی می‌گوید:

«ای پسر عمو، مرا آزاد کن و برای خودت نگهدار، تا یکی از یاران تو باشم!!». حضرت مهدی (ع) به اصحاب

۱. شایان ذکر است مسیحیان صهیونیست این اخبار و احمل بر ماجرای معمول و بر ساخته «آرماگدون» می‌کنند.

خود می فرمایند:

درباره او و سخنانش چه می گوئید؟ همگی می گویند:
به خدا سوگند به کمتر از قتل او راضی نمی شویم، او
چقدر خون ریخته، چقدر به حریم جان و مال و ناموس
مردم تجاوز کرده است و انتظار عفو دارد!!

حضرت مهدی (ع) می فرمایند: هر چه می خواهید انجام
دهید. گروهی از یاران او را می گیرند و روی سنگی در کرانه
دریاچه طبریّه می خوابانند و همانند گوسفند او را ذبح می کنند.
با ذبح او فتنه ها ذبح می شود و ریشه جنایت ها می خشکد و
بزرگ ترین فاجعه خونین جهان پایان می پذیرد.

۵. خروج سید خراسانی

رسول اکرم (ص) در چندین روایت به ذکر ویژگی های
قیام سید خراسانی می پردازند که عبارتند از:

«تَخْرُجُ رَايَاتٌ سُودٌ صِفَارٌ، تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ،
يُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ. عَلَى مُقَدِّمَتِهِمْ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ يُقَالُ
لَهُ: تَمِيمٌ بْنُ صَالِحٍ؛

«پرچم های سیاه کوچکی به اهتزاز درمی آید که با
مردی از اولاد ابوسفیان نبرد می کند و برای اطاعت از
حضرت مهدی (ع) زمینه سازی می کند. در پیشاپیش این

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

پرچم‌ها مردی به نام: «تمیم بن صالح» حرکت می‌کند.^۱

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّاياتِ السُّودِ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ، فَاتُّوْهَا وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى التَّلْجِ، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ؛

«هنگامی که ببینید پرچم‌های سیاه از طرف خراسان به حرکت درآمده، به سویش بشتابید ولو با سینه‌خیز رفتن از روی برف‌ها، که خلیفه خدا حضرت مهدی (ع) در میان آن است».^۲

«يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي بِلَاءٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَهُ اللَّهُ، وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا أَسْمُهُ كَاسِمِي فَيُؤَلِّوْنَهُ أَمْرَهُمْ فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِنَصْرِهِ؛

اهل بیت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری‌ها می‌شوند و آنگاه خداوند پرچم‌های سیاهی از طرف مشرق می‌فرستد، هر کس آنها را یاری کند خدا را یاری کرده است و هر کس آنها را زبون سازد خدا را زبون ساخته است. این پرچم‌ها به اهتزاز درمی‌آید تا با مردی که هم‌نام من است بیعت کنند و او را به رهبری خود انتخاب

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۱۲، ۱۸۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

کنند و خدایش او را تأیید می‌کند»^۱.

«مَلِكُ بَنِي الْعَبَّاسِ عُسْرٌ لَا يُسْرَ فِيهِ. لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمُ التُّرْكُ وَ الدَّيْلَمُ وَ السُّنْدُ وَ الْهِنْدُ وَ الْبَرْبَرُ لَمْ يُزِيلُوهُ. وَ لَا يَزَالُونَ يَتَمَرَّغُونَ وَ يَتَنَعَّمُونَ فِي غَضَارَةٍ مِنْ مُلْكِهِمْ حَتَّى يَشُدَّ عَنْهُمْ مَوَالِيهِمْ وَ أَصْحَابُ الْوَيْتِهِمْ وَ يُسَلِّطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عِلْجاً يَخْرُجُ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ مُلْكُهُمْ لَا يَمُرُّ بِمَدِينَةٍ إِلَّا فَتَحَهَا، وَ لَا تُرْفَعُ لَهُ رَايَةٌ إِلَّا مَرْقَهَا، وَ لَا نَعْمَةٌ إِلَّا أَزَالَهَا. الْوَيْلُ لِمَنْ نَاوَاهَا. فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يَظْفَرُ وَ يَدْفَعُ بِظَفَرِهِ إِلَى رَجُلٍ مِنْ عِترَتِي يَقُولُ الْحَقُّ وَ يَعْمَلُ بِهِ؛

حکومت بنی عباس سخت است و هیچ نرمش ندارد، اگر توده‌های ترک، دیلم، هند، سند و بربر جمع شوند نمی‌توانند آنها را ساقط کنند، آنها در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند تا گروهی از مسؤلان و پرچمدارانشان از آنها منحرف شوند. آنگاه خداوند مرد نیرومند عجمی را بر آنها مسلط می‌کند، که از منطقه‌ای برمی‌خیزد که سلطنت آنها از آنجا آغاز شده است (یعنی از خراسان)، وارد شهری نمی‌شود جز اینکه آن را می‌گشاید. پرچمی علیه او برافراشته نمی‌شود جز اینکه سرنگون می‌شود، نغمه‌ای علیه او ساز نمی‌شود جز اینکه آن را نابود می‌سازد، وای بر کسی که با او درگیر شود. او همچنان پیش می‌رود و

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۳۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

پیش می‌تازد و هر روز پیروزی جدیدی به دست می‌آورد تا همه پیروزی‌هایش را به مردی از عترت من تقدیم کند که به سوی حق فرا می‌خواند و به آن عمل می‌کند»^۱.

روزی رسول اکرم (ص) به جعفر طیار فرمودند:

«يَا جَعْفَرُ: أَلَا أَبْشُرُكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: إِنَّ الَّذِي يَدْفَعُهَا إِلَى الْقَائِمِ هُوَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ. أَتَدْرِي مَنْ هُوَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: ذَاكَ الَّذِي وَجْهُهُ كَالدِّينَارِ، وَ أَسْنَانُهُ كَالْمِنْشَارِ، وَ سَيْفُهُ كَحَرِيقِ النَّارِ. يَدْخُلُ الْجَبَلَ ذَلِيلًا وَ يَخْرُجُ مِنْهُ عَزِيزًا؛

ای جعفر! تو را نوید بدهم؟ گفت: بلی، یا رسول الله (ص). فرمود: کسی که پرچم را به قائم (عج) تقدیم می‌کند مردی از نسل توست. می‌دانی او کیست؟ گفت: نه. فرمود: چهره‌اش چون دینار گرد و گلگون، دندان‌هایش چون شانه منظم و براق، شمشیرش چون شعله‌های آتش برنده و خانمانسوز است. با خواری به کوه پناه می‌برد و با شکوه فراوان از آن سرازیر می‌شود»^۲.

«يُخْرِبُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ بَغْدَادَ، ثُمَّ يَنْحَدِرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيُحْرِقُونَ

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۳۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۳۰.

ما حَوْلَهَا. ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ مَعَهُمُ السَّبَايَا وَالْغَنَائِمِ. فَتَخْرُجُ رَايَةٌ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَيَقْتُلُونَهُمْ، لَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَيَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبِيِّ وَالْغَنَائِمِ؛
 سپاه سفیانی بغداد را ویران می سازند و به سوی کوفه حرکت می کنند و حوالی کوفه را به آتش می کشند و راهی شام می شوند و اسرا و غنایم جنگی را با خود می برند. آنگاه پرچمی که پرچم هدایت است (پرچم خراسانی) از کوفه حرکت می کند و سپاه سفیانی را تار و مار می سازد و یک تن گزارشگر هم از آنها باقی نمی گذارد و آنچه اسیر و غنایم در دستشان هست از آنها باز می ستاند»^۱.

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِخْتَارَ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي بَلَاءً وَ تَشْرِيداً وَ تَطْرِيداً، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ، فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتِ جَوْرًا. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبِوْا عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ؛

ما خاندانی هستیم که خداوند به جای دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است. اهل بیت من بعد از من دچار

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

بلاها، گرفتاری‌ها، تبعیدها و جلای وطن‌ها می‌شوند، تا گروهی از خراسان با پرچم‌های سیاه حرکت کنند و خیر و صلاح را مطالبه نمایند، پس به آنها داده نمی‌شود، آنها نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند و به آنچه می‌خواستند دست می‌یابند ولی آن را نمی‌پذیرند بلکه به مردی از عترت من تقدیم می‌کنند که او جهان را پر از عدل و داد نماید، آن چنان که مملو از جور و ستم شده است. آگاه باشید هر کس آنها را درک کند به سوی آنها بشتابد اگر چه با سینه‌خیز رفتن از روی برف‌ها باشد، که او مهدی است»^۱.



امیر مؤمنان (ع) نیز درباره خروج سید حسنی خراسانی چند روایت فرموده‌اند که به آنها اشاره می‌کنیم، ایشان می‌فرمایند:

«... ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمْ فِتْيَانٌ مِنْ مَجَالِهِمْ (عَلَيْهِمْ رَجُلٌ) يُقَالُ لَهُ: صَالِحٌ... فَتَكُونُ الدَّائِرَةُ عَلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ ثُمَّ تَنْتَهِي إِلَى الْمَدِينَةِ فَتَقْتُلُ الرِّجَالَ وَ تَبْقُرُ بَطُونَ النِّسَاءِ. فَإِذَا حَضَرَ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالشَّوَاهِقِ وَ خَلْفِ الدُّرُوبِ. وَ إِنَّمَا ذَلِكَ حَمَلُ امْرَأَةٍ. ثُمَّ يَقْبَلُ الرَّجُلُ التَّمِيمِيُّ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ بِالرَّايَةِ السُّودَاءِ الْمَهْدِيَّةِ بِنَصْرِ اللَّهِ،

۱. كشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۸.

وَ كَلِمَتُهُ حَقٌّ، حَتَّى يُبَايِعَ الْمَهْدِيَّ؛

جوانانسی از منطقه خودشان به رهبری مردی که به او «صالح» گفته می‌شود به سوی آنها و علیه آنها خروج می‌کند، در حالی که اهل کوفه در محاصره واقع شده‌اند و آنگاه به سوی مدینه عزیمت می‌کند. در آن زمان مردان کشته می‌شوند و شکم زنان دریده می‌شود. چون این فتنه برخیزد شما به سوی کوه‌ها فرار کنید و در پشت درهای بسته، خود را مخفی بدارید. مدت این حوادث به مقدار بارداری یک زن است. آنگاه این مرد تمیمی، شعیب بن صالح - که خداوند بر سرزمینش باران رحمتش را فرو ریزد - با پرچم‌های سیاه مهدوی، با نصرت الهی و کلام حق پیش می‌تازد تا به محضر حضرت مهدی (ع) می‌رود و با او دست بیعت می‌دهد.^۱

امیر مؤمنان (ع) می‌فرمایند:

«لَتَضْرِبَنَّكُمْ الْأَعَاجِمُ عَلَى هَذَا الدِّينِ عَوْدًا، كَمَا ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَيْهِ بَدَاءً! لَيَمْلَأَنَّ اللَّهُ أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْأَعَاجِمِ! لَيَصِيرَنَّ أَسْدًا لَا يَفْرُونَ، فَلَيَضْرِبَنَّ أَعْنَاقَكُمْ، وَ لَيَغْلِبَنَّكُمْ عَلَى فَيْئِكُمْ!»

به زودی عجم‌ها برای بازگشت شما به دین با شما

۱. الملاحم و الفتن، صص ۴۱، ۱۱۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

خواهند جنگید، چنان که برای پذیرش نخستین اسلام با آنها جنگیدید. خداوند دست‌های شما را از آنها پر می‌کند و آنها شیران ژبانی می‌شوند که هرگز از برابر شما نمی‌گریزند و گردن‌های شما را می‌زنند و ثروت‌های شما را تحت سیطره خود درمی‌آورند.^۱

امیرمؤمنان (ع) در تفسیر آیه شریفه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ»^۲ می‌فرمایند:

«إِنْتَضِرُوا الْفَرْجَ مِنْ ثَلَاثٍ: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ، وَ الْفَرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛

از مشاهده سه نشانه، منتظر فرج باشید:

۱. اختلاف شامیان؛

۲. [خروج] پرچم‌های سیاه از خراسان؛

۳. صیحه آسمانی در ماه رمضان.^۳

«إِذَا وَقَعَتِ الْمَلَا حِمُّ، بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ الْمَوَالِي، أَكْرَمِ الْعَرَبِ فُرْسَانًا، وَ أَجْوَدِهِمْ سِلَاحًا، يُؤَيِّدُ اللَّهُ بِهِمُ الدِّينَ؛

۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۳۷.

۲. سوره زخرف (۴۳)، آیه ۶۵.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۳۳.

چون نشانه‌های ظهور فرا رسد، خداوند یکی از شیعیان ایرانی (موالی) را برمی‌انگیزد که گرامی‌ترین اسب‌سوار عرب است و بهترین اسلحه را در اختیار دارد. خداوند به وسیله آنها دین را یاری می‌کند.^۱

«و تَحَرَّكَتْ عَسَاكِرُ خُرَاسَانَ، وَ تَبَعَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ مِنْ بَطْنِ الطَّالِقَانِ، وَ بُوِيعَ لِسَيِّدِ مُوسَى بِخُوزِستَانِ، وَ عُقِدَتِ الرَّايَةُ لِقَنَاةِ كُرْدَانَ وَ تَغَلَّبَتِ الْعَرَبُ عَلَى بِلَادِ الْأَرْمَنِ وَ السَّقْلَابِ، وَ أذَعَنَ هِرَقْلُ لِبَطَارِقَةِ سُفْيَانَ؛

سپاهیان خراسان به حرکت درمی‌آیند، شعیب بن صالح تمیمی در طالقان به آنها می‌پیوندد، در خوزستان با یک سید موسوی بیعت می‌شود، پرچمی برای چماقداران کرد فراهم می‌شود، عرب‌ها بر سرزمین ارمنی‌ها و سیکلوب‌ها^۲ غلبه می‌کنند و هرقل (آسیای صغیر) در برابر فرماندهان سفیانی تسلیم می‌شود.^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۹.

۲. سیکلوب یا صقلوب به صقالبه شمال و جنوب گفته می‌شود، صقالبه شمال، شامل: روس‌ها و پولونی‌ها (لهستان) است و صقالبه جنوب، شامل: یوگوسلاوی و بلغارستان است، به بردگانی که به خدمت سربازی اجیر می‌شدند صقالبه می‌گفتند.

۳. بشارة الاسلام، ص ۷۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

«... فَعِنْدَهَا تَكْوَاتِرُ الْهَدَاثِ وَالزَّلَازِلُ، وَتُقْبِلُ الرَّايَاتُ مِنْ شَاطِئِ
جِيْحُونَ إِلَى بِلَادِ بَابِلَ أَلَا يَا وَيْلَ لِمَدَائِنِكُمْ وَأَمْصَارِكُمْ مِنْ
طُغَاةٍ يَظْهَرُونَ فَيَعَذِّبُونَكُمْ إِذَا قَضَىٰ مَنْ مَضَىٰ مِنَ الْجَبَابِرَةِ الَّذِينَ
لَمْ يُحْسِنُوا سِيَاسَةَ الْمُسْلِمِينَ!»

در آن هنگام غرّش رعد‌ها و لرزش زلزله‌ها یکی پس از دیگری واقع می‌شود و پرچم‌هایی از کنار رود جیحون به حرکت درآمده به سوی کشور بابل (عراق) سرازیر می‌شود. بدا به حال شهرهای شما از طاغوت‌هایی که بر شما مسلط می‌شوند و شما را شکنجه می‌کنند و هنگامی که سرآید دوران حکمرانی ستمگرانی که امور مسلمانان را نیک اداره نکردند.^۱

«تُقْبِلُ رَايَاتٌ مِنْ شَرْقِي الْأَرْضِ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ لَيْسَ بِقُطْنٍ وَلَا
كُتَانٍ وَلَا حَرِيرٍ، مُخْتَمَةٌ فِي رُؤُوسِ الْقَنَا بِخَاتَمِ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ،
تُسَوِّقُهَا رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمَ تَطِيرُ بِالْمَشْرِقِ يُوجَدُ رِيحُهَا
بِالْمَغْرِبِ كَالْمِسْكِ الْأَذْفَرِ؛

پرچم‌هایی بی‌نام و نشان از خاور زمین به اهتزاز درمی‌آید. که از پنبه و کتان و ابریشم نیست، آنها را بر سر نیزه‌ها می‌زنند و نام رسول اکرم (ص) بر آنها نقش می‌شود، و

^۱ الزام الناصب، ص ۲۱۳.

آنها را مردی از آل محمد (ص) رهبری می کند. چون از مشرق حرکت کنند عطر آنها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می رسد»^۱.

«يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهَا شَهْرًا حَتَّى يَنْزِلُوا بِالْكَوْفَةِ طَالِبِينَ بِدِمَائِهِمْ. فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ خَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ يَسْتَبِقَانِ كَانَهُمَا فَرَسًا رِهَانٍ: شُعْتُ غَيْرُ جُرْدٍ، أَصْلَابُ نَوَاصِي وَأَقْدَاحٍ، إِذَا يَضْرِبُ أَحَدُهُمْ بِرِجْلِهِ بَاكِيَةً فَيَقُولُ: لَا خَيْرَ فِي مَجْلِسِنَا بَعْدَ يَوْمِنَا هَذَا، اللَّهُمَّ إِنَّا التَّائِبُونَ... وَهُمْ الْأَبْدَالُ الَّذِي وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ. وَ نَظَرَاوَهُمْ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَيَسِيرُونَ إِلَى النُّخَيْلَةِ بِأَعْلَامٍ هُدًى، وَ يُنَادِي يَوْمئِذٍ مُنَادِي السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. فَيَكُونُ مَجْمَعُ النَّاسِ كُلُّهُمْ بِالْفَارُوقِ، فَيُقْتَلُ يَوْمئِذٍ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ثَلَاثَةُ آلَافٍ أَلْفٍ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَوْمئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ: فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ؛

ترس و وحشت مسیر یک ماه را پر می کند تا هنگامی که [لشکر سفیانی] وارد کوفه می شوند و خون نیاکان خود را مطالبه می کنند، در آن هنگام که مشغول کشت و کشتار ظالمانه خود هستند، دو لشکر آزادی بخش یمانی و

۱. الزام الناصب، ص ۲۵۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

خراسانی، همانند دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر وارد می‌شوند که گرد راه بر سر و صورتشان نشسته و اسلحه چندانی بر تنشان دیده نمی‌شود ولی با اراده‌های آهنین و تیرهای فولادین [هستند]. در آن هنگام یکی از آنها در حالی که قطرات اشک در گرد دیدگانش حلقه زده، با پای خود بر زمین می‌زند و می‌گوید: دیگر نشستن فایده ندارد، ما به سوی پروردگار خود باز می‌گردیم. اینان همان ابدال هستند که خداوند در قرآن کریم آنها را ستوده و می‌فرماید: [خداوند تائبین را دوست می‌دارد و پاکان را دوست می‌دارد].^۱ نظیر آنها فقط در آل محمد (ص) یافت می‌شود. آنگاه به سوی نُخَیْلَه (نجف اشرف) حرکت می‌کنند و پرچم‌های هدایت را با خود حمل می‌کنند. آن روز صیحه آسمانی بلند می‌شود و ندای موعود، در رمضان شنیده می‌شود و مردم در فاروق گرد می‌آیند و در سراسر جهان سه میلیون نفر کشته می‌شوند و آیه شریفه: [پیوسته ادعایشان این بود تا آنان را به صورت دروشتگان خموش درآوریم]^۲ تحقق می‌یابد.^۳

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۲۲۲.

۲. سوره انبیاء (۱۵)، آیه ۱۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴، ج ۵۳، ص ۸۳.

«وَيْلٌ لِّشَيْعَةِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْحَرْبِ الَّتِي تَسْنَحُ بِهَا نَهَاوَنْدُ وَ
 الدِّينَوْرُ!». تِلْكَ حَرْبُ صَعَالِيكَ شَيْعَةِ عَلِيٍّ يَقْدُمُهُمْ رَجُلٌ مِنْ
 هَمْدَانَ اسْمُهُ عَلِيُّ اسْمِ النَّبِيِّ (ص) مَنَعُوتٌ مَوْصُوفٌ بِاعْتِدَالِ
 الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ نَضَارَةِ اللَّوْنِ. وَ فِي صَوْتِهِ ضِحْكٌ، وَ فِي
 أَشْفَارِهِ وَطْفٌ، وَ فِي عُنُقِهِ سَطْحٌ. فَرِقُ الشَّعْرِ، مُفْلَجُ الثَّنَائِيَا، عَلِيٌّ
 فَرَسِهِ كَبْدِرِ التَّمَامِ تَجَلَّى عَنْهُ الْغَمَامُ. يَسِيرُ بِعِصَابَةٍ خَيْرِ عِصَابَةٍ
 دَانَتْ لِلَّهِ بِدِينِ الْحَقِّ. تِلْكَ الْأَبْطَالُ مِنَ الْعَرَبِ يَلْحَقُونَ حَرْبَ
 الْكُرَيْهَةِ، وَ الدَّائِرَةُ يَوْمئِذٍ عَلَى الْأَعْدَاءِ. وَ إِنَّ لِلْأَعْدَاءِ يَوْمئِذٍ
 الصَّيْلَمُ وَ الْإِسْتِصَالَ؛

وای بر پیروان بنی عباس از جنگی که از نهاوند و دینور
 زبانه می کشد. این جنگ، جنگ ضعفای شیعیان علی (ع)
 است، که در پیشاپیش آنها مردی از همدان^۱ که هم نام
 رسول خدا (ص) است حرکت می کند که اندامی موزون،
 اخلاقی زیبا و چهره‌ای شاداب و خنده‌رو دارد. لب‌هایش
 فروهشته، گردنش راست و کشیده، موی سرش از هم
 جدا، دندان‌هایش از هم فاصله گرفته، چون بر فراز اسب
 قرار بگیرد، گویی ماه چهارده شبه‌ایست که ابرها را از
 افق زدوده، با سپاهیانی حرکت می کند که از همه گسسته

۱. احتمال می رود که سید خراسانی مدتی در همدان اقامت کرده باشد، یا با
 جوان تعمی در همدان ملاقات کند و سلحشوران را از آنجا رهبری کند.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

و به دین حق پیوسته، اینها قهرمانانی هستند که جنگ سختی را پیش پای عرب‌ها قرار می‌دهند. آن روز برای دشمنان روز بسیار سختی است که کلاً نابود می‌شوند و از روی زمین ریشه‌کن می‌گردند.^۱

«أَسْلَمَ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ. فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانُ، وَ وَقَعَ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَ طَبْرِسْتَانَ، وَ خَرَجَتْ سَجِسْتَانُ، فَأَسْلَمَ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةُ قُمَّ تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يُخْرَجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَ أُمًّا، وَ جَدًّا وَ جَدَّةً، وَ عَمًّا وَ عَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الزَّهْرَاءُ بِهَا مَوْضِعُ قَدَمِ جِبْرَائِيلَ، وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي تَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مَنْ شَرِبَ مِنْهُ أَمِنَ مِنَ الدَّاءِ. وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ عُجْنُ الطِّينِ الَّذِي جُعِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَ مِنْهُ يَغْتَسِلُ الرُّضَا، وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ يُخْرَجُ كَبِشُ إِبْرَاهِيمَ وَ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ!»

سالم‌ترین مناطق روی زمین در آن روز کوهستان است، هنگامی که در خراسان اضطراب شد و در میان گرگان و طبرستان (مازندران) جنگ درگرفت و سجستان شورش کرد، در آن روز سالم‌ترین مناطق، شهرستان «قم» است که یاران بهترین مردم از جهت پدر، مادر، جد، جدّه، عمّه

۱. غیبت نعمانی، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۷.

و عمو (یعنی حضرت مهدی (ع)) از آنجا برمی خیزند. در این شهر پر نور و شکوفا جای پای جبرئیل است و آن نقطه‌ای است که از آنجا آبی بیرون زده است که هر کس از آن بخورد از هر بیماری در امان می‌ماند و این همان آبی است که با آن شکل مرغ ساخته شد (و به دست حضرت عیسی (ع) روح در آن دمیده شد) و آبی است که حضرت رضا (ع) از آن غسل می‌کند و این آبی است که قوچ ابراهیم (ع) و عصای موسی (ع) و انگشتر سلیمان (ع) از آن درمی‌آید.^۱



«إِنَّ اتَّبِعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَاجَ الرَّسُولِ (ص) وَ تَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى، وَ كُفَيْتُمْ مَوْنَةَ الطَّلَبِ وَ نَبَذْتُمْ الثُّقْلَ الْفَادِحَ مِنَ الْأَعْنَاقِ؛

اگر از مردی پیروی کنید که از مشرق برمی خیزد، شما را به راه و روش پیامبر (ص) می‌برد و از کوری نجات می‌یابید و زحمت جست‌وجو از شما برداشته می‌شود، و وظیفه سنگینی را از گردن خود ساقط می‌کنید».^۲



۱. البلدان، ص ۳۶۴؛ بشارة الاسلام، ص ۴۹.

۲. بشارة الاسلام، ص ۶۴.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینہ سازان آن

«لَا بُدَّ مِنْ رَحَى تَطْحَنُ. فَإِذَا قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا، وَ ثَبَّتَتْ عَلَى سَاقِهَا بَعَثَ اللَّهُ عَبْدًا عَسْفًا خَامِلًا أَصْلُهُ يَكُونُ النَّصْرُ مَعَهُ. أَصْحَابُهُ الطَّوِيلَةُ شُعُورُهُمْ. أَصْحَابُ السُّبَالِ أَصْحَابُ رَايَاتِ سُودٍ، وَيَلِّ لِمَنْ نَاوَاهُمْ!!! يُسَلِّطُهُمُ اللَّهُ عَلَى الْأَعْرَابِ فَيَقْتُلُونَهُمْ هَرَجًا هَرَجًا!»

به ناگزیر باید آسیابی به کار افتد، چون آسیاب به کار افتاد و پایه‌هایش استوار گردید، خدای تبارک و تعالی مرد با ابهت و گمنامی (شعیب) را برمی‌انگیزد که هر کجا می‌رود چیره می‌شود، یارانش با ریش‌های بلند و شارب‌های فروهشته و پرچم‌های سیاه حرکت می‌کنند، بدا به حال کسی که با آنها درگیر شود. خداوند آنها را بر سپاه عرب مسلط می‌فرماید، که آنها را بی‌مهابا می‌کشند»^۱.

«إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ، بَعَثَ فِي طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَ يَخْرُجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِي طَلَبِ الْمَهْدِيِّ. فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْهَاشِمِيُّ بِرَايَاتِ سُودٍ، عَلَى مُقَدِّمَتِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، فَيَلْتَقِي هُوَ وَالسُّفْيَانِيُّ بِبَابِ إِصْطَخْرِ، فَيَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ، فَتَظْهَرُ الرَّايَاتُ السُّودُ وَ تَهْرَبُ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَنَّي النَّاسُ الْمَهْدِيَّ وَ يَطْلُبُونَهُ، فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ وَ مَعَهُ رَايَةٌ

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۳۶؛ بحار الانوار، ص ۵۲، ص ۲۳۲.

رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ يَيَأْسَى النَّاسُ مِنْ خُرُوجِهِ لِمَا طَالَ عَلَيْهِمْ مِنَ
الْبَلَاءِ. وَ يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَ يَظْهَرُ لِلنَّاسِ:
أَيُّهَا النَّاسُ: أَلْحِ الْبَلَاءُ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ خَاصَّةً، وَ
قَدْ قَهَرْنَا وَ بُغِيَ عَلَيْنَا؛

هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه عزیمت می کند،
سفیانی گروهی را به جست و جوی اهل خراسان می فرستد
که برای یاری حضرت مهدی (ع) خروج کرده اند. سپاه
سفیانی با سپاه سید هاشمی (سید خراسانی) در دروازه
اصطخر^۱ روبرو می شود که مردی به نام شعیب بن صالح
پرچمدار خراسانی هاست و پرچم های سیاهی در دست
دارند. نبرد سختی در میانشان پدید می آید که سرانجام،
صاحبان پرچم های سیاه پیروز می شوند و سپاه سفیانی پا
به فرار می گذارند. در آن هنگام مردم به دیدار حضرت
مهدی (ع) مشتاق تر می شوند و به جست و جوی او می پردازند.
حضرت مهدی (ع) در آن هنگام در مکه ظهور می کند و پرچم
رسول اکرم (ص) را در دست می گیرد و آن هنگامی است

۱. اصطخر معرب «استخر» است و آن پایتخت داریوش کبیر و خشایار شاه
و اردشیر اول در حوالی پرسپولیس است، که اسکندر مقدونی آن را آتش زد.
خرابه های آن، که يك قسمتش به تخت جمشید معروف است در حوالی مرودشت
در استان فارس باقی است. گویند: معبد آناهیتا در شهر استخر بوده است و لذا
پادشاهان ساسانی آنجا را گرامی می داشتند.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

که مردم بیه کلی از ظهور او نومید شده‌اند و حوادث فراوانی بر آنها رخ نموده است. چون حضرت بقیة الله (عج) ظهور کند دو رکعت نماز می‌گزارد و می‌فرماید: «هان ای مردم! بلاها بر امت محمد (ص) فرود آمد و به خصوص به اهل بیت ما بلاهای فراوان نازل شد. ما مظلوم شدیم، به ما ستم فراوان رفت...». تا پایان خطبة معروفش.^۱

«ثُمَّ يَخْرُجُ الْفَتَى الصَّبِيحُ مِنْ نَحْوِ الدَّيْلَمِ وَقَزْوِينَ، يُنَادِي بِنُصْرَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَيَصِيحُ بِصَوْتٍ فَصِيحٍ: يَا آلَ مُحَمَّدٍ أَجِيبُوا الْمَلْهُوفَ! فَتَجِيبُهُ كُنُوزُ الطَّالِقَانِ، كُنُوزٌ أَيْ كُنُوزًا! لَيْسَتْ مِنْ لَبْئَةٍ وَلَا ذَهَبٍ، بَلْ هِيَ رِجَالٌ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ!...»

سپس جوانی خوش اندام از حوالی قزوین و دیلم برای صرت آل محمد (ص) خروج می‌کند و با بانگی رسا بیانی شیوا پیروان آل محمد (ص) را ندا می‌کند، که ای آل محمد! بانگ ستم‌دیده غمین را لبیک گوید. گنجینه‌های طالقان به او پاسخ مثبت می‌دهند. چه گنج‌ها گنجینه‌هایی! که از طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی لادین هستند که بر یابوهای ابلق سوارند و سلاح‌های پتاهی در دست دارند. از شوق و علاقه‌ای که به

الملاحم و الفتن، ص ۵۱؛ بشارة السلام، ص ۱۸۴.

جهاد دارند جست و خیز می‌زنند و خود را به سپاه دشمن می‌زنند، می‌جنگند و پیروز می‌شوند. فرمانده آنها مردی از تمیم به نام «شعیب بن صالح» است. بزرگ و کوچک شمشیر به دست گرفته، وارد کارزار می‌شوند. سید حسنی (خراسانی) که صورتش چون ماه تابان است، در این نبرد شمشیر می‌زند و با ستمگران نبرد می‌کند تا وارد کوفه شود و کوفه را ستاد فرماندهی خود قرار دهد. آنگاه به او خبر می‌رسد که حضرت مهدی (عج) ظهور فرموده است. سپاهیان از او می‌پرسند: این شخصیت بزرگواری که وارد صحنه می‌شود چه کسی است؟ جناب سید حسنی (خراسانی) که خود می‌داند که او حضرت بقیة الله (ع) است، می‌گوید: ما را به نزد او ببرید بینیم که او کیست؟ و چه می‌خواهد؟! با چهار هزار سپاهی که قرآن به گردن آویخته، جامه‌های موئین به تن کرده و شمشیرهای خود را حمایل کرده‌اند، حرکت می‌کند و در نزدیکی سپاهیان حضرت بقیة الله (عج) فرود می‌آید و می‌گوید: از اینها پرسید که رهبرشان کیست و چه می‌خواهد؟ برخی از سپاهیان با سپاه حضرت ولی عصر (عج) تماس می‌گیرند و می‌پرسند: خداوند شما را زنده بدارد، شما کیستید و چه می‌خواهید؟

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

آنها می‌گویند: او مهدی (عج) است و ما یاران مهدی هستیم. سید حسنی (خراسانی) می‌فرماید: مرا به خدمت آن حضرت ببرید. در میان دو سپاه، سید حسنی به پیشگاه حضرت بقیة الله روحی فداه شرفیاب می‌شود و عرض می‌کند: اگر شما حضرت مهدی هستید عصای رسول اکرم (ص)، انگشتر بُرد، زرهِ فاضل و عمامهٔ سحاب آن حضرت کجاست؟ همهٔ آنها را حضرت بقیة الله (ع) به او ارائه می‌دهد. سید حسنی عرض می‌کند: از شما می‌خواهم که عصای رسول الله را روی این سنگ سخت بکارید و از خدا بخواهید که سبز شود!، آنگاه حضرت بقیة الله (ع) آن عصا را روی آن سنگ می‌کارد و سبز می‌شود و برگ درمی‌آورد. سید حسنی صدایش به تکبیر بلند می‌شود و می‌گوید: ای فرزند پیامبر! دستت را بده تا بیعت کنم. پس ا همهٔ سپاهیان با آن حضرت بیعت می‌کنند.^۱

امام صادق (ع) می‌فرماید:

يَكُونُ إِغْرَاقُ رَجُلٍ عَظِيمِ الْقَدْرِ مِنْ شِيعَةِ بَنِي الْعَبَّاسِ، عِنْدَ
بَسْرِ مِمَّا يَلِي الْكَرْخَ بِمَدِينَةِ بَغْدَادَ؛

دی جلیل‌القدر از شیعیان بنی‌عباس را در بغداد در کنار

بحار الانوار، ج ۵۳، صص ۱۵ و ۳۵؛ بشارة الاسلام، صص ۱۴۳ و ۲۷۳.

جسر (پل) که در مسیر کرخ زده می شود، غرق می کنند»^۱.

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه [فرمان ما شبی یا روزی بر آن فرا رسیده و آن را تباه ساختیم، چنان که گویی دیروز خود را بی نیاز نمی دید]^۲ فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتُوهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ. فَإِنَّ حَمَلَتَهَا يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ وَ يَنْتَصِرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ. كَأَنِّي بِهِمْ وَ قَدْ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ حَتَّى يَدْفَعُوا رَايَاتِهِمْ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ. أَلَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ يُوطُّونَ لَهُ سُلْطَانَهُ. قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ! فَإِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودِ تَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَأَكْرِمُوا الْفُرْسَ فَإِنَّ دَوْلَتَنَا فِيهِمْ!»

هنگامی که پرچم‌های سیاه از خراسان به راه افتاد به سویش بشتابید ولو با سینه‌خیز رفتن از روی برف‌ها باشد، که صاحبان آن پرچم‌ها، طرفداران حق هستند، آنها حق را مطالبه می کنند به آنها داده نمی شود، نبرد می کنند و پیروز می شوند، آنچه می خواستند به آنها داده می شود ولی آنها دیگر نمی پذیرند. گویی با چشم خود می بینم

۱. المهدی، ص ۱۹۵.

۲. سوره یونس، آیه ۲۴.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

که شمشیرها را بر خود حمایل کرده‌اند و پیش می‌تازند تا پرچم‌ها را به مهدی قائم (ع) تسلیم نمایند. آگاه باش که آنها یاران مهدی هستند و زمینه سلطنت جهانی او را فراهم می‌سازند، دل‌های آنها چون قطعات آهن است. هنگامی که پرچم‌های سیاه را مشاهده کردید که از سوی مشرق به حرکت درآمده، فارسیان را گرامی بدارید که دولت ما در میان آنها است.^۱

حضرت بقیة الله (عج) می‌فرمایند:

«... وَ يَخْرُجُ الشَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةَ وَ آذْرَبِيْجَانَ، يُرِيدُ الرَّيَّ وَ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَا حِمَ بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرِ، لَزِيْقِ جِبَالِ الطَّالِقَانِ فَتَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقَعَةٌ صَيْلَمَانِيَّةٌ يَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ، وَ يَهْرَمُ فِيهَا الْكَبِيرُ! وَ يَظْهَرُ الْقَتِيلُ بَيْنَهُمَا فَعِنْدَهَا فَتَوْقَعُوا خُرُوجَهُ بِالزُّورَاءِ بَعْدَ أَنْ يَبْعَثَ إِلَيْهَا بِجَيْشٍ مُؤَلَّفٍ مِنْ مِئَةِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ مُقَاتِلٍ. فَيَقْتُلُ عَلَى جِسْرِهَا سَبْعِينَ أَلْفًا فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَيَجْرِي دِجْلَةُ مَاءٍ أَحْمَرَ بِالدَّمِ وَ مِنْ نَتَنِ الْأَجْسَادِ وَ يُفْتَضُّ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الْأَبْكَارِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَ النَّجْفَ فِي وَقَعَةٍ تَذْهَلُ فِيهَا الْعُقُولُ! وَ يَأْتِي بَعْدَهَا الْفَرَجُ وَ يَكُونُ بَوَارُ الْفِتَنِ. فَلَا يَلْبَثُ بِهَا حَتَّى يُوَافِيَ مَاهَانَ ثُمَّ يُوَافِيَ وَاسِطَ الْعِرَاقِ فَيُقيمُ فِيهَا سَنَةً أَوْ

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲؛ غیبت نعمانی، ص ۱۵۶.

دُونَهَا. ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى كُوفَانَ فَتَكُونُ بَيْنَهُمْ وَقَعَةٌ فِي النَّجْفِ إِلَى الْحَيْرَةِ إِلَى الْغَرِيِّ فَعِنْدَهَا يَكُونُ بَوَارُ الْفِئْتَيْنِ وَ عَلَى اللَّهِ حِصَادُ الْبَاقِينَ؛

شروسی از ارمنستان و آذربایجان حرکت کرده، به سوی ری و کوه‌های سیاه و سرخ چسبیده به سلسله کوه‌های طالقان حرکت می‌کند. در میان او و مروزی (مردی از مرو) جنگ مسلحانه سختی درمی‌گیرد که کودکان را پیر می‌سازد و بزرگسالان را از پای درمی‌آورد و کشته‌های فراوانی در میان آنها پدید آید. در آن هنگام منتظر خروج سفیانی از بغداد باشید که سپاهی متشکل از ۱۳۰ هزار جنگجو به آن سو می‌فرستد و در عرض سه روز ۷۰ هزار نفر را در نزدیک جسر بغداد از دم شمشیر می‌گذرانند و آب دجله گلگون می‌شود و بوی متعفن اجساد، فضای شهر را آلوده می‌سازد. به حریم دوازده هزار دختر تجاوز می‌شود. آنگاه وارد کوفه و نجف می‌شود و حادثه‌ای می‌آفریند که عقل‌ها را دچار دهشت و وحشت می‌سازد. به دنبال آن نوبت فرج و زمان هلاکت دشمنان و آرامش فتنه‌ها فرا می‌رسد. طولی نمی‌کشد که به «ماهان» می‌رسد و سپس وارد «واسط» در عراق می‌شود و مدت یکسال یا کمتر در آنجا می‌ماند و به سوی کوفه حرکت می‌کند، در

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

آنجا درگیری سختی در میان حیره و نجف روی می‌دهد و هر دو گروه از بین می‌روند و دیگر گروه‌ها را نیز، خداوند ریشه‌کن می‌سازد»^۱.

۶. خروج سید هاشمی

او سید قرشی، هاشمی و حسینی است که اندکی پیش از قتل نفس زکیه در مکه و هم‌زمان با روزگاری که سپاه سفیانی در عراق است و هم‌زمان با ورود سپاه خراسانی از طریق قصر شیرین و خانیقین به عراق، به شهادت می‌رسد.

سید هاشمی، شخصیت ممتاز و بزرگواری است که رسول اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) ایشان را ستایش نموده‌اند.

ما از او همواره [با عنوان] سید هاشمی یاد خواهیم کرد تا از سید خراسانی بازشناخته شود که او حسینی و این حسنی است. سید هاشمی پیش از مراسم بیعت کشته می‌شود، در حالی که سید خراسانی در حدود یک ماه بعد با حضرت بقیةالله(عج) بیعت می‌کند و اینک احادیث پیشوایان معصوم در حق سید هاشمی:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۴۵؛ کمال الدین، ص ۴۶۹.

چهل حدیث

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«كَأَنِّي بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَدْ قَادَاهَا، فَيَسْلُمُهَا الْحُسَيْنِيُّ،
فَيُبَايِعُونَهُ؛

گویی دو سید حسنی و حسینی را با چشم خود می بینم
که هر دوی آنها پرچم هدایت را به اهتزاز درمی آورند و
سید حسنی آن را به امام (ع) تسلیم می کند و خود با او
بیعت می کند»^۱.

از این حدیث استفاده می شود که سید هاشمی و
سید خراسانی پرچم هدایت را از شرق ایران به اهتزاز
درمی آورند، سید هاشمی کشته می شود و سید خراسانی با
همه سپاهیان با حضرت بقیة الله (عج) بیعت می کند.



رسول اکرم (ص) فرمودند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ النَّاسَ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِي يُقَالُ لَهُ:
جَهْجَاهُ؛

ساعت ظهور فرا نمی رسد جز هنگامی که موالی (ایرانیان)
را مردی تحت سلطه خود در آورد که به او شاهنشاه گفته
می شود»^۲.

۱. الملاحم و الفتن، ص ۴۴؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۴.

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

همچنین امیر مؤمنان(ع) فرمودند:

«وَقَتْلُ رَجُلٍ هَاشِمِيٍّ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ، فِي سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ. وَ ذَبْحِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛

مردی هاشمی با هفتاد نفر از بندگان شایسته خدا در پشت کوفه کشته می‌شود و نفس زکیه در میان رکن و مقام ذبح می‌شود».^۱

امیر مؤمنان(ع) فرمودند:

«يَقُومُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ وَاحِدٌ هَاشِمِيٌّ بِجِيلَانَ، وَ يُعِينُهُ الْمَشْرِقِيُّ. وَ يَأْتِي إِلَى الْبَصْرَةِ فَيُخْرِبُهَا، وَ يَأْتِي إِلَى الْكُوفَةِ فَيَعْمُرُهَا. فَيَعِزُّمُ السُّفْيَانِيَّ عَلَى قِتَالِهِ وَ يَهُمُّ مَعَ عَسَاكِرِهِ بِاسْتِصَالِهِ؛

پیش از قیام سفیانی، یک سید هاشمی از گیلان خروج می‌کند و سید مشرقی (خراسانی) او را یاری می‌کند، پس به سوی بصره می‌تازد و آن را ویران می‌کند و به سوی کوفه عزیمت می‌کند و آن را آباد می‌کند. آنگاه سفیانی برای نبرد با او آماده می‌شود و با سپاهیان‌ش برای نابودی او حرکت می‌کند».^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۸.

امام باقر(ع) نیز در این باره فرمودند:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي ضَعْفَاءَ فَيَقْتُلُهُ أَمِيرُ
الْجَيْشِ السُّفْيَانِي بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَالْكُوفَةِ؛

مردی از ایرانیانِ مقیمِ کوفه با گروهی از مستضعفان
خروج می‌کند و فرماندهٔ سپاه سفیانی او را در میان حیره
و کوفه به قتل می‌رساند».^۱

امام صادق(ع) فرمودند:

«... وَ نَارٌ تَظْهَرُ مِنْ آذْرِبَيْجَانٍ؛

آتشی از آذربایجان ظاهر می‌شود».^۲

دربارهٔ او امام صادق(ع) فرمودند:

«يَخْرُجُ قَبْلَ الْمَهْدِيِّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي الْمَشْرِقِ، وَ يَحْمِلُ
السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ وَ يُمْتَلُ، وَ يَتَوَجَّهُ إِلَى بَيْتِ
الْمَقْدِسِ فَلَا يَبْلُغُهُ حَتَّى يَمُوتَ؛

پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) مردی از اهل بیت
او از مشرق خروج می‌کند و هشت ماه شمشیر حمایل
می‌کند و هر کجا می‌رسد می‌کشد و مثله می‌کند و به

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ الزام الناصب، ص ۱۷۶.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۶۴.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

سوی بیت المقدس عزیمت می‌کند و به آنجا نرسیده
مرگش فرا می‌رسد»^۱.

۷. یمانی

قیام یمانی که یکی از نشانه‌های حتمی ظهور به شمار
می‌رود دارای مشخصاتی است که در روایات رسول
اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) ذکر شده‌اند، از جمله:
رسول اکرم (ص) فرمودند:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: السُّفْيَانِيُّ وَ الْخُرَاسَانِيُّ وَ الْيَمَانِيُّ فِي سَنَةِ
وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ. وَ لَيْسَ فِيهَا مِنْ رَايَةٍ
أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ؛

سه پرچم در یک سال، یک ماه و یک روز خروج
می‌کند:

۱- سفیانی، ۲- خراسانی، ۳- یمانی

که در میان آنها خالص‌تر از پرچم یمانی نیست، که او
برای حق فرامی‌خواند»^۲.

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، صص ۱۴۲ و ۱۴۶؛ الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

امام صادق(ع) نیز نسب او را چنین توضیح می دهند:

«خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ، بِالْيَمَنِ؛

مردی از اولاد عمویم زید از یمن خروج می کند»^۱.

طبق این روایت، یمانی موعود از اولاد امامان زیدی خواهد بود که از نظر نسب، منسوب به جناب زید شهید هستند و در حدیث دیگری آمده است:

«يَخْرُجُ مَلِكٌ فِي صَنْعَاءِ الْيَمَنِ اسْمُهُ حُسَيْنٌ أَوْ حَسَنٌ؛

پادشاهی در صنعاء یمن به نام حسن یا حسین خروج می کند»^۲.

امام باقر(ع) هم فرمودند:

«يَكُونُ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ؛

سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می کنند»^۳.

و نیز امام باقر(ع) فرمودند:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ فِي

۱. نورالابصار، ص ۱۷۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۷۵.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۸۷.

۳. الزام الناصب، ص ۶۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۰.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

شَهْرٍ وَاحِدٍ، وَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ نِظَامٌ كَنِظَامِ الْخَرْزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا، فَيَكُونُ الْبَأْسُ فِي كُلِّ وَجْهِ! وَيَلِّ لِمَنْ نَاوَاهُمْ! لَيْسَ فِي الرَّاياتِ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، هِيَ رَايَةٌ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ. فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى كُلِّ النَّاسِ... إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةٌ هُدَى، وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛

سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می‌کنند. خروج اینها چون دانه‌های گردنبند به دنبال یکدیگر خواهد بود. هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود بدا به حال کسی که با آنها درافتد. در میان آن پرچم‌ها پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست آن پرچم هدایت است و شما را به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کند فروش اسلحه بر همه مردم تحریم می‌کند. چون او خروج کند به سویش بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است^۱ و بر هیچ مسلمانانی جایز نیست که به او پشت کند، هر کس در برابر او بایستد، اهل دوزخ می‌شود زیرا او به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، صص ۳۵ - ۴۱.

سوی حق و صراط مستقیم فرامی خواند».^۱

امام صادق(ع) هم در این باره فرمودند:

«خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع): الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ وَالنُّدَاءُ، وَالْخَسْفُ بِالْبِيدَاءِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ؛
پیش از قیام قائم(عج) پنج نشانه است:

- ۱- خروج یمانی، ۲- خروج سفیانی، ۳- ندای آسمانی،
- ۴- خسف سرزمین بیداء، ۵- قتل نفس زکیّه».^۲

و باز هم امام صادق(ع) فرمودند:

«يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ بِالْيَمَنِ، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الشَّامِ؛
زود است که آتشی از یمن خارج شود و مردم را به
سوی شام سوق دهد».^۳

و در روایت دیگری امام صادق(ع) فرمودند:

«تَلْتَقِي فِي الشَّامِ ثَلَاثُ رَايَاتٍ: رَايَةُ السُّفْيَانِيِّ، وَ رَايَةُ الْيَمَانِيِّ،
وَ رَايَةُ الْخُرَاسَانِيِّ. أَهْدَاهَا رَايَةُ الْيَمَانِيِّ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۱۰ - ۲۳۲.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۹؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۷.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۷۱ و البیان، ص ۷۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

الْحَقُّ؛

سه پرچم در شام با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند: پرچم سفیانی، پرچم یمانی و پرچم خراسانی، که از همه هدایتگرتر پرچم یمانی است که [مردم را] به سوی حق دعوت می‌کند.^۱

رسول اکرم (ص) درباره مقایسه سپاه سفیانی و یمانی فرمودند:

«الْيَمَانِيُّ يَتَوَلَّى عَلِيًّا. الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَفَرَسَى رِهَانٍ؛

یمانی از شیعیان امیرمؤمنان (ع) است، خروج یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه، هم‌زمان و به دنبال یکدیگر است.^۲

۸. نفس زکیه

درباره ذبح نفس زکیه و به دار آویخته شدن پسرعمویش احادیث فراوانی از خاندان نبوت به ما رسیده است که به برخی از آنها در این بخش اشاره می‌کنیم:

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ. فَإِذَا قُتِلَتْ

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ،
فَأَتَى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ فَزَفَوْهُ كَمَا تُزَفُّ الْعَرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ
عُرْسِهَا؛

مهدی (ع) خارج نمی شود تا نفس زکیه کشته شود. چون
نفس زکیه کشته شود، ساکنان آسمان و زمین بر آنها
غضبناک می شوند آنگاه مهدی (ع) ظهور می کنند و مردم
در اطراف شمع وجودش گرد آیند آن سان که در شب
زفاف در اطراف عروس گرد آیند.^۱

نفس زکیه، لقب یک جوان هاشمی است از آل محمد (ص)
که در میان قوم خود صاحب مقامی بس رفیع است.



در مورد سبب ذبح نفس زکیه از امیرمؤمنان (ع) چنین
نقل شده است:

«الْقَائِمُ (ع) يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: يَا قَوْمُ، إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي، وَلَكِنِّي
مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ؛
قَائِم (ع) به اصحاب خود می فرماید: اهل مکه مرا
نمی خواهند ولی من کسی را به سوی آنها می فرستم تا
حجت را بر آنها تمام کنم، آنچنان که برای مثل من
شایسته است.»

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۵؛ بشارة الاسلام، ص ۱۸۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

آنگاه یکی از کسان خود را فرامی‌خوانند و به او می‌فرمایند:
به سوی مکه برو و به اهل مکه بگو: ای اهل مکه من فرستاده
فلانی هستم به سوی شما، او به شما می‌فرماید:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنِ الرُّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ. وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ
مُحَمَّدٍ (ص) وَ سَلَالَةُ النَّبِيِّينَ. وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا، وَ قَهَرْنَا
وَ ابْتَزَّ حَقَّنَا مُذْ قُبِضَ نَبِيُّنَا إِلَى وَقْتِنَا هَذَا... وَ نَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ
فَانصُرُونَا.. فَإِذَا تَكَلَّمْ بِهَذَا الْكَلَامِ أَتُوا إِلَيْهِ فَذَبْحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ
الْمَقَامِ، وَ هُوَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ؛

ما اهل بیت نبوت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما
عترت پیامبر و سلالة پیامبرانیم. ما مظلوم شدیم، به ما
ستم کردند و از روزی که پیامبر (ص) رحلت کرد، حق
ما را غصب کردند و تا به امروز در دست غاصبان است.
ما از شما یاری می‌طلبیم، ما را یاری کنید. چون پیام آن
حضرت را ابلاغ می‌کند او را می‌گیرند و در میان رکن و
مقام او را ذبح می‌کنند، که او همان نفس زکیه است»^۱.

امیر مؤمنان (ع) در تأکید نشانه بودن قتل نفس زکیه فرمودند:

«الْمَذْبُوحُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ؛

از نشانه‌های ظهور، ذبح شدن او (نفس زکیه) در میان

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷؛ الزام الناصب، ص ۲۲۶.

رکن و مقام است»^۱.

و نیز امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«لَا يُطَهَّرُ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنَ الظَّالِمِينَ حَتَّى يُسْفِكَ الدَّمَّ الْحَرَامَ!»

خداوند روی زمین را از لوٹ ستمگران پاکیزه نمی‌سازد
جز هنگامی که خون حرام ریخته شود»^۲.

همچنین امیر مؤمنان (ع) در روایت دیگری فرمودند:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَخْرِ مُلْكِ بَنِي فَلَانٍ؟ قِيلَ: بَلَى. قَالَ: قَتَلُ نَفْسٍ
حَرَامٍ، فِي يَوْمٍ حَرَامٍ، فِي بَلَدٍ حَرَامٍ، عَنِ قَوْمٍ مِنْ قُرَيْشٍ. وَالَّذِي
فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، مَا لَهُمْ مِنْ مُلْكٍ بَعْدَهُ غَيْرَ خَمْسِ عَشْرَةَ
لَيْلَةً!»

آیا شما را از پایان حکومت بنی فلان (بنی امیه) آگاه بسازم؟
گفتند: آری. فرمود: ریختن خون حرام، در روز حرام، در شهر
حرام، از تیره‌ای از قریش. سوگند به خداوندی که دانه را شکافت
و انسان را آفرید، بعد از آن بیش از ۱۵ روز حکومت نخواهند
کرد»^۳.

۱. الزام الناصب، ص ۱۷۶.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

در روایت دیگری امیر مؤمنان (ع) در مورد ترتیب زمانی
حوادث فرمودند:

«حَتَّىٰ إِذَا جُهِّزَتِ الْأُلُوفُ، وَ صُفَّتِ الصُّفُوفُ، وَ قَتَلَ الْكَبِشُ
الْخُرُوفَ. هُنَاكَ يَقُومُ الْآخِرُ، وَ يَثُورُ الثَّائِرُ، وَ يَهْلِكُ الْكَافِرُ، وَ
يَنْهَضُ الْيَمَانِيُّ لِمَحَارِبَةِ السُّفْيَانِيِّ. ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْمَأْمُولُ، وَ الْإِمَامُ
الْمَجْهُولُ لَهُ الشَّرْفُ وَ الْفَضْلُ. يَظْهَرُ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ فِي دَرِيسَيْنِ
بِالْيَمِينِ، يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ، وَ لَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ دَمِينٌ؛

هنگامی که صف‌ها به هم فشرده شد و هزاران جنگ‌جو
به سوی جنگ اعزام شدند، قوچ، برّه^۱ را کشت، دیگری
قیام کرد و انتقامش را گرفت و کافر به هلاکت رسید و
یمانی برای نبرد با سفیانی قیام کرد، آنگاه امام قائم (عج)
که همه ظهورش را انتظار می‌کشند ظهور می‌کند و آن
امام غایبی که مقامی بس رفیع دارد قیام می‌نماید... در
میان دو رکن مسجد الحرام با دو جامه ساده و مندرس،
بر اساس قرآن و سنت، برای جهانیان ظاهر می‌شود و دو
خون را در روی زمین فروگذار نمی‌کند»^۲.

۱. شاید منظور از قوچ، سفیانی و منظور از برّه سید هاشمی و منظور از دو خون،
خون سیدالشهداء (ع) و خون نفس زکیه باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

امام باقر(ع) نیز فرمودند:

«وَقَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْعَقَامِ، إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ؛

جوانی از آل محمد(ص) در میان رکن و مقام کشته می شود که نامش محمد فرزند حسن، نفس زکیه است.»^۱

در روایت دیگری امام باقر(ع) فرمودند:

«لَا يَزَالُ الْقَوْمُ فِي فُسْحَةٍ مِنْ مُلْكِهِمْ، مَا لَمْ يُصِيبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا فَإِذَا أَصَابُوا ذَلِكَ الدَّمَ، فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَهُمْ مِنْ ظَهْرِهَا. فَيَوْمئِذٍ لَا يَكُونُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ، وَلَا فِي السَّمَاءِ عَازِرٌ. وَإِذَا أَصَابُوا مِنَّا الدَّمَ الْحَرَامَ، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَبْدًا مِنْ عَبِيدِهِ أَعْوَرَ وَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، يَكُونُ اسْتِصَالُهُمْ عَلَى يَدِهِ وَ يَدِ أَصْحَابِهِ؛

این مردم تا خون حرامی از ما نریخته اند بر تخت قدرت تکیه می دهند، هنگامی که آن خون حرام را ریختند دیگر زیر زمین برای آنها بهتر از روی زمین است. آن روز در روی زمین یآوری ندارند و در آسمان عذری از آنها پذیرفته نیست. چون خون حرامی از ما بریزند خداوند بنده بی نام و نشان و نفوذناپذیری را بر آنها مسلط می کند

۱. الامام المهدي، ص ۲۲۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۰.

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

که همه آنها به دست او ریشه‌کن می‌شوند».^۱

امام باقر(ع) با بیان نشانه‌هایی، شیعیان را از گم شدن در پیچ و خم‌های حوادث خانمان برانداز بر حذر می‌دارد و می‌فرماید:

«مَا أَشْكَلَ عَلَيْكُمْ، فَلَمْ يُشْكَلْ عَلَيْكُمْ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ (ص) وَ رَأَيْتُهُ
وَ سِلَاحُهُ، وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛

اگر هر چیزی بر شما مشتبه شود، پیمان پیامبر(ص)،
پرچم پیامبر(ص)، شمشیر پیامبر(ص) و نفس زکیه از
تبار سالار شهیدان بر شما پوشیده نخواهد بود».^۲

امام صادق(ع) هم درباره نفس زکیه فرمودند:

«مَا بَقِيَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْعَرَبِ إِلَّا الذَّبْحُ؛

در میان ما و عرب جز ذبح فاصله‌ای نمانده است».^۳

جالب است که امام صادق(ع) از آنان که مرتکب ذبح
می‌شوند «عرب» تعبیر می‌کند، زیرا که آنها در اسلام سهمی
ندارند و فقط به انگیزه قومیت کارهایی را انجام می‌دهند.

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۵۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۵۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۲۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹.

همچنین امام صادق(ع) فرمودند:

«يُقْتَلُ الْمَظْلُومُ بِبَيْتِ رَبِّ، وَ يُقْتَلُ ابْنُ عَمِّهِ فِي الْحَرَمِ بِمَكَّةَ؛

آن مرد مظلوم در مدینه کشته می شود و پسرعمویش در مکه و در حرم امن خدا کشته می شود».^۱

امام صادق(ع) در روایت دیگری درباره نشانه بودن قتل

نفس زکیه فرمودند:

«وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ؛

قتل نفس زکیه از نشانه های قطعی است».^۲

همچنین امام صادق(ع) فرمودند:

«فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، يُقْتَلُ النَّفْسُ
الزَّكِيَّةُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ظُلْمًا. وَ فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ
يَخْرُجُ الْحُجَّةُ(ع)؛

چون روز بیست و پنجم ذی حجه فرا رسد نفس زکیه در میان رکن و مقام به ستم کشته می شود و در روز دهم محرم حضرت حجّت(عج) قیام می کند».^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۷.

۲. الامام المهدي، ص ۲۲۸.

۳. الزام الناصب، ص ۱۹۰.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

حضرت ولی عصر (ع) در توقیعی که به افتخار شیخ مفید صادر فرموده است، در این زمینه چنین فرمودند:

«وَ آيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْثَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعْظَمِ مِنْ رِجْسٍ مُنَافِقٍ مُذَمَّمٍ، مُسْتَحِلٌّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ! يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ، وَلَا يَبْلُغُ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعُدْوَانِ، لِأَنَّنا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالْدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنِ مَلِكِ السَّمَاءِ، فَلْيَطْمَئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانَا الْقُلُوبُ، وَلْيَتَّقُوا بِالْكِفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ، وَالْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ تَكُونُ حَمِيدَةً مَا اجْتَنَبُوا الْمَنْهِيَّ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ؛

در این فتنه و آشوب، نشانه‌ای از جنبش و حرکت ما وجود دارد و آن عبارت از رویدادی است که در حرم امن الهی به دست منافقی پلید و تبه‌کار روی می‌دهد، خون حرام را می‌ریزد و بر مؤمنان حيله می‌ورزد ولی به هدف اصلی خود نمی‌رسد زیرا، پشت آنها به دعای ما گرم است که هرگز از درگاه خدای آسمان بر نمی‌گردد. دل‌های دوستان ما به آن گرم و مطمئن باشد، اگر چه حوادث جانگدازی روی خواهد داد ولی فرجام کار با لطف خدای منان به نیکی پایان خواهد یافت، تا هنگامی که مؤمنان از گناهان پرهیز نمایند»^۱.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

همچنین حضرت ولی عصر (ع) فرمودند:

«فَلَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ!!!»

به ناگزیر باید جوانی از آل محمد (ص) در میان رکن و مقام کشته شود.^۱

۹. دَجَال

برخی از صفاتی که در مورد دَجَال در احادیث وارد شده، مانند کور بودن یک چشم و بیرون آمدن آن چون دانه عَنَاب و نیز مطالبی که در مورد مرکب معروف او (خر دَجَال) گفته شده، مطالبی است که باید گذشت زمان آنها را معنی کند.

دَجَال از ماده «دجل» است و معنای آن: دروغگو، حقه‌باز، افسونگر، متقلب و تزویرکار است.^۲

از ظواهر اخبار استفاده می‌شود که دَجَال هنگامی خروج می‌کند که حضرت بقیة الله (ع) بر سفیانی پیروز شده، وارد عراق گشته، استانبول را فتح کرده، عازم فلسطین است و

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۰؛ نورالابصار، ص ۱۷۲.

۲. مرحوم خزائلی معنای وسیع‌تر و مشخصات جامع‌تری بیان کرده که متأسفانه مدرك خود را نگفته است و لذا از آوردن آن خودداری می‌کنیم، علاقه‌مندان به کتاب «اعلام قرآن» بخش «مسیح دَجَال» مراجعه فرمایند.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

برای نابود/ساختن آن جرثومه فساد از قلب خاورمیانه به سوی عکا عزیمت می‌نماید تا از این طریق مصر و دیگر کشورهای آفریقایی را فتح فرماید.

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«مَنْ قَاتَلَنِي فِي الْأُولَى، وَقَاتَلَ أَهْلَ بَيْتِي فِي الثَّانِيَةِ، حَشَرَهُ اللَّهُ فِي الثَّلَاثَةِ مَعَ الدَّجَالِ؛

کسی که در آغاز با من نبرد کند و در ثانی با اهل بیت من جنگ کند، در سومی خداوند او را با دجال محشور می‌کند».

رسول اکرم (ص) بر اساس تنزیل و امیرمؤمنان (ع) بر اساس تأویل می‌جنگید. ابوسفیان با رسول اکرم (ص) و معاویه با امیرمؤمنان (ع) جنگید و سفیانی با حضرت بقیة الله (عج) می‌جنگد. خداوند هر سه را با دجال محشور می‌فرماید.

رسول خدا (ص) فرمودند:

«إِنَّهُ يُخْرَجُ مِنَ الْمَشْرِقِ مِنْ قَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا يَهُودَاءُ وَ هِيَ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى أَصْفَهَانَ وَ بَلَدَةٌ مِنْ بُلْدَانِ الْأَكَاسِرَةِ. تَحْتَهُ حِمَارٌ أَقْمَرٌ، وَ هُوَ مَطْمُوسُ الْعَيْنِ مَكْسُورُ الظُّفْرِ وَ النَّظْرِ، وَ يُخْرَجُ مِنْهُ الْحَيَاتُ وَ هُوَ مُحْدَوْدَبُ الظَّهْرِ، قَدْ صَوَّرَ كُلَّ سِلَاحٍ فِي يَدَيْهِ حَتَّى الرُّمَحِ

وَالْقَوْسِ، يَخُوضُ الْبِحَارَ إِلَى الْكَعْبِ. وَهُوَ قَصِيرُ الْقَامَةِ، كَهْلٌ
مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: كَافِرٌ؛

دَجّال از یکی از دهکده‌های اصفهان به نام یهودا خروج می‌کند، که آنجا از شهرهای سلاطین ایرانی است و بر مرکبی سوار می‌شود که بسیار زشت و کریه‌المنظر است. چشمش کور است. ناخن و استخوان پیشانی‌اش شکستگی دارد، افعی‌ها از او بیرون می‌آید. پشتش قوز دارد. هر سلاحی را در دست خود کج می‌کند، حتی نیزه و کمان را. تا سینه در دریا فرو می‌رود. کوتاه قد و کهنسال است و در میان دو چشمش نوشته شده کافر.^۱

و نیز رسول خدا(ص) درباره نسب او فرمودند:

«يَمُكْتُ أَبُو الدَّجَالِ ثَلَاثِينَ عَامًا لَا يُوَلِّدُ لَهُ وَ لِزَوْجَتِهِ وَ لَدَّ. ثُمَّ يُوَلِّدُ لَهَا غُلَامًا أَعْوَرًا أُخْرَسًا، تَنَامُ عَيْنَاهُ وَ لَا يَنَامُ قَلْبُهُ. أَبُوهُ طَوِيلٌ كَثِيرُ اللَّحْمِ، كَأَنَّ أَنْفَهُ مِثْقَالٌ، وَ أُمُّهُ امْرَأَةٌ فَرِضَاخِيَّةٌ طَوِيلَةٌ
الْيَدَيْنِ؛

پدر دجّال ۳۰ سال زندگی می‌کند و صاحب اولاد نمی‌شود، آنگاه پسری کور و لنگ به او عطا می‌شود که دیدگانش می‌خوابد و دلش نمی‌خوابد. پدرش دراز قد و

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

چاق است دماغش چون منقار است. مادرش زنی با شکم فراخ و دست‌هایی دراز است»^۱.

سپس رسول خدا (ص) درباره‌ی علایم و ویژگی‌های قیام او فرمودند:

«بَيْنَ يَدَيْهِ ثَلَاثُ سَنَوَاتٍ: سَنَةٌ تُمَسِكُ السَّمَاءُ فِيهَا ثَلَاثَ قَطْرٍهَا،
وَ الْأَرْضُ ثَلَاثَ نَبَاتِهَا، وَ سَنَةٌ تُمَسِكُ فِيهَا السَّمَاءُ ثَلَاثَ قَطْرٍهَا،
وَ الْأَرْضُ ثَلَاثَ نَبَاتِهَا. وَ سَنَةٌ تُمَسِكُ فِيهَا السَّمَاءُ قَطْرَهَا كُلَّهُ،
وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا كُلَّهُ، فَلَا يَبْقَى ذَاتٌ ظِلْفٍ وَ لَا ذَاتٌ خَرَسٍ مِنَ
الْبَهَائِمِ إِلَّا هَلَكَ. وَ إِنَّ مِنْ أَشَدِّ فِتْنَةٍ أَنْ يَأْتِيَ الْأَعْرَابِيَّ يَقُولُ:
أَرَأَيْتَ إِنْ أَحْيَيْتُ لَكَ إِبْلَكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟. فَيَقُولُ: بَلَى.
فَيُمَثِّلُ لَهُ نَحْوَ إِبِلِهِ كَأَحْسَنِ مَا يَكُونُ ضُرُوعاً وَ أَعْظَمِهِ أُسْنِمَةً!
وَ يَأْتِي الرَّجُلَ قَدْ مَاتَ أَخُوهُ وَ مَاتَ أَبُوهُ فَيَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ
أَحْيَيْتُ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟. فَيَقُولُ: بَلَى. فَيُمَثِّلُ
الشَّيَاطِينَ نَحْوَ أَبِيهِ أَوْ أَخِيهِ!»

در پیشقدم خروج او سه سال خشکی است: در سال اول آسمان یک سوم بارانش را حبس می‌کند و زمین یک سوم گیاهش را، در سال دوم آسمان دو سوم بارانش را حبس می‌کند و زمین دو سوم گیاهش را و در سال

۱. الزام الناصب، ص ۷۳.

سوم آسمان همه بارانش را حبس می کند و زمین همه نباتش را. هیچ حیوان سُم داری نمی ماند جز اینکه هلاک می شود، حیوان و زوزِ کُننده ای نمی ماند جز اینکه نابود می شود، از زشت ترین فتنه های او این است که پیش بادیه نشین می رود و می گوید: اگر شتر تو را زنده کنم باور می کنی که من پروردگار تو هستم؟! می گوید: آری. پس در برابر دیدگان او شترش را به بهترین شکلی مجسم می کند که با پستان های بسیار جالب و کوهان بسیار مرتفع دیده می شود!! به کسی که پدرش یا برادرش مرده است می گوید: اگر پدرت و برادرت را زنده کنم، باور می کنی که من پروردگار تو هستم؟! می گوید: آری، پس شیاطین را به صورت پدر و برادر او در می آورد!!^۱.



درباره صفات ظاهری دجال رسول خدا (ص) فرمودند:
 «الدَّجَالُ يُبْصِرُ بِإِحْدَى عَيْنَيْهِ وَلَا يُبْصِرُ بِالْأُخْرَى، طَوِيلُ الْقَامَةِ، أَرْزَقُ الْعَيْنَيْنِ، أَعْمَشُ، بِوَجْهِهِ آثَرُ الْجُدْرِيِّ، أَبْخَرُ الْقَمِ كَبِيرُ الْأَسْنَانِ، مُقَلَّبُ الْأَظْفَارِ، أَجْدَرُ الْجِسْمِ لَا شَعْرَ فِي جَسَدِهِ، مُتَنَقِّعُ الرَّأْسِ، طَوِيلُ الْعُنُقِ، شَانِيَةٌ أَصَابِعُهُ تَصِلُ حَدَّ كَفِّهِ. كَلَامُهُ لَهُ دَوِيٌّ، عَالِي الْأَكْتافِ، طَارِحُ الْجَبْهَةِ، فِي إِحْدَى عَيْنَيْهِ عَيْبٌ،

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

لِحَيْثُهُ بِشَاخِينِ تَصِلُ سُرَّتَهُ. عَبُوسٌ، شَرُوسٌ...؛

دَجَال با یک چشمش می‌بیند ولی با چشم دیگرش نمی‌بیند، قامتی دراز و چشمانی زاغ دارد که از آنها آب می‌ریزد، صورتش آبله‌رو است و دهانش بوی بد می‌دهد، دندان‌هایش درشت است و ناخن‌هایش خمیده، پوست بدنش آبله‌دار است و بی‌مو، در سرش، نشانه شکستگی دارد، گردنش دراز، اخلاقش زشت و انگشتانش بسیار بلند است که از وسط‌های کف، دستش منشعب می‌شود، صدایش طنین‌دار، شانه‌هایش بلند و پیشانی‌اش فراخ است، یکی از دیده‌هایش معیوب است، ریشش به سینه‌اش فروهشته، مردی زشت‌خوی و ترش‌روی است، بر مرکبی سوارست که خودش سرخ و پاهایش سبز است و میان دو گوشش ۲۰ میل است!!، سرش چون کوهی بلند و پشتش متناسب با آن است. گام‌هایش ۲۰ میل است!! بر پیشانی‌اش دو سطر نوشته شده که هر مؤمنی آن را می‌خواند و هر کافری آن را تکذیب می‌کند، و آن اینکه هر کس از تو پیروی کند شقاوتمند است و هر کس از تو جدا شود خوشبخت است، بیشتر لشکریانش از یهودیان و زنازادگان هستند. در طرف راست او کوهی سبز و در طرف چپش کوهی سیاه است که با او راه

می‌روند و همراه او توقف می‌کنند. می‌گویند: این بهشت من است و این یکی دوزخ من. هر کس از من پیروی کند او را به بهشت می‌برم و هر کس نافرمانی کند او را با شمشیر نقت خود تأدیب می‌کنم»^۱.

در روایت دیگری آمده است که حضرت رسول (ص) در نماز از فتنه دجال به خدا پناه می‌برد و به اصحابشان فرمودند:

«إِنَّ مَعَهُ نَارًا وَ نُورًا. فَنَارُهُ مَاءٌ بَارِدٌ، وَ مَاوُهُ نَارٌ. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَقَعْ فِي الَّذِي يَرَىٰ أَنَّهُ نَارٌ، فَإِنَّهُ عَذَابٌ بَارِدٌ؛

همراه او آتش و نوری هست، آتش او آب خنک است و آب او آتش است. هر کسی از شما شیعیان آن زمان را درک کند خود را به آنچه که آتش به نظر می‌رسد بیفکند که آنچه آتش تصور شود آب گوارایی است!!»^۲.

رسول خدا (ص) درباره فتنه دجال فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ قَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ. وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَخْرَهُ إِلَىٰ يَوْمِكُمْ هَذَا. فَهَمَّا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ فِي أَمْرِهِ فَإِنَّ

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۷۴.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

رَبُّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ إِنَّهُ يَخْرُجُ حِمَارٍ عَرَضُ مَا بَيْنَ أُذُنَيْهِ مِيلًا
يَخْرُجُ وَمَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ، وَجَبَلٌ مِّنْ خُبْرٍ وَنَهْرٌ مِّنْ مَّاءٍ أَكْثَرُ
اتِّبَاعِهِ الْيَهُودَ وَالنُّسَاءَ وَالْأَعْرَابُ. يَدْخُلُ آفَاقَ الْأَرْضِ كُلِّهَا إِلَّا
مَكَّةَ وَلَا بَيْتَهَا وَالْمَدِينَةَ وَلَا بَيْتَهَا فَإِنَّهُمَا مُحَرَّمَتَانِ عَلَيْهِ؛

هان ای مردم! خداوند پیامبری را نفرستاده جز اینکه قوم
خود را از دجال بیم داده است و خداوند او را برای زمان
شما ذخیره کرده است. اگر کارهای او بر شما مشتبه
شود، این هرگز بر شما مشتبه نشود که او کور است و
پروردگارتان کور نیست. او بر فراز مرکبی می‌آید که بین
دو گوشش یک میل است. او خروج می‌کند در حالی که
بهشت و جهنم را با خود یدک می‌کشد و کوهی از نان و
رودخانه‌ای از آب را همراه خود حمل می‌کند. بیشترین
پیروانش از یهودیان، زنان و بادیه‌نشینان هستند، به همه
اقطار و اکناف جهان وارد می‌شود جز مکه و حوالی مکه
و مدینه و حوالی مدینه، که هر دو (مکه و مدینه) بر او
حرام است»^۱.

در این باره باز هم رسول خدا (ص) فرمودند:

«مِنَ الْمُحَرَّمِ عَلَى الدَّجَالِ أَنْ يَدْخُلَ نِقَابَ الْمَدِينَةِ لِأَنَّهَا تَنْفِي

۱. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۶۱.

الْخَبَثَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَ لِأَنَّهَا لَا يَقْرَبُهَا الطَّاعُونَ
وَ لَا الدَّجَّالُ؛

از چیزهایی که بر دجال حرام است پا نهادن بر راه‌های
کوهستانی مدینه منوره است که آنجا سرزمین مقدس
است و پلیدی را از بین می‌برد آن چنان که کوره آهن‌گران
پلیدی آهن را و آنجا سرزمینی است که طاعون و دجال
به آنجا راه ندارد.^۱

رسول خدا(ص) در حدیث دیگری فرمودند:
«وَلِيَهْبِطَنَّ الدَّجَّالُ حَوْلَ كِرْمَانَ، فِي قَوْمٍ يَلْبَسُونَ الطِّيَالِسَةَ وَ
يَتَتَعَلُونَ الشَّعْرَةَ؛

دجال بر گروهی که طیلسان می‌پوشند و کفش موین به
پا می‌کنند، در حومه کرمان، فرود می‌آید.^۲

رسول خدا(ص) درباره پیروان دجال فرمودند:
«يَتَّبِعُهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الْأَثْرَاكِ وَ الْيَهُودِ وَ أَوْلَادِ الزُّنَا. وَ الْمُدْمِنُونَ
عَلَى الْخَمْرِ وَ الْمُغَنُّونَ وَ أَصْحَابُ اللَّهْوِ وَ الْأَعْرَابِ، وَ النِّسَاءُ. وَ
هُوَ يَمُرُّ بِالْخَزْبَةِ فَيَقُولُ لَهَا: أَخْرِجِي كُنُوزَكَ، فَتَتَّبِعُهُ كُنُوزُهَا؛

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۵.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۶۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

هفتاد هزار ترک، یهود، زنازاده، خواننده، نوازنده، بادیه‌نشین و زن از او پیروی می‌کنند. به هر خرابه‌ای برسد می‌گوید: گنج‌هایت را آشکار کن، پس آنچه گنج دارد آشکار می‌شود.^۱

و نیز رسول خدا (ص) فرمودند:

«يَخْرُجُ وَ لَسْتُ فِيكُمْ، فَأَمْرُ وَ حَجِيحُ نَفْسِهِ! وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. إِنَّهُ شَابٌ قَطَطٌ عَيْنُهُ قَائِمَةٌ، يَخْرُجُ مَا بَيْنَ الشَّامِ وَ الْعِرَاقِ فَيَعْبَثُ يَمِيناً وَ شِمَالاً، لَبِثُهُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا: يَوْمَ كَسَنَتِهِ، وَ يَوْمَ كَشْهَرِهِ، وَ يَوْمَ كَجُمُعَتِهِ، وَ سَائِرُ أَيَامِهِ كَأَيَامِكُمْ...»

او هنگامی خروج می‌کند که من در میان شما نیستم و هر کسی برای خودش حجت است و خداوند ولی من است بر هر مسلمانی. او (دجال) جوانی است با موهای پُرپشت، چشمش برآمدگی دارد، از میان شام و عراق خروج می‌کند، به چپ و راست گردش می‌کند، مدت چهل روز در روی زمین جولان می‌دهد، روزی چون یک سال، روزی چون یک ماه و دیگر روزهایش چون روزهای شما، سرعتش در روی زمین چون باران است، باد به دنبالش حرکت می‌کند، به نزد قومی می‌آید

۱. الزام الناصب، صص ۲۰۲ و ۲۶۱.

و [آنها را] به سوی خود دعوت می‌کند. او را تکذیب می‌کنند و دست رد به سینه‌اش می‌زنند، برمی‌گردد، در حالی که همهٔ اموال آنها را (از طریق سحر و شعبده) با خودش می‌برد. چون صبح شود، می‌بینند که چیزی در دست ندارند. آنگاه به سوی آنها باز می‌گردد و آنها را به سوی خود فرا می‌خواند و همگی او را تصدیق می‌کنند و دعوتش را می‌پذیرند. به آسمان می‌گویند: بیار، آسمان می‌بارد. به زمین می‌گویند: برویان و زمین می‌رویاند. پس دام‌های آنها بهتر از هر زمانی می‌خورند و به تناسب آن شیر می‌دهند، آنگاه به ویرانه آمده می‌گویند: گنج‌هایت را درآور. پس برمی‌گردد و گنج‌ها همانند زنبوران عسل به دنبالش حرکت می‌کنند. جوان چهارشانه‌ای را فرا می‌خواند و با شمشیر دو نیمش می‌کند و سپس یکبار دیگر فرا می‌خواند و خنده‌کنان به او روی می‌کند.^۱

از امیرمؤمنان (ع) روایت شده است که:

«يَبْرُزُ الدَّجَالُ وَمَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ يَهُودِيٍّ كُلُّهُمْ ذُو سِلَاحٍ مُّحَلَاةٍ. فَإِذَا نَظَرَ الدَّجَالُ إِلَى عَيْسَى ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرَّصَاصُ فِي النَّارِ ثُمَّ يُوَلِّي هَارِبًا، فَيَقُولُ عَيْسَى: إِنَّ لِي فِيكَ ضَرْبَةٌ لَنْ تَفُوتَنِي بِهَا،

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۷۴.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

فِيذْرِكُهُ فَيَقْتُلُهُ، فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ يَتَوَارَى بِهِ يَهُودِيٌّ
إِلَّا أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَلَا حَجْرٌ وَلَا دَابَّةٌ قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ
الْمُسْلِمَ، هَذَا يَهُودِيٌّ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْغَرَقَدَ فَإِنَّهَا مِنْ شَجَرِهِمْ فَلَا
تَنْطِقُ؛

دجال با هفتاد هزار یهودی خروج می‌کند که همگی تا به
دندان مسلح هستند. چون دجال به حضرت عیسی نگاه
کند ذوب می‌شود. آن چنان که سرب در آتش ذوب
می‌شود. سپس پشت کرده، پا به فرار می‌نهد. حضرت
عیسی (ع) می‌فرماید: من ضربتی برای تو دارم که هرگز
از من فوت نخواهد شد. پس به او می‌رسد و او را طعمه
شمشیر می‌سازد. دیگر چیزی از آفریده‌های خدا پیدا
نمی‌شود که یهودیان در زیر آن مخفی شوند جز اینکه به
اذن خدا به حرف درآمده می‌گوید: ای مسلمان! اینجا یک
نفر یهودی هست او را بکش. هر سنگی و هر جنبنده‌ای
مخفیگاه آنها را بیان می‌کند، جز «غرقد»^۱ که از درختان
آنهاست و لذا به حرف نمی‌آید»^۲.

این معنی با احادیث فراوانی تأیید می‌شود که در حکومت

۱. غرقد، نوعی عوسج است و آن درختی است که برگ و بار آن را بجوشانند
و در خضاب‌ها به کار برند.

۲. کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۲۷۳.

حقّه یک نفر هم یهودی در روی زمین نمی ماند و اگر در
دل سنگی مخفی شوند آن سنگ به سخن می آید و می گویند:
ای بنده خدا، در دل من یهودی هست مرا بشکاف و آن را
درآور.

امام صادق (ع) فرمودند:

«يَصْرُخُ بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ: هَذِهِ جَنَّتِي لِمَنْ سَجَدَ لِي،
وَ مَنْ أَبِي أَذْخَلْتُهُ النَّارَ!»

دجال بانگ می زند که این بهشت من است برای کسی
که مرا سجده کند و هر کس امتناع ورزد او را به آتش
می برم. این فریاد را همه انس و جن می شنوند.^۱

در انجیل آمده است:

«زیرا که این انصاف است نزد خدا که عذاب کنندگان
شما را عذاب دهد و شما را که عذاب می کشید با ما
راحت بخشد، در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با
فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود».^۲

«و آن اژدها را که قدرت به وحش داده بود پرستش

۱. الزام الناصب، ص ۲۶۱.

۲. انجیل، رساله دوم پولس رسول به تسالونیکیان، باب اول، بندهای ۶ و ۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

کردند و وحش را سجده کرده، گفتند که کیست مثل
وحش و کیست که با وی می‌تواند جنگ کند.^۱
«و معجزات عظیم به عمل می‌آورد تا آتش را نیز از
آسمان در حضور مردم به زمین فرود آورد و ساکنان
زمین را گمراه کند.»^۲

«و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز
سلطنت نیافته‌اند. بلکه یک ساعت با وحش چون
پادشاهان قدرت می‌یابند. اینها یک رأی دارند و قوت و
قدرت خود را به وحش می‌دهند.»^۳

۱. انجیل، مکاشفه یوحنا، رسول، باب سیزدهم، بند ۴.
۲. انجیل مکاشفه یوحنا، باب سیزدهم، بندهای ۱۳ و ۱۴.
۳. انجیل مکاشفه یوحنا، باب هفدهم، بندهای ۱۲ و ۱۳.

بخش دوم

نشانه‌های ظهور

در این بخش به طور اجمالی به برشمردن آخرین نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (ع) می‌پردازیم تا به این وسیله از آنچه که زمینه‌ساز آن واقعه بزرگ است بهتر و بیشتر آگاه شویم. نشانه‌های ظهور به دو دسته اصلی، حتمیه و غیرحتمیه تقسیم می‌شوند. در کتاب «آخرین نشانه‌های ظهور» از مجموعه چهل حدیث به این نشانه‌ها اشاره کافی شده است، بنابراین ما در اینجا تنها مختصراً به نشانه‌های حتمیه اشاره می‌کنیم:

۱- خروج سفیانی: به طور کامل در بخش اول به آن اشاره شده است؛

۲- قیام یمانی: در بخش اول به این نشانه هم به طور کامل پرداخته‌ایم؛

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

۳- صیحه آسمانی در بیست و سوم ماه رمضان

امام محمد باقر (ع) فرمودند:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ إِلَّا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ آلِ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ إِلَّا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عُثْمَانَ وَ شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ؛

یک منادی از آسمان در ابتدای روز ندا در می‌دهد که حق با علی و شیعیانش است و سپس شیطان در انتهای روز بانگ می‌زند که حق با عثمان و پیروانش است و اهل باطل در آن زمان دچار تردید می‌شوند»^۱.

امام صادق (ع) هم در این باره فرمودند:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ فُلَانًا هُوَ الْأَمِيرُ وَ يُنَادِي مُنَادٍ: إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ. قُلْتُ: فَمَنْ يُقَاتِلُ الْمَهْدِيَّ بَعْدَ هَذَا؟ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةٍ وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يُنَادِي إِنَّ فُلَانًا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ قُلْتُ فَمَنْ يَعْرِفُ الصَّادِقَ مِنَ الْكَاذِبِ؟ قَالَ: يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرَوُونَ حَدِيثَنَا وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُحِقُّونَ الصَّادِقُونَ؛

یک منادی از آسمان ندا می‌دهد که فلانی امیر است و یک منادی ندا می‌دهد که علی و شیعیانش رستگارند.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۶۶.

راوی می گوید پرسیدم پس از آن، چه کسی با حضرت مهدی (ع) می جنگد؟ فرمودند: مردی از بنی امیه (سفیانی) و شیطان هم ندا درمی دهد که فلانی و شیعیانش رستگارانند. راوی می پرسد: چه کسانی راستگویان و دروغگویان را از هم تمیز می دهند؟ فرمودند: کسانی که احادیث ما را روایت می کنند، از هم تمیز می دهند آن هم پیش از آنکه اتّفاقی بیفتد و می دانند که ایشان بر حق و راستگویند»^۱.

۴- شهادت نفس زکیّه: درباره این نشانه نیز در بخش اول به طور کامل گفت و گو کرده ایم.

۵- خسف (فرو رفتن زمین) در بیداء:

امام باقر (ع) فرمودند:

«السُّفْيَانِيُّ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَبِي سُفْيَانَ بْنِ حَرْبٍ فَيُرْسَلُ إِلَيْهِمْ بَعَثًا فَيَنْزِلُونَ بِالْبِيدَاءِ فِي لَيْلَةٍ مُقَمَّرَةٍ فَيَقُولُ رَاعٍ نَاطِرٍ إِلَيْهِمْ يَا وَيْحَ أَهْلَ مَكَّةَ مَا جَاءَ فَيَذْهَبَ ثُمَّ يَرْجِعُ فَلَا يَرَاهُمْ فَيَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ ارْتَحَلُوا فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَيَأْتِي مَنْزِلَهُمْ فَيَجِدُ قَطِيعَةً قَدْ خُسِفَ

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۵.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

بَعْضُهَا وَ بَعْضُهَا عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ فَيَعَالِجُهَا فَلَا يُطِيقُهَا فَيَعْلَمُ وَ
أَنَّهُمْ قَدْ خُسِفَ بِهِمْ؛

سفیانی از نسل ابوسفیان بن حرب است که به سوی (مردم مکه) سپاهی می‌فرستد که در شبی مهتابی در بیداء اتراق می‌کنند. چوپانی که قضیه را مشاهده می‌کند، می‌گوید: وای به حال ساکنان مکه از آنچه (به سوی ایشان) آمده است. می‌رود و برمی‌گردد و آنها را نمی‌بیند؛ می‌گوید: سبحان الله به لحظه‌ای سفر کردند؟! به منزلگاهشان می‌رود و قطعه (لباسی) می‌بیند که قسمتی از آن زیر زمین است و قسمتی از آن روی زمین، هرچه می‌کشد نمی‌تواند آن را بیرون بیاورد پس می‌فهمد که آنها به زمین فرو رفته‌اند»^۱.

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۴؛ يوم الخلاص، ص ۶۹۲.

بخش سوم

ظهور

در این بخش شرح واقعه شریف ظهور را از زبان مبارک پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) پی می‌گیریم. از آنجا که وقایع ظهور به تعبیر پیامبر (ص) مانند دانه‌های تسبیح پشت سر هم رخ می‌دهند. ما نیز آنها را به ترتیب زمان وقوع ذکر می‌کنیم.

پیش‌بینی و توضیح وقایع زمان ظهور به حدّ قابل توجهی دقیق و سلسله‌وار از سوی خاندان رحمت نبی اکرم (ص) بیان شده‌اند که گویی یک شاهد عینی در آن زمان راوی ماجراست. در اینجا ما نیز سعی کرده‌ایم که ترتیبی برای ذکر روایت‌ها داشته باشیم تا خواننده محترم احساس کند که خود از محضر مبارک پیشوایان بزرگ دین شنونده وقایع و رخدادهای ظهور و جلوه‌های زیبا و با عظمت آن است.

حال با هم می‌نشینیم پای منبر رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و گوش جان می‌سپاریم به سخنان دل‌نشینشان درباره ظهور فرزند بزرگوارشان حضرت مولانا صاحب الزمان (ع).

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه سازان آن

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛

به خدایی که مرا به حق برای بشارت برانگیخت. اگر فقط یک روز از عمر عالم باقی مانده باشد خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا فرزندم مهدی قیام کند، پس عیسی مسیح (روح الله) بعد از او فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد و جهان به نور پروردگار روشن گشته و حکومت مهدی شرق و غرب عالم را در بر می گیرد»^۱.

رسول اکرم (ص) خطاب به امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«يَا عَلِيُّ إِنَّ قُرَيْشًا سَتُظْهِرُ عَلَيْكَ مَا اسْتَبْطَنَتْهُ، وَ تَجْتَمِعُ كَلِمَتُهُمْ عَلَى ظُلْمِكَ وَ قَهْرِكَ، فَإِنْ وَجَدْتَ أَعْوَانًا فَجَاهِدْهُمْ، وَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَكُفَّ يَدَكَ وَ أَحْقِنِ دَمَكَ، فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ.

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین، ص ۱۶۳. به عقیده مسلمین و مسیحیان حضرت مسیح (ع) هم اکنون زنده است. با این تفاوت که مسیحیان می گویند کشته شد و سپس زنده شد و به آسمان رفت و مسلمین می گویند کشته نشد.

وَاعْلَمَ أَنَّ ابْنَ ابْنِي يُنْتَقِمُ مِنْ ظَالِمِيكَ وَ أَوْلَادِكَ وَ شَيْعَتِكَ فِي الدُّنْيَا،
وَ يُعَذِّبُهُمُ اللهُ فِي الْآخِرَةِ عَذَاباً شَدِيداً؛

ای علی، قریش کینه‌های درونی‌اش را درباره تو، به زودی آشکار می‌کند، و همگی به اتفاق کلمه بر ظلم و شکست تو برخیزند. اگر یار و یآوری پیدا کردی با آنها نبرد کن، و اگر یآوری نیافتی دست نگهدار و خونت را محافظت کن که شهادت از پی تست. بدان که فرزندم [مهدی (ع)] انتقام تو را و انتقام فرزندان و شیعیانت را از ستمگران در همین دنیا می‌گیرد و خداوند آنان را در آخرت به عذابی سخت معذب فرماید».

سلمان فارسی پرسید: ای رسول خدا او کیست؟

فرمودند:

«التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي الْحُسَيْنِ، الَّذِي يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ الطَّوِيلَةِ،
فَيُعْلِنُ أَمْرَ اللهِ، وَ يَظْهَرُ دِينَ اللهِ، وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللهِ، وَ يَمْلَأُ
الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَ ظُلْماً؛

او نهمین فرزند پسر حسین است، که بعد از یک غیبت طولانی ظاهر می‌شود، امر خدا را آشکار می‌سازد. دین خدا را چیره می‌گرداند. از دشمنان خدا انتقام می‌گیرد. زمین را پر از عدل و داد می‌نماید. آن چنان که پر از جور و ستم شده است».

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! آن حضرت کی ظاهر می‌شود؟ فرمودند:

«لَا يَعْلَمُ ذَلِكَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَكِنْ لِدَلِيلِكَ عِلَامَاتٌ، مِنْهَا نِدَاءٌ مِنَ السَّمَاءِ، وَ خَسْفٌ بِالشَّرْقِ، وَ خَسْفٌ بِالمَغْرِبِ، وَ خَسْفٌ بِالبَيْدَاءِ؛

وقت ظهور را جز خداوند احدی نمی‌داند، ولكن برای آن نشانه‌هایی هست، که از آن جمله است: ندایی از آسمان، خسفی در شرق، خسفی در غرب و خسفی در سرزمین بیداء».^۱

«بیداء» نام سرزمینی شنزار در میان مکه و مدینه است.^۲ در برخی روایات خسف بیداء از نشانه‌های حتمی بیان شده است.^۳

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«ثُمَّ يَظْهَرُ أَمِيرُ الأَمْرَةِ، وَ قَاتِلُ الكُفْرَةِ، الأُسْلُطَانُ المَأْمُولُ الَّذِي تَتَحَيَّرُ فِي غَيْبَتِهِ العُقُولُ، وَ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ. يَظْهَرُ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ يَظْهَرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَ لَا يَتْرُكُ فِي الأَرْضِ الأَدْنَيْنِ طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَدْرَكُوا زَمَانَهُ، وَ لَحِقُوا أَوَانَهُ، وَ شَهِدُوا

۱. مختصر اثبات الرجعه، حدیث سوم، کفایة‌المهتدی: برگ ۲۱ و منتخب

کفایة‌المهتدی، ص ۱۱۵.

۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

أَيَّامَهُ، وَ لَاقُوا أَقْوَامَهُ^۱.

آنگاه امیر امیران، کشنده کافران، پادشاه منتظر، که در غیبتش همگان دچار حیرت می‌شوند، ظهور می‌کند. او نهمین فرزند توست ای حسین!، در میان دو رکن (رکن و مقام) ظاهر می‌شود و بر انس و جن چیره می‌گردد، ریشه پستی و انحراف را از روی زمین برمی‌کند. خوشا به حال مؤمنانی که عصر او را درک کنند و دولت حق را دریابند و آن روزگار مبارک را ببینند و یاران باوفای او را ملاقات کنند.

پیشوای هفتم شیعیان حضرت موسی بن جعفر (ع)
در تفسیر آیه شریفه «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۲
فرمودند:

«يَقُولُ اللَّهُ: وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ: بِوِلَايَةِ الْقَائِمِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ:
بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ ... فَسُئِلَ: هَلْ هَذَا تَنْزِيلٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، أَمَّا هَذَا الْحَرْفُ
فَتَنْزِيلٌ، وَ أَمَّا غَيْرُهُ فَتَأْوِيلٌ؛

خداوند با ولایت قائم (عج)، نور خود را به کمال و تمام

۱. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۳۶؛ بشارة الاسلام صص ۴۹ و ۶۶.

۲. سورة صف، آیه ۸، یعنی: «خداوند نور خود را به اکمال می‌رساند، اگرچه کافران خوش ندارند».

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

می‌رساند اگرچه، منکرانِ ولایت علی (ع) آن را خوش
ندارند.

سؤال کردند: آیا این تنزیل است؟! فرمودند:
آنچه گفتم، تنزیل است، ولی جز این هر چه گفته شود،
تأویل است»^۱.

! حدیثی از امام باقر (ع) روایت شده است:
«تَكُونُ قَبْلَ الْمَهْدِيِّ فِتْنَةٌ تَحْضُرُ النَّاسَ حَضْرًا. فَلَا تُسُبُّوا أَهْلَ
الشَّامِ بَلْ ظَلَمْتَهُمْ، فَإِنَّ الْأَبْدَالَ مِنْهُمْ. وَ سَيُرْسِلُ اللَّهُ سَبِيًّا مِنْ
السَّمَاءِ فَيُفَرِّقُهُمْ حَتَّىٰ لَوْ قَاتَلْتَهُمُ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ. ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ
الْمَهْدِيَّ فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفًا إِنْ قَلَوْا وَ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفًا إِنْ كَثُرُوا.
وَ عَلَامَتُهُمْ أَنَّهُمْ إِذَا هَجَمُوا صَرَخُوا: أَمِثْ أَمِثْ، ثُمَّ يَظْهَرُ فَيُرَدُّ
إِلَى الْمُسْلِمِينَ الْفِتْنَةُ وَ نِعْمَتُهُمْ؛

پیش از ظهور مهدی (عج) فتنه‌ای به پا می‌شود که مردم
را در تنگنای عجیبی قرار می‌دهد. اهل شام را - به طور
عموم - سب نکنید مگر ستمگرانشان را، که ابدال و
اوتاد بسیاری از میان آنها برمی‌خیزند. خداوند از آسمان
چیزی می‌فرستد که مردم شامات را آن چنان پراکنده
می‌سازد که اگر با روباهان بجنگند شکست می‌خورند.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

آنگاه خداوند مهدی را با سپاهی میان ۱۲ الی ۱۵ هزار نفر می فرستد که رمزشان به هنگام حمله «أَمِت، أَمِت» است. آنگاه پیروز می شوند و انس و الفت و نعمت و رفاه مسلمانان به آنها باز می گردد.^۱

امام علی (ع) می فرمایند:

«يُظْهَرُ صَاحِبُ الرَّايَةِ الْمُحَمَّديَّةِ وَالدَّوْلَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ الْقَائِمِ بِالسُّنَنِ وَالْحَالِ الصَّادِقِ فِي الْمَقَالِ، يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُخَيِّ السُّنَّةَ وَالْفَرَضَ؛

صاحب پرچم محمدی و بنیانگذار دولت احمدی می آید در حالی که شمشیر به دست اوست و لباس کامل پوشیده است وی جز سخن راست بر زبان جاری نمی کند و زمین را مهد آرامش قرار داده و احکام واجب و مستحب اسلام را زنده می کند».^۲

امام باقر (ع) می فرمایند:

«يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ بَيضاءُ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ. فِيهَا مَلَكٌ يُنَادِي بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ: هَذَا الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ؛

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۳.

۲. الزام الناصب، ص ۲۱۱.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

[قائم (ع)] در آخر الزمان ظهور می‌کند، ابر سفیدی بالای سرش حرکت می‌کند و در برابر خورشید بر وجود مقدّسش سایه می‌اندازد. از میان ابر فرشته‌ای بانگ برمی‌آورد: این مهدی است، از او پیروی کنید.^۱

امام باقر (ع) می‌فرمایند:

«إِذَا ظَهَرَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَالَ لِلنَّاسِ: [فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ، فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ] خِفْتُمْ عَلَى نَفْسِي، وَجِئْتُكُمْ لَمَّا أذِنَ لِي رَبِّي وَأَصْلَحَ أَمْرِي؛

هنگامی که قائم ما ظهور کند، این آیه شریفه را تلاوت می‌کند: [از شما فرار کردم هنگامی که ترسیدم از شما، پس خداوند به من حکم عطا کرد و مرا از مرسلین قرار داد].^۲

امام جعفر صادق (ع) فرمودند:

«مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنْ مُعْجَزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ، إِلَّا وَ يُظْهِرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِثْلَهَا فِي يَدِ قَائِمِنَا لِإِتْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ؛

هیچ معجزه‌ای به دست هیچ یک از انبیا و اوصیا ظاهر

۱. کشف الغمّه، ج ۳، صص ۲۶۰ و ۲۶۵.

۲. سوره شعرا، آیه ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۸۱ و ۲۹۲.

نشده، جز اینکه خداوند متعال نظیر آن را به دست مبارک قائم ما (عج) ظاهر می کند، تا حجت بر همه دشمنان تمام شود.^۱

امام زین العابدین (ع) در وصف آن روز مسعود می فرماید:

«أَمَّا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ بَيْنَ السَّحَابَيْنِ، فَأَخْتَارَ الذَّلُولَ وَذَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبَ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَا الصَّعْبُ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَصَاعِقَةٌ وَبَرْقٌ فَصَاحِبُكُمْ يَرْكَبُهُ. أَمَّا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ، وَيَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ: أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ: خَمْسَ عَوَامِرٍ وَالثَّنَاتَيْنِ خَرِبَتَانِ!»

ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر ناآرام او ابر رام را برای خود برگزید و ابر ناآرام را برای صاحب شما نگه داشت. گفته شد: ابر ناآرام چیست؟ فرمودند: هر ابری که همراه با رعد و برق و صاعقه باشد. که هر کجا چنین ابری باشد، صاحب شما سوار آن خواهد شد. آری صاحب شما سوار ابر خواهد شد، همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد. اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را، که پنج زمین آباد و دو زمین

۱. مختصر اثبات الرجعه، حدیث چهاردهم و کفایة المهتدی: برگ ۸۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

دیگر مخروبه خواهد بود»^۱.

امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِآدَمَ، فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ، ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَ إِنَّهَا لَعِنْدَنَا. وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا خَضْرَاءَ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَرَعْتَ مِنْ شَجَرِهَا. وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقْتَ. أُعِدَّتْ لِقَائِمِنَا يَضْنَعُ كَمَا كَانَ يَضْنَعُ مُوسَى بِهَا... وَإِنَّهَا لَتُرْوَعُ وَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ. وَإِنَّهَا لَتَضْنَعُ مَا تُؤْمَرُ. تُفْتَحُ لَهَا شُعْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا فِي الْأَرْضِ وَ الْأُخْرَى فِي السَّقْفِ، تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا!!!»

عصای موسی نخست در دست آدم بود، سپس به دست شعیب رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران رسید و هم اکنون در دست ماست. و آن هم اکنون در دست من سبز است همانند روزی که از درخت بریده شد. با این عصا هر وقت سخن بگوییم سخن می‌گوید، این عصا برای قائم ما آماده شده که همچون موسی بن عمران آن را به کار می‌برد! این عصا اهل باطل را می‌ترساند و هر چه بیندازند می‌بلعد و آنچه - حجت خدا - فرمان دهد اطاعت می‌کند. چون دهان بگشاید فاصله دو فک

۱. اختصاص مفید، صص ۱۶۹ و ۲۲۶.

آن از زمین تا سقف است که هر چه بیندازند با زبانش می‌بلعد!!»^۱

ظهور به طور ناگهانی محقق می‌شود.

مطابق آنچه از ائمه اطهار (ع) نقل شده است ظهور امام زمان (ع) به صورت دفعی و بدون زمینه قبلی واقع خواهد شد. خود حضرت ولی عصر (ع) در توفیق مبارک به جناب شیخ مفید فرموده‌اند:

«فَإِنَّ أَمْرَنَا يَبْعَثُهُ فَجَاءَةً»^۲

(خداوند) کار ما را به طور ناگهانی بر می‌انگیزد».

در حدیث دیگری امام علی بن موسی الرضا (ع) نقل فرموده‌اند که وقتی از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: که قیام کننده از فرزندان شما چه وقت ظهور می‌کند؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ... لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۳

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. کمال الدین، باب ۳۵، ح ۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

ظهور، همچون قیامت است که آن را در زمان خاصّ خودش فقط خداوند ظاهر می‌سازد... جز این نیست که به طور ناگهانی برایتان رخ می‌دهد».

امام مهدی (ع) درباره وقت ظهور می‌فرمایند:

«إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ؛

وقتی که میان شما و راه کعبه مانع شوند من ظهور می‌کنم.^۱

حضرت مهدی (ع) در روایت دیگری درباره نشانه‌های

ظهور خودشان فرمودند:

«عَلَامَةُ ظُهُورِ أَمْرِي كَثْرَةُ الْهَرَجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ؛

علامت ظهور من فراوانی هرج و مرج و آشوب و فتنه‌هاست».^۲

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ: سَنَةٌ إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٍ،

أَوْ خَمْسٍ، أَوْ سَبْعٍ، أَوْ تِسْعٍ؛

قائم (عج) منحصراً در سال‌های فرد، چون یک، سه، پنج،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰.

هفت و نه، ظاهر می شود»^۱.

امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَانْفُذُوا. لَا
تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ»^۲ فرمودند:

«يَنْزِلُ الْقَائِمُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ بِسَبْعِ قِبَابٍ مِنْ نُورٍ وَلَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا
هُوَ، حَتَّى يَنْزِلَ ظَهَرَ الْكُوفَةِ؛

قائم به روز ظهور در هفت قبه از نور فرود می آید، که
معلوم نمی شود در کدامیک است، تا در پشت کوفه فرود
آید».

رسول اکرم(ص) نیز فرمودند:

«إِذَا كَانَتِ الصَّيْحَةُ فِي رَمَضَانَ، فَإِنَّهَا تَكُونُ مَعْمَعَةً فِي سُؤَالٍ
وَ تَمِيرِ الْقِبَائِلِ وَ تَحَارِبُ فِي ذِي الْقَعْدَةِ وَ يُسَلَبُ الْحَاجُّ وَ
تُسْفَكُ الدَّمَاءُ فِي ذِي الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمِ، وَ مَا الْمُحَرَّمُ؟! هَيْهَاتَ،
هَيْهَاتَ... يُقْتَلُ النَّاسُ هَرْجًا هَرْجًا. ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ:
أَلَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ هُوَ الْمَهْدِيُّ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ
أَطِيعُوا. وَ ذَلِكَ الصَّوْتُ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ حِينَ يَدْعُو لِلْبَيْعَةِ فِي

۱. اعلام الوری، ص ۴۳۰.

۲. سورة الرحمن، آیه ۳۳؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۹۴.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

نَبِيحَةَ يَوْمِ الْخَلَاصِ؛

می‌بچه‌ای در ماه رمضان شنیده می‌شود، در ماه شوال قبایل در برابر یکدیگر صف آرایی می‌کنند. جنگ و جدال در ماه ذی قعدة روی می‌دهد. در ماه ذی‌حجه حُجَّاج بیت‌الله الحرام قتل و غارت می‌شوند و در ماه محرم خون‌ها جاری می‌شود. تو چه می‌دانی که چه محرمی؟! هرگز نمی‌توانی درک کنی!، نه هرگز! محرمی که شورش‌ها و نتنه‌ها بر می‌خیزد و انسان‌ها دسته دسته در هرج و مرج کشته می‌شوند. آنگاه منادی از آسمان ندا می‌کند که بلانی، پسر فلانی، مهدی و قائم آل محمد (ص) است، به فرمان او گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید. این صدا، صدای جبرئیل خواهد بود که در بامداد «روز رهایی» در میان آسمان و زمین این چنین ندا خواهد کرد»^۱.

امام محمد باقر (ع) نیز می‌فرمایند:

«مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ»؟ قَالَ لِي يَا أُمَّ هَانِي إِمَامٌ يَخْبِسُ نَفْسَهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ النَّاسِ عِلْمُهُ سَنَةَ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَاقِدِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكْتَ

۱. کشف الغمه، ج ۳، صص ۲۶۰ و ۲۷۷.

ذَلِكَ الزَّمَانِ قَرَّتْ عَيْنَاكَ؛

امّ هانسی می گوید: از حضرت باقر(ع) درباره معنای آیه
«فلا أقسم بالخنس» سؤال کردم. حضرت فرمودند: منظوری
امامی است که خود را از دیدگان مردم در سال ۲۶۰
هجری پنهان می کند و در نتیجه، مردم از علم و دانش
او محروم می شوند. سپس به وقت خود ظهور می کند
مثل شهابی که در شب تاریک رخ بنماید. پس خوشا به
حالت، اگر چنین زمانی را درک کنی.^۱

همچنین امام باقر(ع) فرمودند:

«يُظْهَرُ كَالشُّهَابِ الثَّاقِبِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ؛

[امام عصر(ع)] همچون سنگ آسمانی شکافنده در شب
تاریک ظاهر می شوند.^۲

امام علی(ع) درباره ظهور به تشبیه زیبایی اشاره

فرمودند:

«هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا. يَظْهَرُ عِنْدَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَيُظْهَرُ
الْأَرْضَ وَ يَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ. فَلَا يَظْلِمُ أَحَدًا أَحَدًا؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

او همانند بخورشیدی است که از مغرب طلوع می‌کند. بین رکن و مقام ظاهر شده و زمین را پاک کرده و ترازوی عدالت را وضع می‌کند. دیگر کسی به کسی ستم نمی‌کند»^۱.

امام رضا (ع) چون پدران بزرگوارشان در وصف یاران حضرت می‌فرمایند:

«يَخْرُجُ، جَبْرَائِيلُ عَنِ يَمِينِهِ، وَ مِيكَائِيلُ عَنِ يَسَارِهِ، وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ؛

او در حالی ظهور می‌کند که جبرئیل در دست راست او، میکائیل در طرف چپ او و شعیب بن صالح در پیشاپیش او حرکت می‌کند»^۲.

امام صادق (ع) دربارهٔ زمان ظهور و ناگهانی بودن آن فرمودند:

«كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو. فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ. فَأَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَ عَبْدِهِ وَ نَبِيِّهِ مُوسَى (ع)

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۰.

۲. الزام الناصب، ص ۶۸.

فِي لَيْلَةٍ. وَ هَكَذَا يَفْعَلُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ
مِنَ الأئِمَّةِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُصْلِحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ
نَبِيِّهِ مُوسَى (ع) وَ يُخْرِجُهُ مِنَ الحَيْرَةِ وَ الغَيْبَةِ إِلَى نُورِ الفَرَجِ وَ
الظُّهُورِ؛^۱

به چیزی که امید (وقوعش را) نداری از آنچه امید
(وقوعش را) داری، امیدوارتر باش! همانسا حضرت
موسی بن عمران (ع) رفت تا برای اهل خود آتشی به
دست آورد، پس در حالی که پیامبر فرستاده شده بود به
سوی ایشان بازگشت. پس خداوند کار بنده و پیامبرش
موسی (ع) را در یک شب اصلاح فرمود؛ و خداوند
تبارک و تعالی در مورد حضرت قائم، امام دوازدهم (ع)
نیز چنین عمل می کند. کار (ظهور) ایشان را در یک شب
اصلاح می فرماید، همان طور که کار پیامبرش موسی (ع)
را اصلاح کرد و ایشان را از حیرت و غیبت به سوی
روشنایی فرج و ظهور در می آورد».

امام باقر (ع) نیز فرمودند:

«يُظْهِرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ بَيضاءُ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ
فِيهَا مَلِكٌ يُنَادِي بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ: هَذَا المَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ؛

۱. کمال الدین، باب ۶، انتهای ح ۱۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

در آخر الزمان ظهور می‌کند در حالی که بر بالای سرش قطعه‌ای ابر سفید است که در مقابل حرارت خورشید بر او سایه می‌افکند. از میان آن ابر فرشته‌ای به زبان عربی فصیح ندا می‌کند که: این مهدی است. از او اطاعت کنید»^۱.

علی بن موسی الرضا (ع) فرمودند:

«إِنَّ الْقَائِمَ يُنَادِي بِاسْمِهِ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ.

فَلَا يَبْقَى رَاقِدًا إِلَّا قَامَ، وَلَا قَائِمًا إِلَّا قَعَدَ، وَلَا قَاعِدًا إِلَّا قَامَ عَلِيٌّ رَجُلِيهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، وَ هُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ (ع).

وَ يُقَالُ لِلْمُؤْمِنِ فِي قَبْرِهِ: يَا هَذَا! قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فَأَقِمْ؛

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به نام قائم (ع) ندا می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کند.

در اثر این ندای آسمانی که همان بانگ جبرئیل است، خفتگان بیدار می‌شوند، سر پایان می‌نشینند و نشسته‌ها بر می‌خیزند.

به هنگام ظهور به افراد مؤمن - که در حال انتظار فرج

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

از دنیا رفته‌اند - در قبر گفته می‌شود: هان ای فلانی! مولایت ظهور فرمود، اگر می‌خواهی به او پیوندی اینک پیوند، و اگر می‌خواهی در کرامت پروردگارت بمانی بمان.»

درباره نحوه ظهور امام باقر(ع) فرمودند:

«يُسْنَدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ وَيُهَيِّزُ الرَّايَةَ الْمُغْلَبَةَ؛

[امام مهدی(ع)] پشتش را به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پرچم همیشه پیروز را به اهتزاز در می‌آورد»^۱.

حضرت ولی عصر(عج) نیز به برخی از سعادت‌مندان

که توفیق دیدار آن جمال الهی نصیبشان شده، چنین فرمودند:

«عَلَامَةُ ظُهُورِ أَمْرِي كَثْرَةُ الْهَرْجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ. وَ آتَى مَكَّةَ فَأَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَيَقُولُ النَّاسُ: أَنْصُبُوا لَنَا إِمَامًا... وَ يَكْثُرُ الْكَلَامُ، حَتَّى يَقُولَ رَجُلٌ مِّنَ النَّاسِ يَنْظُرُ فِي وَجْهِ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ! أَنْظَرُوا إِلَيْهِ!»

نشانه ظهور من، کثرت هرج و مرج و فتنه‌هاست. وارد مکه شده، در مسجدالحرام مستقر می‌شوم. مردم به

۱. بشارة الاسلام، صص ۱۹۹ و ۲۰۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

یکدیگر می‌گویند: برای خود امامی برگزینید. سخن به درازا می‌کشد، یکی از مردمان در حالی که به من نگاه می‌کند، می‌گوید: هان، ای مردم! این مهدی است، نگاه کنید. آنگاه دست مرا می‌گیرند و در میان رکن و مقام نگه می‌دارند و پس از نومیثی‌شان از من، با من بیعت می‌کنند.^۱

امام صادق (ع) هم در ترسیم آن روز پر شکوه

می‌فرمایند:

«أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: [بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ]، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. فَإِذَا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ الْعَقْدُ: وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ، لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ أَوْ وَثْنٍ أَوْ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَأَخْرَقَتْهُ؛

نخستین چیزی که به زبان می‌آورد، تلاوت این آیه شریفه است: «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲ سپس می‌فرمایند: «بَقِيَّةَ اللَّهِ» من هستم، حجت خدا و جانشین

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰.

۲. سوره هود، آیه ۸۶.

او در میان شما، من هستم. هیچ مسلمانی در روی کره زمین نمی ماند جز اینکه عرضه می دارد: سلام بر تو ای یکتا بازمانده خدا بر روی زمین. آنگاه اهل حل و عقد که ده هزار نفر هستند، در اطراف او حلقه می زنند، در روی زمین جز خدای تبارک و تعالی هیچ معبودی از بت و غیر آن نمی ماند، جز اینکه آتشی بر آن افتاده، آن را می سوزاند»^۱.

امام باقر(ع) در ادامه ترسیم وقایع ظهور فرمودند:
 «ثُمَّ يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يُنْشِدُ اللَّهُ حَقَّهُ. قَالَ ابوجعفر(ع): هُوَ وَاللَّهِ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: [أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ، قَلِيلًا مَا تَذْكُرُونَ]»^۲؛

سپس ایشان به مقام ابراهیم(ع) می رسد و دو رکعت نماز به جای می آورد، سپس خدا را آن گونه که باید، یاد و ستایش می کند. ابوجعفر(ع) فرمود: به خدا سوگند او همان «مضطری» است که در کتاب خداوند از او سخن گفته شده، آنجا که می فرماید: «یا [کیست] آن کس که

۱. منتخب الاثر، ص ۹۲.

۲. سوره نمل، آیه ۶۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد. آیا معبودی با خداست؟ چه کم‌پند می‌پذیرید»^۱.

امام باقر (ع) درباره اولین احتجاج حضرت مهدی (ع) پس از ظهور که در کنار خانه کعبه است در روایت زیبایی می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ النَّاسَ عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا وَ سَلَبَ حَقَّنَا. إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ (ص) وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ. مَنْ يُحَاجُّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ، وَ مَنْ يُحَاجُّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَ مَنْ يُحَاجُّنَا بِنُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَ مَنْ يُحَاجُّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ، وَ مَنْ يُحَاجُّنَا بِالنَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، وَ مَنْ يُحَاجُّنَا بِإِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَ مَنْ يُحَاجُّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: [إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ]؟!»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵.

فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ، وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ، وَ مُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ (ص)... أَلَا وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأُنشِدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ، لَمَا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ. وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ بِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، إِلَّا أَعْتَمْتُمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدْ أَخْفَنَا وَ ظَلَمْنَا، وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا، وَ بُغِيَ عَلَيْنَا وَ دُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا، فَافْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا.

فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخَذَلُونَا، وَ انصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ الْيَوْمَ كُلَّ مُسْلِمٍ! ثُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوِلَايَةِ، وَ مَعَهُ عَهْدُ رَسُولِ اللَّهِ (ص). فَيَقُومُ رَجُلٌ فَيُنَادِي: أَيُّهَا النَّاسُ، هَذَا طَلِبْتُكُمْ قَدْ جَاءَكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص). فَيَقُومُ هُوَ فَيَقُولُ:

أَنَا ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ، أَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّهِ؛

به خدا سوگند، گویی می بینم او را که پشت خود را به «حجرالاسود» تکیه داده، می گوید:

ای مردم! ما از همه مردمان یاری می خواهیم علیه کسانی که به ما ستم کردند و حق ما را غصب نمودند. ما اهل بیت پیامبر شما، حضرت محمد (ص) هستیم و ما نزدیک ترین مردمان به او هستیم، هر کس با ما در مورد خدا مواجهه

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

کند، ما از همه به او نزدیک‌تریم. هر کس در مورد آدم
محتاجه کند، ما از همه به او نزدیک‌تریم. هر کس در
مورد نوح محتاجه کند، از همه به او نزدیک‌تریم. هر کس
در مورد ابراهیم محتاجه کند، از همه به او نزدیک‌تریم.
هر کس در مورد محمد (ص) با ما محتاجه کند، ما از
همه به او نزدیک‌تریم. هر کس در مورد پیامبران با ما
محتاجه کند، ما از همه به آنها نزدیک‌تریم. هر کس در
مورد کتاب خدا با ما محتاجه کند، ما به کتاب خدا از
همه نزدیک‌تریم. مگر نه اینست که قرآن کریم در آیات
محکم قرآنش می‌فرمایند:

[خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان
برگزید، ذریه‌ایست که بعضی از آنها از بعضی دیگر
است، و خدا شنوا و داناست].^۱

من بازمانده‌ام، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و نخبه و
برگزیده از تبار محمد (ص) هستم. آگاه باشید که هر کس
در مورد سنت پیامبر (ص) با من محتاجه کند، من برای
(احیاء و اجرای) سنت پیامبر از همه شایسته‌ترم. پس
شما را به خدا سوگند می‌دهم که هر کس امروز گفتار
مرا می‌شنود به آنان که امروز حضور ندارند برساند.

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

شما را سوگند می‌دهم به حقّ خدا و حقّ رسول خدا و حقّ من، که حقّ ذی القربی (خویشاوندی با رسول اکرم) بر گردن شما دارم، که ما را یاری کنید و از ما در برابر ستمگران حمایت کنید. که ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم، از دیار و فرزندان خود دور افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم ساختند و اهل باطل به ما افتراء بستند.

از خدا بترسید در حقّ ما، ما را خوار نسازید، ما را یاری کنید که خداوند شما را یاری کند، ما امروز از هر مسلمانی یاری می‌طلبیم»^۱.

آنگاه مردم را به سوی قرآن کریم و سنّت پیامبر اکرم (ص) و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت، دعوت می‌کند. عهد و پیمان پیامبر (ص) نیز همراه او خواهد بود.

آنگاه مردی برمی‌خیزد و خطاب به مردم می‌گوید: ای مردم! این خواسته و آرزوی دیرینه شماست، به سوی شما آمد و شما را به چیزی که رسول اکرم (ص) دعوت می‌کرد، فرا می‌خواند. آنگاه حضرت بقیة الله (عج) بلند می‌شود و می‌فرماید:

من پسر پیامبر شما هستم. شما را به چیزی فرا می‌خوانم

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۵۰.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

که پیامبر خدا شما را به سوی آن فرا می‌خواند»^۱.
در این روایت دیدیم که گویا امام باقر (ع) خود از زبان
مهدی آل محمد (ص) سخن می‌گویند.

امام صادق (ع) نیز در ترسیم لحظات زیبا و پُر ابهت
ظهور فرمودند:

«يَا مُفَضَّلُ، يَظْهَرُ وَحَدَهُ، وَ يَأْتِي الْبَيْتَ وَحَدَهُ وَ يَلْبِغُ الْبَيْتَ وَحَدَهُ
وَ يَجِنُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَحَدَهُ. فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَسِقَ اللَّيْلُ نَزَلَ
إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا. فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: يَا
سَيِّدِي، قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ. فَيَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ
يَقُولُ: [الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنْ
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ] ثُمَّ يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ
فَيَصْرُخُ صَرْخَةً فَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ نِقْبَائِي وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ
ادَّخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، ائْتُونِي
طَائِعِينَ فَتَرُدُّ صَيْحَتَهُ عَلَيْهِمْ وَ هُمْ عَلَى مَحَارِبِهِمْ وَ عَلَى فُرُشِهِمْ
فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَيْحَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ
كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِيبُونَ نَحْوَهَا وَ لَا يَمُضُ لَهُمْ إِلَّا كَلِمَةٌ بَصْرٍ حَتَّى
يَكُونَ كُلُّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ. فَيَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
النُّورَ فَيَصِيرُ عَمُودًا مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَسْتَضِيئُ بِهِ كُلُّ

۱. الزام الناصب، صص ۱۷۶ و ۲۲۶.

مُؤْمِنٍ عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ نُورٌ مِنْ جَوْفِ بَيْتِهِ. فَتَفْرِحُ نَفُوسُ الْمُؤْمِنِينَ بِذَلِكَ النُّورِ وَ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ بِظُهُورِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ يَصْبَحُونَ وَقُوفًا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُمْ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثُ عَشَرَ رَجُلًا بَعْدَهُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ فِي يَوْمِ بَدْرٍ؛

مهدی به تنهایی ظاهر می شود و به سوی خانه خدا می آید و وارد خانه کعبه می شود و آن روز را به تنهایی به شب می رساند. وقتی که چشم‌ها به خواب رفتند و شب همه جا را فرا گرفت، جبرئیل و میکائیل و فرشتگان گروه گروه نازل می شوند. جبرئیل عرض می کند: ای مولای من، سخنت پذیرفته و فرمانت مطاع است. پس حضرت دست بر صورت می کشد و می فرماید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ. پس بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند که: ای گروه نقبا و خاصان من، و ای کسانی که خداوند شما را برای یاری من ذخیره کرده با رغبت به سوی من آید. فریاد حضرت به آنها می رسد در حالی که برخی در محراب عبادت و برخی در بستر استراحت در مشرق و مغرب جهان هستند. همه آن صدا را می شنوند و او را اجابت نموده و به سمت مکه حرکت می کنند و به اندازه یک چشم به هم زدن خود را بین رکن و مقام و

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

محضر آن حضرت می‌بینند. پس خداوند دستور می‌دهد که نوری از زمین به آسمان به صورت ستون برخیزد. پس همه مؤمنان روی زمین از آن نور روشنائی کسب می‌کنند و نور به درون خانه‌هایشان وارد می‌شود. پس بسیار خوشحال می‌شوند ولی نمی‌دانند که قائم، ظهور کرده است. ولی صبح هنگام، خود را در حضور آن حضرت می‌یابند در حالی که به عدد اصحاب پیامبر در روز بدر ۳۱۳ نفر هستند.^۱

امام صادق (ع) سپس می‌افزایند:

«و يُصْبِحُ النَّاسُ فِي مَكَّةَ فَيَقُولُونَ مَنْ هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بِجَانِبِ الْكَعْبَةِ، وَ مَا هَذَا الْخَلْقُ الَّذِي مَعَهُ، هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي رَأَيْنَاهَا اللَّيْلَةَ وَ لَمْ نَرَمْثَلَهَا؟. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: هَذَا صَاحِبُ الْغَنِيَّاتِ؛

مردم مکه صبح می‌کنند و می‌گویند: این مردی که در کنار کعبه ایستاده کیست؟ و این مردمی که در اطراف او گرد آمده‌اند چه کسانی هستند؟! و این نشانه‌ای که امشب دیدیم و تاکنون نظیرش را ندیده بودیم، چیست؟! برخی دیگر می‌گویند: او صاحب بزهاست (که دیروز

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۲.

با بزهایش وارد مکه شد»^۱.

امیر مؤمنان (ع) و امام صادق (ع) می فرمایند:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ دَخَلَ مَكَّةَ، وَعَلَيْهِ بُرْدَةٌ رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ صَفْرَاءُ، وَفِي رِجْلَيْهِ نَعْلُ رَسُولِ اللَّهِ الْمَخْصُوفَةِ، وَفِي يَدَيْهِ هَرَاوُتُهُ، يَسُوقُ بَيْنَ يَدَيْهِ أَعْنُزًا عِجَافًا حَتَّى يَصِلَ بِهَا نَحْوَ الْبَيْتِ لَيْسَ تَمَّ أَحَدٌ يَعْرِفُهُ؛

به خدا سوگند، گویی او را با چشم خود می بینم که وارد مکه شده در حالی که بُرد پیامبر (ع) بر تن و عمامه‌ای زرد بر سر دارد، کفش‌های پیامبر (ص) به پای او دقیقاً منطبق است و نیزه رسول اکرم (ص) در دست اوست. در پیشاپیش او بزهای لاغری حرکت می کنند، آنها را به سوی کعبه سوق می دهد که آنجا احدی او را نمی شناسد»^۲.

امام صادق (ع) در روایت دیگری فرمودند:

«يُظْهِرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ، مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلَامَاتُ وَنُورٌ وَبَيَانٌ، فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ خَطَبَ خُطْبَةً بِأَعْلَى صَوْتِهِ... فَيُظْهِرُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا - عَدَدَ أَهْلِ بَدْرٍ - عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ، رُهْبَانَ
بِاللَّيْلِ، أَشَدَّ بِالنَّهَارِ، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ أَرْضَ الْحِجْرِ، وَ يَسْتَخْرِجُ مَنْ
كَانَ فِي السُّجْنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَ تَنْزِلُ الرَّاياتُ السُّودُ بِالْكَوْفَةِ،
فَيُبْعَثُ بِالْبَعْثِ إِلَى الْمَهْدِيِّ، وَ يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ جُنُودَهُ إِلَى الْأَفَاقِ،
وَ يُمِيتُ الْجُورَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَسْتَقِيمُ لَهُ الْبُلْدَانُ، وَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى
يَدَيْهِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ؛

حضرت مهدی (ع) به هنگام نماز عشاء در مکه معظمه
ظاهر می‌شود، در حالی که پرچم، پیراهن و شمشیر
رسول اکرم (ص) همراه اوست، او با نشانه‌ها، با چهره‌ای
نورانی و بیانی رسا ظاهر می‌شود، خطبه‌ای با صدای بسیار
بلند ایراد می‌کند... آنگاه در میان ۳۱۳ نفر از اصحابش
- به تعداد اهل بدر - بدون وعده قبلی ظاهر می‌شود.
اصحابی که راهبان شب و شیران روزند، خداوند متعال
دژهای مستحکم را به دست او می‌گشاید، او زندانی‌های
بنی‌هاشم را رها می‌سازد، پرچم‌های سیاه در کوفه فرود
می‌آیند و سپاهیان را به محضر حضرت مهدی (ع) گسیل
می‌دارند، آنگاه حضرت مهدی (ع) لشکریانش را به
اطراف و اکناف جهان می‌فرستد، ستم و ستمگر را ریشه
کن می‌سازد، همه کشورها در اختیار او قرار می‌گیرد

و خداوند قسطنطنیه - استانبول - را به دست او فتح می کند»^۱.

ابن حجر در کتاب «الصواعق المحرّقه» نیز فصلی را به احادیث حضرت مهدی (ع) اختصاص داده و بر صحت و تواتر احادیث رسیده در این باره تأکید می کند»^۲.

امام صادق (ع) در وصف حال مسلمانان می فرماید:
«الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ، يَفْرَحُ بِهِ جَمِيعُ الْمُسْلِمِينَ خَاصَّتُهُمْ وَ
عَامَّتُهُمْ؛

چون مهدی ظهور کند، همه مسلمانان از خواص و عوام به او، خوشحال می شوند».

امام صادق (ع) همچنین فرمودند:
«يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ، وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ، وَ
الْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ؛

اهل آسمان و زمین به ظهور او خوشحال می شوند، پرندگان هوا و ماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می کنند»^۳.

۱. الفتاوی الحدیثیه، ص ۴۲.

۲. الصواعق المحرّقه، صص ۱۶۷ و ۱۶۰.

۳. المهدی، ص ۲۲۱.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

امام کاظم (ع) هم در این باره می‌فرمایند:

«يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَأَهْلُ السَّمَاوَاتِ. وَلَا يَبْقَى كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ؛

مؤمنان و اهل آسمان‌ها با ظهور او خوشحال و شاداب می‌شوند. ولی هیچ کافر یا مشرکی نمی‌ماند جز اینکه ظهور او را ناخوش دارند»^۱.

امیرمؤمنان (ع) درباره پرچم حضرت می‌فرمایند:

«إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً، مَنْ تَقَدَّمَهَا سُرِقًا، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقًا، وَمَنْ تَبِعَهَا لِحَقٍّ. يَكُونُ مَكْتُوبًا فِي رَأْيَتِهِ: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ؛

برای ما اهل بیت پرچمی هست که هر کس بر آن پیشی بگیرد دزدیده می‌شود، هر کس از آن عقب بماند هلاک می‌گردد، و هر کس از آن پیروی کند به آن می‌پیوندد. روی آن پرچم نوشته می‌شود: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» بیعت مخصوص الله است»^۲.

و نیز امیرمؤمنان (ع) در روایت دیگری می‌فرمایند:

«إِذَا هَزَّ رَأْيَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَوَضَعَ اللَّهُ

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۲. الملاحم و الفتن، صص ۵۵ و ۱۲۵.

يَدُهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ
زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَ أُعْطِيَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛

چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق و مغرب با نور آن روشن می‌شود. و خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد، دیگر مؤمنی روی زمین نمی‌ماند جز این که قلبش از آهن پاره سخت‌تر و نیرومندتر می‌شود و هر مؤمنی نیروی چهل مرد پیدا می‌کند.^۱

امام جواد(ع) درباره یاران و چگونگی شناختن آنها فرمودند:

«مَعَ الْقَائِمِ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ، عَدَدٌ فِيهَا مِنْ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ
بُلْدَانِهِمْ، وَ طَبَائِعِهِمْ، وَ حُلَاهُمْ وَ كُنَاهُمْ. هُمْ كَرَّارُونَ مُجِدُّونَ فِي
طَاعَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ؛^۲ وَ^۳

همراه قائم(ع) صحیفه مهر شده‌ای هست که اسامی یارانش همراه با ویژگی‌ها، شهر، زینت و کنیه‌هایشان، در آن نوشته شده، آنها سلحشورانی هستند که در طاعت خدا و پیامبر(ص) سختکوش هستند».

۱. منتخب الاثر، ص ۱۸۶.

۲. بشارة الاسلام، ص ۹؛ الزام الناصب، ص ۶۳.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۷۹؛ الملاحم والفتن، صص ۱۲۵ و ۶۶۰.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

امام صادق (ع) نیز فرمودند:

«يَضْبَحُ أَحَدُكُمْ وَ تَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ: «طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ»

برخی از شما صبح از خواب بیدار می‌شود و می‌بیند که زیر سر او کاغذی است که در آن نوشته شده است «طاعة معروفة»^۱.

امام علی (ع) هم درباره یاران حضرت مهدی (ع)

فرمودند:

«أَصْحَابُ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مَثَلِ كُحْلِ الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَ أَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ؛

یاران قائم (ع) جوان هستند و در بین آنان کهنسال نیست مگر تعداد کمی به اندازه سرمه در چشم و نمک اندک که در غذا مصرف می‌شود»^۲.

درباره گرد آمدن یاران حضرت مهدی (ع)، امام صادق (ع)

فرمودند:

«الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، عِدَّةَ أَهْلِ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۷۰.

بَدْرٍ، فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَيْنَمَا تَكُونُوا
يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^۱ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ (ع)؛

آنان که از بسترهای خود ناپدید می شوند و بامدادان در
مکه معظمه پدیدار می گردند، به تعداد اهل بدر (سیصد و
سیزده تن) هستند، که خداوند در حق آنان فرموده است:
«هر کجا باشید خداوند همه شما را یکجا گرد می آورد»
آنها اصحاب حضرت قائم (ع) هستند»^۲.

شیخ صدوق این حدیث را با اسناد خود از امام
زین العابدین (ع) روایت کرده است.^۳

در این باره امام علی (ع) هم می فرمایند:

«إِذَا أَدِنَ الْإِمَامَ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ (أَيْ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ) فَاتِيحَتْ لَهُ
صَحَابَتُهُ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ. فَمِنْهُمْ مَنْ يُفْتَقِدُ عَنْ فَرَاشِهِ لَيْلاً
فَيُضْبِحُ فِي مَكَّةَ وَ مِنْهُمْ يَرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً؛

هنگامی که به امام زمان (ع) اجازه ظهور داده شود خدا
را به اسم اعظم می خواند و همه یارانش از سراسر گیتی
جمع می شوند که پرچمداران آن حضرت هستند. عده ای

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲. مختصر اثبات الرجعه، حدیث نوزدهم، کفایة المهتدی: برگ ۱۲۴.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ منتخب الأنوار المضيئه؛ ص ۳۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

از آنها شب هنگام از رختخواب خود ناپدید و صبح در مکه حاضر می‌شوند و برخی از آنها دیده می‌شوند که در روز روی ابرها راه می‌روند.^۱

امام باقر (ع) نیز در این باره فرمودند:

«وَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِعَادٍ قَزْعًا كَقَزْعِ الْخَرِيفِ؛
به خدا قسم که سیصد و چند نفر می‌آیند در حالی که در میان آنان ۵۰ نفر از بانوان هستند که در مکه گرد می‌آیند بدون اینکه قبلاً قراری گذاشته باشند. مانند ابرهای پاییزی (با سرعت زیادی) به یکدیگر می‌پیوندند.»^۲

مفضل نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند:

«يَكُونُ مَعَ الْقَائِمِ (ع) ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً؛
با حضرت قائم (ع) (در هنگام ظهورش) سیزده زن هستند.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۸۶ و ۳۶۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

مفضل می گوید به حضرت عرض کردم: و ما یصنع بهن
(این زنان چه کاری می کنند؟) امام صادق (ع) فرمودند:
«يُداوِينَ الْجَرْحَى وَ يُقِمْنَ عَلَى الْمَرْضَى كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ
اللَّهِ (ص)»؛

این زنان، زخمی ها را درمان می کنند و از بیماران
پرستاری می نمایند، چنان که با پیامبر خدا (ص) چنین
زنانی نیز بودند.^۱

همچنین امام صادق (ع) درباره یاران حضرت مهدی (ع)
فرمودند:

«و تَزُولُ كُلُّ عَاهَةٍ عَنِ مُعْتَقِدِي الْحَقِّ مِنْ شِيعَةِ الْمَهْدِيِّ فَيَعْرِفُونَ
عِنْدَ ذَلِكَ ظُهُورَهُ بِمَكَّةَ فَيَتَوَجَّهُونَ لِضَرْتِهِ تُطْوَى لَهُمُ الْأَرْضُ وَ
يُذَلُّ كُلُّ صَعْبٍ»؛

هر بیماری از عقیده مندان به حضرت مهدی (ع) که شیعه
باشند برطرف شده و با این علامت می فهمند که حضرت
ظهور کرده پس به سوی مکه برای یاری او می شتابند و
برای آنها طی الارض حاصل می شود و هر امر دشواری
در مقابل آنها آسان و هموار می گردد.^۲

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۵۰.

۲. المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۳۴۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره فرمودند:

«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا فِي أَقْلٍ مِمَّا يُتِمُّ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ. فَبَيْنَا أَهْلُ مَكَّةَ كَذَلِكَ يَقُولُونَ: كَبَسْنَا الشُّفْيَانِي ثُمَّ يُشْرِفُونَ فَيَنْظُرُونَ إِلَى قَوْمٍ حَوْلَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَقَدْ أَنْجَلِي عَنْهُمْ الظَّلَامُ وَلاَحَ لَهُمُ الصُّبْحُ وَصَاحَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ النَّجَاةُ. وَاشْرَفَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ وَأَمْرًاؤُهُمْ يَفْكُرُونَ؛

خداوند تعالی از مشرق و مغرب عالم آنان را [یاران امام مهدی (ع)] در کمتر از یک چشم به هم زدن در کنار کعبه جمع می‌کند. مردم مکه در حالی که درباره لشکر سفیانی حرف می‌زنند که چگونه آنها را محاصره و لگدکوب کردند ناگهان قومی را در گرد کعبه می‌بینند و این در حالی است که لشکر ظلمت از بین رفته و صبح طالع شده است. برخی فریاد می‌زنند، نجات، نجات و مردم می‌نگرند که پیشوایان آنها (امام زمان و یارانش) در فکر هستند»^۱.

همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مَا مِنْ بَلَدَةٍ إِلَّا يَخْرُجُ مِنْهَا مَعَهُ طَائِفَةٌ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرَةِ فَإِنَّهُ

۱. الزام الناصب، ص ۲۰۰.

چهل حدیث

لَا يَخْرُجُ مَعَهُ مِنْهَا أَحَدٌ؛

از همه شهرها عده‌ای همراه آن حضرت خارج می‌شوند
به جز بصره که حتی یک نفر [هم] آن حضرت را همراهی
نمی‌کند.^۱

امام صادق (ع) هم فرمودند:

«اتَّقِ شَرَّ الْعَرَبِ فَإِنَّ لَهُمْ خَيْرَ سُوءٍ. أَمَا إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ
مِنْهُمْ أَحَدٌ؛

از شرّ عرب بر حذر باش که راجع به آنها خیر ناگواری
است و آن اینکه هیچ یک از آنها همراه حضرت قائم (ع)
خارج نمی‌شود.^۲

و نیز پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«يَخْرُجُ إِلَيْهِ النُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ حَتَّى يَأْتُوا
مَكَّةَ قِيَابِعُونَ؛

نجبای مصر و علمای مشرق زمین به سوی او [قائم (ع)]

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، اختصاص، ص ۳۰۵. منظور این است که از
۳۱۳ نفر، کسی از عرب نیست و گرنه طبق برخی از روایات هزاران هزار از مصر
و شام و حجاز همراه حضرت هستند.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

شتافته تا به مکه بیایند و با او بیعت کنند»^۱.

حضرت باقر (ع) افزودند:

«أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ الْأَنْصَارُ؛

نخستین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل است، آنگاه

یاران (۳۱۳ نفر) بیعت می‌کنند»^۲.

درباره بیعت یاران با امام، امیر مؤمنان (ع) می‌فرمایند:

«كَانَسَى أَنْظَرُ إِلَيْهِمْ وَالزُّيُّ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ، وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ،

وَاللَّبَاسُ وَاحِدًا كَأَنَّمَا يَطْلُبُونَ شَيْئًا ضَاعَ مِنْهُمْ. فَهُمْ مُتَحَيِّرُونَ

فِي أَمْرِهِمْ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ مِنْ تَحْتِ سِتَارِ الْكَعْبَةِ فِي آخِرِهَا،

رَجُلٌ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) خَلْقًا وَخُلُقًا وَحُسْنًا وَ

جَمَالًا، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟ فَيُجِيبُهُمْ وَيَقُولُ: أَنَا الْمَهْدِيُّ.

بَايَعُوا؛

گویا آنها را با چشم خود می‌بینم که همه یک رنگ و یک

قامت و یک قیافه و یک لباس هستند گویی همه یک چیز

گمشده را می‌طلبند. متحیرند و سرگردان تا این که ناگهان

مردی از آخر دیوار کعبه پیدا می‌شود که از زیر پرده کعبه

۱. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۹.

بیرون می آید و از نظر قیافه و شمایل و زیبایی و جمال شبیه ترین مردم به رسول خداست. می گویند: آیا تو مهدی هستی؟ می گوید: آری من مهدی هستم. با من بیعت کنید»^۱.

امام باقر(ع) می فرماید:

«يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَنِيفُ رَجُلٍ، عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ. فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛

سیصد و اندی نفر، به تعداد اهل بدر [۳۱۳] در میان رکن و مقام با قائم(ع) بیعت می کنند، که نجبای مصر و ابدال شام و نیکان عراق در میان آنها هستند»^۲.

امیر مؤمنان(ع) ضمن یک حدیث طولانی در ذکر مواد بیعت یاران حضرت مهدی(عج) نیز چنین فرمودند:

«يُبَايِعُونَ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسُبُّوا مُسْلِمًا، وَلَا يَقْتُلُوا مُحْرِمًا، وَلَا يَهْتِكُوا حَرِيمًا مُحْرَمًا، وَلَا يَهْجُمُوا مَنْزِلًا، وَلَا يَضْرِبُوا أَحَدًا إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا يَكْتُمُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا وَلَا شَعِيرًا، وَلَا يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيمِ، وَلَا يَشْهَدُوا بِمَا لَا يَعْلَمُونَ،

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴. ابدال نیکانی هستند که هرگز زمین از وجود آنها خالی نیست و اگر یکی بمیرد خداوند برای او جایگزینی قرار می دهد.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

وَلَا يُخْرِبُوا مَسْجِدًا، وَلَا يَشْرَبُوا مُسْكِرًا، وَلَا يَلْبَسُوا الْخَزَّ وَلَا
الْحَرِيرَ، وَلَا يَتَمَنَّقُوا بِالذَّهَبِ، وَلَا يَقَطُّعُوا طَرِيقًا، وَلَا يُخِيفُوا
سَبِيلًا، وَلَا يَفْسُقُوا بِغُلَامٍ، وَلَا يَخْبِسُوا طَعَامًا مِنْ بُرٍّ وَلَا شَعِيرٍ.
وَيَرْضَوْنَ بِالْقَلِيلِ وَيَشْتَمُونَ عَلَى الطَّيِّبِ، وَيَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ،
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَلْبَسُونَ الْخَشِينَ
مِنَ الثِّيَابِ، وَيَتَوَسَّدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ، وَيُجَاهِدُونَ فِي
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ... وَيَشْتَرِطُ عَلَى نَفْسِهِ لَهُمْ: أَنْ يَمْشِيَ حَيْثُ
يَمْشُونَ، وَيَلْبَسَ كَمَا يَلْبَسُونَ، وَيَرْكَبَ كَمَا يَرْكَبُونَ، وَيَكُونَ
مِنْ حَيْثُ يُرِيدُونَ، وَيَرْضَى بِالْقَلِيلِ، وَيَمْلَأَ الْأَرْضَ بِعَوْنِ اللَّهِ
عَدْلًا كَمَا مَلِثَتْ جُورًا، يَعْبُدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَلَا يَأْخُذَ حَاجِبًا وَ
لَا بَوَابًا؛

«... با او بیعت می‌کنند که هرگز:

دزدی نکنند،

زنا نکنند،

مسلمانی را دشنام ندهند،

خون کسی را به ناحق نریزند،

به آبروی کسی لطمه نزنند،

به خانه کسی هجوم نبرند،

کسی را به ناحق نزنند،

طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند،

چهل حدیث

مال یتیم را نخورند،
در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند،
مسجدی را خراب نکنند،
مشروب نخورند،
حریر و خز نپوشند،
در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند،
راه را بر کسی نبندند،
راه را ناامن نکنند،
گرد همجنس بازی نگرایند،
خوراکی را، از گندم و جو، انبار نکنند،
به کم قناعت کنند،
طرفدار پاکی باشند،
از پلیدی گریزان باشند،
به نیکی فرمان دهند،
از زشتی‌ها باز دارند،
جامه‌های خشن بپوشند،
خاک را متکای خود سازند،
در راه خدا حقّ جهاد را ادا کنند،
و...

او نیز در حقّ خود تعهد می‌کند که:

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

از راه آنها برود،
جامه‌ای مثل جامه آنها پوشد،
مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود،
آنچنان که آنها می‌خواهند باشد،
به کم راضی و قانع شود،
زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آن چنان که پر
از ستم شده است،
خدا را آن چنان که شایسته است پرستد،
برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند،
و...»^۱

ایمان و توبه، پس از ظهور

امیرمؤمنان(ع) در ذیل آیه شریفه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ؛ روزی که برخی از آیات پروردگارت بیاید، به کسی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش خیری کسب نکرده، ایمان آوردن دیگر سودی نمی‌بخشد، بگو شما منتظر باشید که ما نیز منتظریم.»^۲ یاد

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۶۹.

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۸.

شده می فرمایند:

«فَعِنْدَ ذَلِكَ تُرْفَعُ التَّوْبَةُ، فَلَا تَوْبَةَ تُقْبَلُ، وَلَا عَمَلَ يُرْفَعُ، وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ؛

در آن هنگام توبه برداشته می شود، دیگر توبه ای پذیرفته نخواهد شد و عملی بالا نمی رود. کسی که پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمان آوردنش او را سودی نخواهد داشت»^۱.

علامه، ابوالموهّب، عبدالوہاب بن احمد بن علی شافعی شاذلی، مشهور به «شعرانی» متولد ۸۹۸ ق. و متوفای ۹۷۳ ق. در کتاب ارزشمند «الیواقیت و الجواهر» آورده است که:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا، فَإِذَا طَلَعَتْ وَرَاءَهَا النَّاسُ آمَنُوا أَجْمَعُونَ، حِينَ: (لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ)»^۲؛

قیامت بر پا نمی شود جز هنگامی که خورشید از مغرب طلوع کند، در آن هنگام همه ایمان آورند، ولی دیگر دیر شده، آن هنگام ایمان آوردن سودی ندارد برای کسی که

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۰.

۲. سورة انعام، آیه ۱۵۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

پیش از آن ایمان نیاورده است»^۱.

و در احادیث فراوانی تأکید شده که بعد از قیام جهانی حضرت مهدی (ع) دیگر ایمان آوردن سودی ندارد؛^۲ و از امام علی (ع) روایت شده که «مهدی همان خورشیدی است که از مغرب طلوع می‌کند»^۳.

امام رضا (ع) هم در این باره فرمودند:

«أُنزِلَتْ «وَلَهُ أَسْلَمٌ...» فِي حَقِّ الْقَائِمِ إِذَا خَرَجَ فِي أَهْلِ الرُّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ. فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ. قَالَ: جُعِلَتْ فِدَاكَ. إِنَّ الْخَلْقَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ قَلَّ الْكَثِيرَ وَ كَثَرَ الْقَلِيلَ؛

ابوبکیر می‌گوید: حضرت رضا (ع) فرمودند: آیه «وَلَهُ أَسْلَمٌ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً» درباره حضرت مهدی (ع) نازل شده که چون ظهور کند به کافران و مرتدشدگان در سراسر جهان، اسلام را عرضه می‌کند.

۱. الیواقیت و الجواهر، ج ۲ ص ۱۳۰.

۲. کمال الدین، ج ۱ صص ۱۸، ۲۰ و ۳۳۶ و ج ۲ ص ۲۵۷.

۳. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۰۷.

هر کس که از روی میل و رغبت اسلام را پذیرفت او را به نماز و زکات و سایر واجبات اسلام موظف می گردانند و اگر کسی اسلام را نپذیرفت گردنش را می زند تا در سراسر گیتی جز موحدان باقی نماند.

می گوید: عرض کردم جانم به فدایت، تعداد کافران و غیر موحدان خیلی زیادتر از این است. فرمود: چون خداوند اراده کند زیاد را کم و کم را زیاد می کند.^۱

همچنین امام صادق (ع) فرمودند:

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ
وَدَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛

چون قائم ظاهر شود برخی از آنانکه ظاهراً تا آن روز از تابعان آن حضرت محسوب می شوند از فرمان او خارج شده و امثال ماه پرستان و خورشید پرستان به آن حضرت گرایش پیدا می کنند.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴. مراد آن است که کسانی که به دنبال حقیقت هستند ولی امروز از باب اشتباه در مصداق اجرام آسمانی را می پرستند وقتی که خورشید حقیقت ظاهر می شود قطعاً به آن روی می آورند و دلیلی برای انکار آنها وجود ندارد و کسانی که امروز در پی تأمین خواسته های خود هستند و

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

حوادث پس از بیعت

مفضل بن عمر می‌گوید: در خدمت امام صادق (ع) از حضرت قائم (ع) و اصحاب ما که در انتظار ایشان از دنیا رفته‌اند، سخن به میان آوردیم، ایشان به ما فرمودند:

«إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنَ فِي قَبْرِهِ فَيُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا، إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ. فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ. وَإِنْ تَشَأْ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ!»

وقتی (قائم (ع)) ظهور فرمایند، به سراغ مؤمن در قبرش می‌آیند. پس به او گفته می‌شود: ای فلانی، مولایت ظهور کرده است. پس اگر می‌خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو. و اگر می‌خواهی که در عزت و احترامی که پروردگارت برای تو مهیا فرموده بمانی، بمان.»

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«بَعْدَ أَنْ تُعَقَّدَ لَهُ الْبَيْعَةُ بِمَكَّةَ، يَسِيرُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَأْتِيَ الْكُوفَةَ، فَيَنْزِلُ نَجْفَهَا عَلَى قُرْبٍ مِنْهَا. ثُمَّ يُفَرِّقُ الْجُنْدَ فِي الْأَمْصَارِ؛

طرفداری از امام زمان (ع) مشکلی برای آنها ایجاد نمی‌کند به ظاهر هواداری می‌کنند. [ولی خوش بود گر محک تجربه آید به میان - تا سسیه روی شود هر که در او غش باشد].

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۴۳، ح ۱۲۱۸. به نقل از کتاب الغیبه شیخ طوسی.

پس از آنکه در مکه مراسم بیعت انجام گرفت، [فائم(ع)] از مکه حرکت می کند تا به کوفه می آید و در نزدیکی کوفه در نجف منزل می گزیند، آنگاه سپاهیان را در شهرها پراکنده می سازد.^۱

امام صادق(ع) حوادث پس از بیعت را این گونه شرح می دهند:

«إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُوراً غَضْبَانَ أَسِيفاً لِقَضَبِ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَعِمَامَةٌ السُّحَابُ وَدِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ السَّابِغَةِ وَسَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ذُو الْفِقَارِ يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرَجاً»

حضرت مهدی(ع) (دست انتقام الهی) به واسطه خشم خدا بر بندگانش خشمگین و غضبناک ظهور می کند و پیراهنی را که رسول خدا(ص) در جنگ احد بر تن کرده بود می پوشد و عمامه سحاب را بر سر می گذارد. زره پیامبر(ص) را که فراخ است می پوشد و شمشیر دودم حضرت رسول(ص) را در دست می گیرد. شمشیر را برهنه کرده بر دوش می گذارد و ۸ ماه دشمنان خدا را

۱. المهدی، ص ۱۹۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

بی پروا می‌کشد»^۱.

سپس امام صادق (ع) فرمودند:

«يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ وَ هُوَ قَوْلُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اللَّهُ لَوَدَّتْ قُرَيْشٌ أَنَّ لِي عِنْدَهَا مَوْقِفًا جَزَرَ جَزُورٍ بِكُلِّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ!!!»

وارد مدینه می‌شود و قریش از او پنهان می‌شود، و این است معنی سخن امیرالمؤمنین (ع) که فرمودند: به خدا سوگند قریش آرزو می‌کند که همه آنچه خورشید بر آن طلوع می‌کند و از آن غروب می‌کند مال قریش باشد و آن را بدهد تا به مدت نحر یک شتر، من در کنار آنها باشم!!!^۲.

پیشوای ششم شیعیان (ع) می‌فرمایند:

«ثُمَّ يُحَدِّثُ حَدَثًا... فَإِذَا فَعَلَ قَالَتْ قُرَيْشٌ: أَخْرَجُوا بِنَا إِلَى هَذَا الطَّاغِيَةِ فَوَاللَّهِ لَوْ كَانَ مُحَمَّدِيًّا مَا فَعَلْنَا. وَلَوْ كَانَ عَلَوِيًّا مَا فَعَلْنَا! وَ لَوْ كَانَ فَاطِمِيًّا مَا فَعَلْنَا. فَيَمْنَحُهُ اللَّهُ أَكْتَاْفَهُمْ فَيَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ وَ يَسْبِي الذَّرِيَّةَ!»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

... آنگاه حادثه‌ای پدید می‌آورد که قریش می‌گوید: ما را به نزد این افراط‌گر ببرید که اگر از تبار محمد (ص) بود چنین نمی‌کرد! و اگر از نسل علی (ع) بود چنین نمی‌کرد! و اگر از اولاد فاطمه (س) بود این چنین نمی‌کرد! خداوند او را بر گرده آنها مسلط می‌سازد، جنگ‌جوه‌های آنها را می‌کشد و خردسالان آنها را اسیر می‌گیرد»^۱.

امام باقر (ع) فرمودند:

«لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ لَأَحَبَّ أَكْثَرَهُمْ أَنْ لَا يَرَاهُ مِمَّا يَقْتُلُ النَّاسَ. أَمَا إِنَّهُ لَيَبْدَأُ بِقُرَيْشٍ. فَلَا يَأْخُذُ مِنْهُ إِلَّا السَّيْفَ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: مَا هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ»

اگر مردم می‌دانستند که مهدی هنگام ظهور چه خواهد کرد اکثراً دوست داشتند که او را ملاقات نکنند و آن کشتار را نبینند. او از قریش آغاز می‌کند و بین او و آنها جز شمشیر داد و ستد نمی‌شود. بسیاری از مردم می‌گویند: این شخص از آل محمد نیست زیرا اگر از آن

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۲۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

خاندان بود رحم داشت»^۱.

امام باقر (ع) درباره ورود حضرت مهدی (ع) به مدینه می‌فرماید:

«يَقُولُ فِي الْمَدِينَةِ مُخَاطِباً جَدَّهُ (ص): يَا جَدَّاهُ، وَصَفْتَنِي وَ دَلَلْتَ عَلَيَّ، وَ نَسَبْتَنِي وَ سَمَّيْتَنِي وَ كَنَيْتَنِي، فَجَحَدْتَنِي الْأُمَّةَ وَ قَالَتْ: مَا وُلِدَ، وَ لَا كَانَ، وَ أَيْنَ هُوَ؟ وَ مَتَى كَانَ؟ وَ أَيْنَ يَكُونُ؟ وَ قَدْ مَاتَ وَ لَمْ يُعَقَّبْ (أَي أَبَوْه) وَ لَوْ كَانَ صَاحِباً مَا أَخَّرَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذَا الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، فَصَبَرْتُ مُخْتَسِباً، وَ قَدْ أَدِنَ اللَّهُ لِي فِيهَا بِإِذْنِهِ؛

در مدینه منوره (در کنار ضریح مقدس پیامبر اکرم (ص)) خطاب به جد بزرگوارش عرضه می‌دارد: ای جد بزرگوار! مرا با نام و نشان معرفی کردی، اسم و کنیه‌ام را بیان فرمودی، همه را به سوی من رهنمون شدی، ولی امت، مرا انکار کرد و گفت: متولد نشده، وجود نداشته، کجاست؟، کی و کجا بوده؟، پدرش در گذشته و فرزندی نداشته!، و اگر صحت داشت تاکنون دیر نمی‌کرد!، من هر برابر همه اینها صبر کردم و شکیبایی نمودم و اینک

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۴.

خداوند به من اذن داده است»^۱.

امام باقر(ع) در ادامه شرح حوادث فرمودند:

«وَيَبْعَثُ الشُّفِيَانِيَّ بَعَثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَفِرُّ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ. فَيُبَلِّغُ أَمِيرَ الْجَيْشِ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ يَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفِيَانِيَّ الْبَيْدَاءَ. فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ. فَيُخَسِفُ بِهِمْ فَلَا يَقْلِبُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةً نَقَرَ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَى أَقْفِيَّتِهِمْ؛

سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می فرستد. پس مهدی از آنجا به سمت مکه می گریزد. به فرمانده لشکر سفیانی خبر می دهند که مهدی به سوی مکه خارج شده است، پس لشکری را به تعقیب آن حضرت می فرستد ولی او را نمی یابند تا اینکه مانند موسی ترسان و نگران وارد مکه می شود و فرمانده لشکر سفیانی به سرزمین بیداء می رسد. پس منادی از آسمان ندا می کند که: ای بیداء بگیر این قوم را و نابودشان کن. پس زمین آنها را به کام خود فرو می برد و فقط سه نفر زنده می ماند که صورت هایشان به

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲.

عقب برگشته است»^۱.

امام صادق(ع) در مورد پایان کار سفیانی فرمودند:

«تَقَعُ حَرْبٌ عَظِيمَةٌ، يَفْنَى بِهَا جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ إِلَّا شِرْذِمَةً يَهْرَبُ
هُوَ مَعَهَا، فَيَلْحَقُهُ قَائِدٌ مِنْ قَوَادِمِ الْمَهْدِيِّ اسْمُهُ صِيَّاحٌ فَيَأْسِرُهُ وَ
يَأْتِي بِهِ إِلَى الْمَهْدِيِّ فِي صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ. فَيَسْتَشِيرُ الْمَهْدِيُّ
أَصْحَابَهُ بِشَأْنِهِ فَيَرَوْنَ قَتْلَهُ، ثُمَّ يَقُودُونَهُ إِلَى ظِلِّ شَجَرَةٍ مُدَلَّاةٍ
الْأَغْصَانِ، وَ يُذْبِحُ كَمَا تُذْبِحُ الشَّاةُ؛

جنگ سختی روی می دهد که سپاه سفیانی در آن جنگ نابود می شود و فقط جمعیت اندکی می ماند که همراه او فرار می کنند. آنگاه یکی از فرماندهان مهدی(ع) به نام «صیاح» او را دنبال کرده، دستگیر می کند و به هنگام نماز عشاء به پیشگاه حضرت مهدی(ع) می آورد. مهدی(ع) از یارانش در حق او نظرخواهی می کند. به کشتن او نظر می دهند. او را به زیر درخت پرباری برده، چون گوسفند سر می برند»^۲.

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. الزام الناصب، ص ۲۰۱.

بخش چهارم

قیام

بخش چهارم

قیام

در این بخش به موضوع قیام حضرت مهدی (ع) می پردازیم. در حقیقت قیام امام سرآغاز تحولات عظیمی است که تمام اجزای عالم را شامل می شود. این تحولات همگی رو به سوی کمال دارند و همه مخلوقات مشتاق و طالب آن هستند. به عبارت دیگر می توان گفت که انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) با قیام پرشور و بی وصف ایشان شروع می شود و از این منزل است که برکاتشان به اذن پروردگار همه جهان را فرامی گیرد. زیبایی لحظات پرشور قیام در انتقام خون تمام مظلومان عالم و در رأس آنها حضرت سیدالشهداء (ع) رخ می نماید. با هم می خوانیم. پیش بینی های خاندان رحمت را در این باره.

امید که چشمانمان نظاره گر ظهور و قیام حضرتش باشد.

ان شاء الله.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ» چنین می‌فرمایند:

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»: فَهُوَ خُرُوجُ الْقَائِمِ، [إِمَّا الْعَذَابُ وَ إِمَّا السَّاعَةَ]: وَ هُوَ السَّاعَةُ، [فَسَيَعْلَمُونَ]: ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَ مَا نَزَلَ بِهِمْ عَلَىٰ يَدِ قَائِمِهِ، [مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا]: يَعْنِي عِنْدَ الْقَائِمِ، [وَ أضعفُ جُنْدًا. وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى]: يَزِيدُهُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ هُدًى عَلَىٰ هُدًى بِاتِّبَاعِهِمُ الْقَائِمَ حَيْثُ لَا يَجْحَدُونَهُ وَ لَا يَنْكُرُونَهُ؛

[هنگامی که ببینید آنچه را که وعده داده می‌شوند] یعنی: ظهور قائم (عج) [یا عذاب یا قیامت را] که منظور از قیامت، همان قائم است. [پس به زودی می‌فهمند] یعنی: در آن روز و در اثر آنچه از قائم می‌بینند می‌فهمند که «چه کسی» در پیشگاه قائم [از جهت رتبه و مقام پست‌تر و از نظر قدرت نظامی زبون‌تر است؟!]. خداوند کسانی را که هدایت یافتند بر هدایتشان می‌افزاید، یعنی: در آن روز بر هدایت آنها می‌افزاید، زیرا آنها از قائم (عج) پیروی کرده، هرگز او را انکار نکرده، لب به تکذیب نگشوده‌اند».^۲

۱. سوره مریم، آیات ۷۵ و ۷۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۱.

امام هشتم (ع) می فرمایند:

«يُطَهَّرُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ . وَ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ يَذَلُّ كُلُّ صَعْبٍ؛

خداوند به دست او زمین را از لوث کافران و منکران پاک می کند. زمین زیر پایش می پیچد و هر کار سخت و دشواری برای او آسان می شود».^۱

امام کاظم (ع) در تفسیر آیه شریفه: «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ

الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ».^۲ فرمودند:

«يَوْمَ تُفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ، وَ لَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقَرُّبُ بِالْإِيْمَانِ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُؤْمِنًا. وَ أَمَا مَنْ كَانَ قَبْلَ الْفَتْحِ مُؤْمِنًا وَ مُنْتَظِرًا لِخُرُوجِهِ فَذَلِكَ الَّذِي يَنْفَعُهُ إِيْمَانُهُ، وَ يُعَظِّمُ اللهُ عِزَّهُ وَ جَلَّ عِنْدَهُ قَدْرَهُ وَ شَأْنَهُ! وَ هَذَا أَجْرُ الْمُؤْمِنِينَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ... ثُمَّ لَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللهِ حَتَّى يَرْضَى اللهُ، وَ يَعْلَمَ رِضَى اللهُ تَعَالَى عَنْهُ فِي ذَلِكَ حِينَ يُحَسُّ الرَّحْمَةَ بِقَلْبِهِ؛

روزی که دنیا به دست قائم (عج) فتح شود، دیگر ایمان آوردن برای کسی که قبلاً ایمان نداشته سودی

۱. الزام الناصب، ص ۶۸.

۲. سوره سجده، آیه ۲۹، یعنی: «بگو، روز فتح، کافران را ایمان آوردنشان سودی نمی بخشد و به آنها مهلت داده نمی شود».

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

نبخشید. اما کسی که پیش از فتح، ایمان آورده، انتظار ظهور او را می‌کشید، ایمانش او را سود خواهد بخشید، و خداوند مقام و منزلت او را بالا خواهد برد. و این پاداش دوستداران اهل بیت است. سپس آنقدر از دشمنان خدا می‌کشد تا خداوند راضی شود. آن وقت در دل خود احساس مرحمت می‌کند و از آنجا می‌فهمد که پروردگارش راضی شده است.^۱

امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً، وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» فرمودند: «لَمْ يَجِيءْ تَأْوِيلُهَا فَإِذَا جَاءَ تَأْوِيلُهَا يُقْتَلُ الْمُشْرِكُونَ حَتَّى يُوحَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَ لَا يَكُونُ شِرْكٌ. ذَلِكَ فِي قِيَامِ قَائِمِنَا، إِنَّهُ يَقْتُلُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ؛

هنوز تأویل آن نرسیده است، هنگامی که تأویل آن بیاید مشرکان کشته می‌شوند تا به توحید بگرایند، دیگر از شرک اثری نمی‌ماند. و آن به هنگام قیام قائم ماست که کافران و منافقان را ریشه کن می‌سازد.^۲

۱. منتخب‌الاثار، ص ۴۷۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۴۵، ۳۷۸.

امام باقر(ع) فرمودند:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَ
يَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: يَا
أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا أَوْلَى بِآدَمَ. أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، أَنَا أَوْلَى
بِإِسْمَاعِيلَ، أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ... وَ يَدْعُو وَ يَتَضَرَّعُ؛

وقتی که قائم قیام کند داخل مسجد الحرام می شود.
پس رو به قبله ایستاده و پشت به مقام می کند و دو
رکعت نماز می گزارد و سپس می ایستد و می فرماید: ای
مردم، من از همه شما به آدم(ع) نزدیک ترم. من از همه
شما به ابراهیم نزدیک ترم. من از همه شما به اسماعیل
نزدیک ترم. من از همه شما به محمد(ص) نزدیک ترم و
سپس دعا می خواند و تضرع می کند»^۱.

امام باقر(ع) در حدیث دیگری فرمودند:

«ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حِينَ يَكُونُ فِي مِثْلِ الْحَلَقَةِ عَشْرَةَ آلَافٍ
رَجُلٍ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ يَهْزُ رَايَةَ
رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَيْهِ دِرْعُهُ وَ يَبْدِيهِ سَيْفُهُ ذُو الْفِقَارِ؛

سپس از مکه خارج می شود در حالی که یاران او که ده
هزار نفرند او را حلقه وار در میان گرفته اند. جبرئیل از

۱. الزام الناصب، ص ۲۶.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

سمت راست و میکائیل از سمت چپ او قرار دارد. سپس پرچم رسول خدا را به اهتزاز در می‌آورد در حالی که زره آن حضرت را به تن و شمشیر ذوالفقار آن حضرت در دست اوست»^۱.

امیر مؤمنان (ع) در مورد جنگ‌های حضرت ولی عصر (عج) پس از ظهور می‌فرمایند:

«بَعْدَ أَنْ يَخْرُجَ، يَخْرُجُ إِلَيْهِ سَبْعُ رَايَاتٍ مِنَ الشَّامِ فَيَهْزِمُهُمْ؛
بعد از ظهور او، هفت پرچم از شامات به سوی او حرکت می‌کنند که همه را مغلوب کرده و شکست می‌دهد»^۲.

امام جعفر صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۳ می‌فرمایند:

«هُوَ أَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا نَسْتَعْجِلَ بِهِ. يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ، وَبِالْمُؤْمِنِينَ، وَبِالرُّعْبِ؛

آن امر ماست که خدای تبارک و تعالی امر فرموده در آن شتاب نکنیم. خدایش او را با سه سپاه تأیید می‌کند: ۱-

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

۳. سوره نحل، آیه ۱.

فرشتگان ۲ - مؤمنان ۳ - رعب»^۱.

امام باقر(ع) هم در این باره می‌فرماید:

«الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛

قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری شده، و با نصرت الهی تأیید شده است. زمین زیر پایش پیچیده می‌شود و گنج‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و دولت او به شرق و غرب جهان می‌رسد»^۲.

همان طور که از امام سجّاد(ع) چنین گزارش شده:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَامَّةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ مَكَارِمَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا...؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما بر می‌دارد، و قلب‌های آنان را مانند پاره‌های آهن قرار می‌دهد و نیروی یک مرد را مساوی با چهل نفر قرار می‌دهد و این‌ها حاکمان روی زمین هستند...»^۳.

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۰۴.

۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه سازان آن

امام صادق (ع) در مورد شجاعت و دلیری یاران حضرت
ولی عصر (عج) می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ يَنْزِعُ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِهِ، وَ يُسَكِّنُهُ فِي قُلُوبِ
أَعْدَائِهِ! إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَ ظَهَرَ مَهْدِينَا كَانَ الرَّجُلُ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ
وَ أَجْرًا مِنْ لَيْثٍ، يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ
بِقَدَمِهِ!»

خداوند ترس را از دل شیعیان او بیرون می برد و در دل
دشمنانش جای می دهد. هنگامی که قائم ما قیام کند و
مهدی ما (عج) ظهور کند، یک مرد - مؤمن - از نیزه
کاری تر و از شیر دلیرتر می شود، که با نیزه اش دشمن
را از پای در می آورد، با شمشیرش می کشد و با پایش
لگدمال می کند.^۱

امام صادق (ع) درباره توانایی های حضرت مهدی (ع)
فرمودند:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ
رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ. فَقِيلَ لَهُ: كَيْفَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ
الْعِيدَانَ وَ الْخُشْبَ الْمَنْحُوتَةَ. وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ، وَ يَخْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ، وَ يُقَاتِلُهُ عَلَيْهِ. أَمَا وَ اللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُءُ!

هنگامی که قائم ما قیام کند، آنچه از مردم نادان می بیند، به مراتب بیش از چیز است که پیامبر اکرم (ص) از مردم زمان جاهلیت دید! گفتند: چگونه می شود؟! فرمودند: هنگامی که رسول اکرم (ص) مبعوث شد، مردم سنگها، صخرهها، چوبها و تختههای تراشیده شده را می پرستیدند، ولی قائم ما هنگامی که ظهور می کند که، همه مردم کتاب خدا را تأویل می کنند و بر آن استدلال می کنند و بر اساس آن با آن حضرت به نبرد برمی خیزند، به خدا سوگند که عدالت او در داخل خانه هایشان به آنها می رسد، چنان که سرما و گرما به آنها می رسد.»^۱

امام باقر (ع) درباره یکی از ویژگی های قیام حضرت مهدی (ع) می فرماید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْنِ وَالْمَنْ وَ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ وَ لَا يَسْتَيْبُ أَحَدًا... بِذَلِكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ. وَيَلِّ لِمَنْ نَاوَاهُ؛

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۵۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

رسول اکرم (ص) در میان امتش به نرمش و ملاطفت مأمور بود، و با محبت و مودت در میان آنها الفت ایجاد می‌کرد، ولی قائم (با زورمداران) با منطق شمشیر سخن می‌گوید و از آنها مطالبه توبه نمی‌کند... او در کتابی که نزد اوست به چنین شیوه‌ای مأمور است. بدا به حال کسی که با او سر ستیز داشته باشد»^۱.

امیر مؤمنان (ع) در مورد فرق جنگ‌های خود با جنگ‌های حضرت بقیة الله (عج) می‌فرمایند:

«كَانَ لِي أَنْ أَقْتَلَ الْمُؤَلَّى، وَأُجْهَزَ عَلَيَّ الْجَرِيحُ. وَ لَكِنْ تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَةِ مِنْ أَصْحَابِي إِنْ جُرْحُوا لَمْ يُقْتَلُوا. وَالْقَائِمُ لَهُ أَنْ يُقْتَلَ الْمُؤَلَّى وَ يُجْهَزَ عَلَيَّ الْجَرِيحُ؛

من حق داشتم که فراری را دنبال کنم و زخمی را بکشم، ولی من این کار را به جهت رعایت حال یارانم انجام ندادم تا زخمی‌های آنها کشته نشوند، اما قائم (ع) این حق را دارد که فراری و زخمی را بکشد»^۲.

پیشوای پنجم شیعیان در تأویل آیه شریفه: «وَقُلْ جَاءَ

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۱۸ - ۳۵۳.

الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ»^۱ چنین فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛

هنگامی که قائم (عج) قیام کند، دولت باطل نابود می شود».^۲

امام صادق (ع) درباره ویژگی دشمنان حضرت مهدی (ع)

فرمودند:

«أَعْدَاؤُهُ مُقَلِّدَةُ الْفُقَهَاءِ، أَهْلُ الْأِجْتِهَادِ، لِمَا يَرَوْنَهُ يَحْكُمُ بِخِلَافِ

مَا ذَهَبَ إِلَيْهِ أَيْمَانُهُمْ. وَ لَوْ لَا أَنَّ السَّيْفَ بِيَدِهِ لَأَفْتَى الْفُقَهَاءَ بِقَتْلِهِ.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُظْهِرُهُ بِالسَّيْفِ وَ الْكُرْمِ فَيُطِيعُونَهُ، وَ يَخَافُونَ فَيَتَقَبَّلُونَ

حُكْمَهُ مِنْ غَيْرِ إِيْمَانٍ، بَلْ يَضْمِرُونَ خِلَافَهُ.. إِذَا خَرَجَ فَلَيْسَ لَهُ

عَدُوٌّ مُبِينٌ إِلَّا الْفُقَهَاءُ خَاصَّةً. هُوَ وَ السَّيْفُ أَخْوَانٌ؛

دشمنان او عبارتند از: مقلدان از فقها و مجتهدان، که

می بینند او بر خلاف فتوای امامشان داوری می کند،

و اگر شمشیر در دست او نبود، فقها به قتل او فرمان

می دادند!! ولی چون با شمشیر برنده و دست بخشنده

ظهور می کند، از روی ترس و طمع از او اطاعت می کنند

۱. یعنی: بگو حق آمد و باطل نابود شد، به راستی که باطل نابود شدنی است.

(سوره اسراء، آیه ۸۱)

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۱.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

و بدون اینکه در دل باور کنند، حکم او را می‌پذیرند و خلاف آن را در دل پنهان می‌کنند! هنگامی که او خارج شود دشمن شناخته شده‌ای به جز فقها ندارد! ولی او و شمشیر برادرند!^۱

امیرمؤمنان (ع) طبق شیوه دایمی‌شان با قاطعیتی هر چه تمام‌تر از فتوحات حضرت بقیةالله (عج) سخن می‌گویند:

«لَا بَنِينَ بِمِصْرَ مَنِيرًا، وَلَا تَقْضَنَ دِمَشْقَ حَجْرًا حَجْرًا، وَلَا تُخْرِجَنَّ الْيَهُودَ مِنْ كُلِّ كُورِ الْعَرَبِ وَلَا تُسَوِّقَنَّ الْعَرَبَ بِعَصَائِ هَذِهِ يَفْعَلُهُ رَجُلٌ مِنِّي!»

برای مصر منبری می‌سازم، دمشق را سنگ به سنگ ویران می‌کنم و یهود را از همه سرزمین‌های عربی بیرون می‌نمایم و جامعه عرب را با این عصایم می‌رانم. همه اینها را مردی از تبار من انجام می‌دهد.^۲

امام صادق (ع) هم در این باره می‌فرمایند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أُسَاسِهِ، وَ حَوْلَ الْمَقَامِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ، وَ قَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَ

۱. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۰.

عَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَ كَتَبَ عَلَيْهَا: هُوَ لَاءِ سُرَّاقِ الْكَعْبَةِ؛
 چون قائم قیام کند، مسجد الحرام را خراب می کند، و
 به پایه اولی باز می گرداند. مقام ابراهیم را به محل سابق
 خود برمی گرداند و دست های بنی شیبه را قطع کرده،
 از در کعبه آویزان می کند و بر روی آن می نویسد: اینها
 دزدان کعبه هستند!»^۱

اینها نیز از مطالبی است که مسلمانان امروز طبق وضع
 فعلی شان تحمل نمی کنند.



همچنین امام صادق (ع)، در تفسیر آیه شریفه: «يُعْرِفُ
 الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ»^۲ فرمودند:
 «كَيْفَ يَخْتِاجُ الْجِبَّارُ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَاهُمْ وَ هُمْ
 خَلْقُهُ؟ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ السِّمِّيَاءَ، فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ ثُمَّ يُخَبِّطُ
 بِالسَّيْفِ خَبْطًا؛

خداوند تبارک و تعالی که مخلوقاتش را آفریده هرگز
 نیازی به شناخت آنها ندارد، هنگامی که قائم ما قیام کند
 خداوند به او علم قیافه شناسی عطا می کند، پس به او

۱. ارشاد مفید، ص ۳۴۳.

۲. سوره الرحمن، آیه ۴۱، یعنی: «تبهکاران با سیمای خود شناخته می شوند و
 از موی سر و پاهایشان گرفته می شوند».

ظهور و قیام امام مهدی(ع) و زمینه‌سازان آن

دستور می‌دهد که با شمشیر گردن کافران را بزنند.^۱
در این حدیث به این موضوع تصریح شده که، به آن
حضرت علم قیافه‌شناسی داده شده و ایشان تبه‌کاران را با
سیما می‌شناسند و نیازی به بیّنه و شاهد ندارند.

امیرمؤمنان(ع) در حدیث دیگری می‌فرمایند:

«رَأَيْتَهُ مِرْطٌ مُخْمَلَةٌ سَوْدَاءٍ، مُرْبَعَةٌ فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مِنْذُ تُوْفِي
رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَلَا تُنْشَرُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ. يُعِدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ
آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَضْرِبُونَ وُجُوهُ أَعْدَائِهِ وَ أَدْبَارَهُمْ؛

پرچم او مخمل مشکی چهارگوش گرک‌داری است
که درازی آن کمی بیش از پهنای آنست. از روزی که
رسول اکرم(ص) وفات کرده، این پرچم باز نشده و باز
نخواهد شد تا روزی که مهدی ظهور کند. خدایش او
را با سه هزار فرشته یاری می‌کند که به سر و صورت
دشمنانش می‌زنند.^۲

امام صادق(ع) در این حدیث، فرازی از آیه شریفه «يَفْرَحُ

۱. اختصاص مفید، ص ۳۰۴.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.

الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِ اللَّهِ»^۱ را در ضمن حدیث آورده و این آیه را به فرح و سرور مؤمنان به هنگام فرج حضرت بقیة الله (عج) تفسیر نموده است.

«رَأَيْتُهُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا هِيَ مِنْ قُطْنٍ وَلَا كَتَانٍ وَلَا خَزٍّ وَلَا حَرِيرٍ... هِيَ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ، نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيٍّ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَهُ حَتَّى كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ، فَنَشَرَهَا فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ لَفَّهَا، وَهِيَ عِنْدَنَا لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ (ع) فَإِذَا قَامَ نَشَرَهَا فَلَمْ يَبْقَ فِي الْمَشْرِقِ أَوْ فِي الْمَغْرِبِ أَحَدٌ إِلَّا لَعَنَهَا!»

پرچم او پرچم رسول اکرم (ص) است که از پنبه، کتان، خز، ابریشم و امثال آنها نیست، بلکه از برگ‌های بهشتی است، پیامبر اکرم (ص) آن را در روز بدر برافراشت و سپس در هم پیچید و به امیرمؤمنان (ع) تسلیم کرد. آن پرچم هم اکنون در نزد ماست، کسی از ما آن را باز نمی‌کند تا قائم (عج) قیام کند، چون قیام کرد آن را باز می‌کند، در مشرق و مغرب کسی نمی‌ماند جز اینکه آن [به پرچم او] را لعنت می‌کند!!^۲

۱. سوره روم، آیات ۳ و ۴.

۲. غیبت نعمانی، صص ۱۵۵ و ۱۶۵.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

نزدیک به همین مضمون از امام باقر (ع) و امام صادق (ع)

نیز روایت شده است:

«يُنشَرُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ السَّوْدَاءُ، فَيَسِيرُ الرَّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْرًا، وَ
عَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا، وَ عَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا. وَ يَكُونُ عَلَيْهِ قَمِيصٌ
رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي كَانَ يَرْتَدِيهِ فِي أَحَدِ، وَ دِرْعُهُ السَّابِغَةُ. وَ عَلَى
رَأْسِهِ عِمَامَةٌ رَسُولِ اللَّهِ (ص) السَّحَابُ، وَ يَبِيْدُهُ سَيْفُهُ ذُو الْفِقَارِ،
يَجْرُدُهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ؛

پرچم سیاه رسول اکرم (ص) را به اهتزاز در می‌آورد،
از جلو، راست و چپ مسافت یک ماه را رعب آن
فرامی‌گیرد. پیراهنی را که رسول اکرم (ص) در احد
پوشیده بود به تن می‌کند، زره بزرگ و فراخ پیغمبر
گرامی (ص) را می‌پوشد و عمامه سحاب آن حضرت را
به سر می‌گذارد و ذوالفقار را به دست می‌گیرد و هشت
ماه آن را بدون غلاف در دست نگه می‌دارد»^۱.

امام حسن عسکری (ع) نیز می‌فرمایند:

«كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ
الْكُوفَةِ؛

گویا پرچم‌های سفیدی را با چشمان خود می‌بینم که بالای

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۹۹.

سر او در بلندی کوفه (نجف) در حرکت و اهتزاز است.^۱

امام صادق (ع) درباره یاران حضرت مهدی (ع) هنگام
قیام فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (ع) نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ
وَاسْمُ أَبِيهِ؛

وقتی که قائم (ع) قیام کند شمشیرهایی از آسمان فرود
می آید که روی هر کدام اسم یک نفر و پدرش نوشته
شده است.»^۲

سپس امام صادق (ع) فرمودند:

«ثُمَّ يَظْهَرُ بِأَصْحَابِهِ، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الْحِجَازَ، وَ يُخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي
السُّجُونِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَ يَسِيرُ حَتَّى يَنْزِلُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ؛
آنگاه با یاران خود ظاهر می شود و خداوند حجاز را
برای او فتح می کند، و هر کس از بنی هاشم در زندان
باشد بیرون می آورد و حرکت می کند تا در بیت المقدس
فرود آید.»^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

۲. کتاب الغیبة، ص ۱۲۸.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

امام باقر (ع) درباره مسیر حرکت حضرت پس از قیام

فرمودند:

«إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ: أَلَا لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدٌ طَعَاماً وَلَا شَرَاباً. وَيُحْمِلُ مَعَهُ حَجْرُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ وَقَرَّبَعِيرٍ، فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلاً إِلَّا أَنْفَجَرَتْ مِنْهُ عُيُونٌ. فَمَنْ كَانَ جَائِعاً شَبِعَ وَ مَنْ كَانَ ظَامِئاً رَوَى. وَ رُوِيَ دَوَابُّهُمْ...»^۱

هنگامی که مهدی در مکه قیام کرد به قصد کوفه حرکت می‌کند. منادی ندا می‌دهد که هیچ کس با خود آب و خوراک بر ندارد. آنگاه سنگ حضرت موسی را بر شتری سوار می‌کنند و با خود می‌برند. در هر جا که منزل کنند از آن سنگ چشمه جاری می‌شود. هر کس که گرسنه باشد سیر و هر کس که تشنه باشد سیراب می‌گردد. چهارپایان نیز از آن چشمه‌ها می‌نوشند...»^۱

و نیز امام باقر (ع) فرمودند:

«وَيَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ، وَ يَنْزِلُ عَلَى سَرِيرِ النَّبِيِّ سُلَيْمَانَ (ع) وَ يَمِينِهِ عَصَا مُوسَى، وَ جَلِيسُهُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، مُتَّسِحاً بِبُرْدِ النَّبِيِّ، مُتَقَلِّداً بِذِي الْفِقَارِ، وَ وَجْهَهُ كَدَائِرَةِ الْقَمَرِ فِي لَيْالِي كَمَالِهِ، يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ ثَنَائِيهِ نُورٌ كَالْبَرْقِ السَّاطِعِ، عَلَى

۱. الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ص ۳۴۳.

رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ.

... به سوی کوفه عزیمت می کند و بر تخت سلیمان پیامبر (ع) می نشیند، عصای موسی (ع) را در دست می گیرد و روح الامین (جبرئیل) و حضرت عیسی بن مریم (ع) همنشین او هستند، بُرد پیامبر (ص) را به تن دارد و ذوالفقار را حمایل کرده، و صورتش چون قرص قمر در شب بدر می درخشد و از میان دندان های ثنایایش نوری چون برق ساطع می شود و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد»^۱.



در حدیث داریم، کسی که مردم را به سوی حضرت مهدی (ع) راهنمایی می کند جبرئیل است و اگر غیر او باشد، لابد از نشانه ها و علامت های مشخصه ای که در اخبار و احادیث مقرر شده، خواهد شناخت.

امام مهدی (ع) در توقیع شریفی که به دست یکی از نوّاب عالی قدرشان به افتخار یکی از شیعیان، از ناحیه مقدسه صادر شده می فرمایند:

«إِنَّهُ إِذَا فَقَدَ الصَّيْنِيَّ... فَأَخْرَجُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشَرَ. فَأَجِيءُ إِلَى الْكُوفَةِ فَأَهْدِمُ مَسْجِدَهَا وَأَبْنِيهِ عَلَى

۱. الزام الناصب، ص ۲۰۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

بِنَائِهِ الْأَوَّلِ. وَ أَهْدِمُ مَا حَوْلَهُ مِنْ بِنَاءِ الْجَبَابِرَةِ، وَ أَحُجُّ حِجَّةَ
الْإِسْلَامِ، وَ أَجِيءُ إِلَى يَثْرِبَ.. فَيُنَادِي مُنَادِي الْفِتْنَةِ مِنَ السَّمَاءِ:
يَا سَمَاءُ انبِذِي! يَا أَرْضُ خُذِي! فَيَوْمئِذٍ لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ
الْأَرْضِ إِلَّا مُؤْمِنٌ قَدْ أَخْلَصَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛

چون آن مرد چینی ناپدید شود... همراه ۳۱۳ تن از
یارانم در میان صفا و مروه خارج می‌شوم و به سوی
کوفه می‌روم. مسجد کوفه را درهم می‌کوبم و بر اساس
پایه‌های اولی بنیان می‌کنم و ساختمان‌هایی که در اطراف
آن از آن ستمگران هست، ویران می‌کنم. در موسم حج
شرکت کرده، حَجَّةُ الْإِسْلَام را به جای می‌آورم و به مدینه
می‌روم. منادی فتنه در آسمان ندا می‌کند: ای آسمان فرو
ریز، ای زمین فرو بپرا! آن روز در روی زمین به جز
مؤمنی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده است،
کسی نمی‌ماند.»^۱

امام باقر (ع) نیز در این باره می‌فرماید:
«كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ هَذَا - وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ
إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ - فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ، نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذَا
هُوَ نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةٌ بِدَرٍ... عُوذُهَا مِنْ عَمَدِ عَرْشِ

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.

اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، وَ سَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، لَا يُهْوَى بِهَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ. يَأْتِيهِ بِهَا جَبْرَائِيلُ (ع)؛

گویی قائم اهل یتیم را می بینم که وارد این نجف شما شده (و با دست مبارکش به منطقه ای از کوفه اشاره کرده بود) و پرچم رسول اکرم (ص) را برافراشته، فرشتگان بدر بر او نازل شده اند. چوب آن پرچم از ستون عرش خداست. رحمت و نصرت خدا بر حاملان آن پرچم است، با آن پرچم به هیچ چیزی هجوم برده نمی شود جز اینکه خداوند آن را نابود می سازد. جبرئیل آن را (به پیشگاه حضرت مهدی (ع)) می آورد.^۱

امیر مؤمنان (ع) هم می فرمایند:

«كَأَنِّي بِهٍ قَدْ عَبَّرَ وادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ السَّهْلَةِ عَلَى مَقْرَبَةٍ مِنْ نَجْفِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَرْكَبُ عَلَى فَرَسٍ أَذْهَمَ مُحَجَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يُزْهَرُ يَنْتَقِضُ بِهِ انْتِفَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بِلَادٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَهُ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ، يَدْعُو وَيَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا. اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَوَحِيدٌ، وَمُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كُنْفَى حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَتَضْيِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ»

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۵.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمین‌سازان آن

بِمَا رَحِمْتَ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتُ غَنِيًّا عَنْ خَلْقِي، وَ لَوْلَا نَصْرُكَ
إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ... يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، وَ
مُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا. يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ
فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ. يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى
أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ
بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مَدْعُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُجِزَلَ لِي أَمْرِي، وَ تُعَجَّلَ الْفَرَجَ، وَ تَكْفِينِي وَ
تُعَافِينِي، وَ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

گویی او را می بینم که در نزدیکی نجف کوفه از
وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله پیش
می رود، در حالی که زره رسول اکرم (ص) را به تن دارد
و بر اسب سبز رنگی سوار است که رنگش سبز متمایل
به مشکی است و در پاهای آن سفیدی درخشنده ای
هست که برق می زند و پیشانی سفیدی دارد که همگان
برق آن را می بینند و مردمان هر شهری خیال می کنند که
او - حضرت قائم (ع) - در شهر آنها و در میان آنهاست
و همراه آنها دعا می خواند و می گوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ صِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا؛ بارخدا یا! ای عزت بخش هر مؤمن غریب! و

ای خوارکننده هر ستمگر عنودا، هنگامی که راه‌ها به رویم بسته باشد و زمین با این همه فراخی برایم تنگ باشد، تو پناه منی. بار خدایا، تو مرا آفریدی و از آفرینش من بی‌نیاز بودی، اگر مرا یاری نکنی، از شکست خوردگان خواهم بود. ای بخش‌کننده رحمت از محل‌های آن و ای بیرون‌آورنده برکت‌ها از معدن‌های آن، ای خداوندی که قلّه رفیع عظمت را به خود اختصاص داده‌ای و دوستانت به عزّت تو عزیزند، ای خداوندی که پادشاهان در برابر عظمت تو سر فرود آورده‌اند و تو داغ ذلّت بر گردن آنها نهاده‌ای، و آنها از شکوه تو بیمناکند. از تو می‌خواهم به آن نام مقدّست که جهان آفرینش را با آن نام مقدّس آفریده‌ای و همه در برابرت سر تعظیم فرود آورده‌اند، از تو می‌خواهم که صلوات بی‌پایان خود را بر محمّد و آل محمّد (ص) نازل فرمایی، و امر خود را در حقّ من تحقیق بخشی، و فرج را نزدیک گردانی، مرا کفایت کنی و عافیت بخشی، و حاجت‌های مرا برآورده سازی، الآن، همین الآن، امشب، آری همین امشب، که تو به هر چیزی توانا هستی»^۱.

۱. منتخب‌الاثار، ص ۵۱۹.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

امام باقر (ع) در شرح ماجرای نجف اشرف و کوفه می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا صَعَدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَبَّدُوا لَيْلَتَكُمْ هَذِهِ، فَيَبِيتُونَ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ، حَتَّى إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: خُذُوا بِنَا طَرِيقَ النَّخِيلَةِ، وَ عَلَى الْكُوفَةِ خَنْدَقٌ مُخَنْدَقٌ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ (ع) بِالنَّخِيلَةِ، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ بِالْكُوفَةِ مِنْ مُرَجِّئَةٍ وَ غَيْرِهِمْ مِنْ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ، فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: اسْتَطَرِّدُوا لَهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ: كُرُّوا عَلَيْهِمْ، فَلَا يَجُوزُ الْخَنْدَقُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ؛

چون وارد نجف اشرف شود به یاران خود می‌فرماید: امشب را به عبادت سپری کنید. آن شب را در حال رکوع، سجود، گریه و مناجات با خدا سپری می‌کنند. چون صبح شود، می‌فرماید: به سوی نخيله حرکت کنید. آن روز در اطراف کوفه خندقى خواهد بود. به سوی نخيله حرکت می‌کنند و در نخيله به مسجد حضرت ابراهیم (ع) می‌رسند و در آنجا دو رکعت نماز می‌گزارند، پس هر چه مُرَجِّئَةٌ^۱ و غیر آن از سپاه سفیانی باشد به

۱. «مرجنه» گروهك‌هایی از اهل سنت هستند که می‌گویند: با وجود ایمان، گناه ضرری نمی‌رساند! شش گروه از آنها را «شهرستانی» در ملل و نحل (ج ۱ صص ۱۳۹ - ۱۴۶) شرح داده است.

سوی آن حضرت هجوم می آورند. امام (ع) به اصحاب خود فرمان حمله صادر می کند، حتی یک نفر هم از آنها، از خندق نمی گذرد تا گزارش ببرد، آنگاه داخل کوفه می شود.^۱

سپس امام باقر (ع) فرمودند:

«فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ قَالَ النَّاسُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، الصَّلَاةُ خَلْفَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدُ لَا يَسْعُنَا. فَيَقُولُ: أَنَا مُرْتَادٌ لَكُمْ. فَيَخْرُجُ إِلَى الْغَرِيِّ وَيُصَلِّي هُنَاكَ وَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ مَسْجِدٌ لَهُ الْفُ بَابٍ، يَسَعُ النَّاسَ، عَلَى أَصِيصٍ وَيَأْمُرُ فَيُحْفَرُ خَلْفَ الْقَبْرِ الْحُسَيْنِيِّ نَهْرٌ يَجْرِي إِلَى الْغَرِيِّينَ حَتَّى يُنْبَذَ بِالنَّجْفِ وَيَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ فَنَاطِرٌ وَأَرْحَاءٌ فِي السَّبِيلِ وَكَأَنِّي بِالْعُجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مَكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ حَتَّى تَطْحَنَهُ بِلَاكِرَاءٍ ثُمَّ تَتَّصِلُ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ؛

در هفته دوم (از ورود قائم (ع) به کوفه) مردم می گویند: ای فرزند رسول خدا، نماز پشت سر شما با نماز پشت سر رسول اکرم (ص) مساوی است و مسجد جوابگوی این همه جمعیت نیست. حضرت به سوی نجف اشرف حرکت می کند و در آنجا نماز می خواند و دستور می دهد

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

که مسجدی با عظمت که دارای ۱۰۰۰ در است بسازند تا گنجایش مردم را داشته باشد. آنگاه دستور می‌دهد که از پشت حرم امام حسین (ع) نهری حفر کنند که کربلا را به نجف متصل کند. آنگاه پل‌هایی روی آن و آسیاب‌هایی را کنار آن نهر می‌سازند. گویا با چشم خود می‌بینم که پیرمردان گندم‌ها را روی سر خود حمل نموده و در این آسیاب‌ها به طور مجانی آرد می‌کنند. در آن زمان خانه‌های کوفه به نهر کربلا (فرات) متصل می‌شود.^۱

امام صادق (ع) در شرح رویارویی حضرت با دجال

فرمودند:

«إِذَا كَثُرَ الْغَوَايَةُ، وَقَلَّ الْهِدَايَةُ... فَعِنْدَ ذَلِكَ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثَةِ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَيُنَادِي جَبْرَائِيلُ بَيْنَ يَدَيْهِ: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» فَيُقْبَلُ شَيْعَتُهُ إِلَيْهِ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تَطْوِي لَهُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايَعُوا، ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيُنزِلُ عَلَى نَجْفِهَا، ثُمَّ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ مِنْهَا إِلَى الْأَمْصَارِ، لِيُدْفَعَ عُمَّالِ الدَّجَالِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛

[هنگامی که گمراهی فراگیر شود، و هدایت بی فروغ

۱. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۳۴۱.

گردد... در آن هنگام در شب ۲۳ ماه رمضان به نام قائم (ع) از آسمان ندا شود، و او به روز عاشورا قیام می‌فرماید. گویی او را با چشم خود در میان رکن و مقام می‌بینم، که جبرئیل فریاد بر می‌آورد: «بیعت با خداوند».

شیعیان از اطراف جهان با «طی الارض» فرا می‌رسند و با آن حضرت بیعت می‌کنند، آنگاه به سوی کوفه رهسپار می‌شود و در قسمت نجف آن اقامت می‌گزیند، و از آنجا لشکریانش را به شرق و غرب جهان می‌فرستد تا با سپاه دجال مقابله کنند، پس جهان را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد.^۱



امام باقر (ع) در ادامه شرح وقایع قیام می‌فرمایند:
 «ثُمَّ يَنْطَلِقُ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ صُلْبِ أَبِيهِ، هُوَ أَشَدُّ النَّاسِ بِيَدَنِهِ وَ أَشَجَعَهُمْ بِقَلْبِهِ مَا خَلَا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ، فَيَقُولُ: يَا هَذَا، مَا تَصْنَعُ؟ فَوَاللَّهِ إِنَّكَ لَتَجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعْمِ... أَفَبِعَهْدِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَمْ بِمَاذَا؟! فَيَقُولُ الْمَوْلَى الَّذِي وَلِيَ الْبَيْعَةَ: أُسْكُتُ، لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لِأَضْرِبَنَّ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ! فَيَقُولُ الْقَائِمُ: أُسْكُتُ يَا فَلَانُ. إِي وَاللَّهِ إِنَّ مَعِيَ عَهْدًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ. هَاتِ لِي يَا فَلَانُ الْعَيْبَةَ فَيَأْتِيهِ بِهَا، فَيَقْرَأُ الْعَهْدَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَيَقُولُ الرَّجُلُ:

۱. کشف الاستار، ص ۲۲۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

جَعَلَنِي اللهُ فِدَاكَ، أَعْطِنِي رَأْسَكَ أَقْبَلُهُ. فَيُعْطِيهِ رَأْسَهُ فَيُقْبَلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: جَعَلَنِي اللهُ فِدَاكَ، جَدُّ لَنَا بَيْعَةً، فَيَجِدُّ لَهُمْ بَيْعَةً!

آنگاه پیش می‌رود تا به «ثعلبیه» می‌رسد، آنجا یک نفر از تبار پدرش به سوی آن حضرت می‌آید که بعد از حضرت صاحب‌الامر (عج) از همه مردم نیرومندتر و شجاع‌تر است، پس می‌گوید: چه می‌کنی؟! به خدا سوگند مردم را چون چارپا روی زمین می‌ریزی؟ آیا پیمانی از پیامبر (ص) در دست داری؟ یا به استناد چه فرمانی این کارها را انجام می‌دهی؟! کسی که متصدی بیعت است به او می‌گوید: ساکت باش و گرنه گردنت را می‌زنم! حضرت ولی‌عصر (عج) به او می‌فرمایند: تو ساکت باش! آنگاه (خطاب به مرد پرخاشگر) می‌فرمایند: آری به خدا سوگند که با من عهدی از رسول خدا هست. آنگاه به یکی از لشکریان می‌فرمایند: ای فلانی صندوق را بیاور. او صندوق را می‌آورد، پس عهد رسول اکرم (ص) را درآورده می‌خواند. آن مرد می‌گوید: خدا مرا فدای تو سازد، اجازه بده سر مبارکتان را ببوسم. امام (ع) سر مبارکش را نزدیک می‌آورد و آن مرد میان دو چشم حضرتش را می‌بوسد. سپس می‌گوید: خدا مرا

فدای تو سازد بیعت را برای ما تجدید کن، پس تجدید بیعت می کند»^۱.

از امام باقر(ع) تاویل آیه شریفه: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»^۲ را پرسیدند، فرمودند:

«نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ مَلَكٌ يَسُوقُهَا مِنْ خَلْفِهَا. فَلَا تَدْعُ دَاراً لِبَنِي أُمِّيَّةَ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَأَهْلِهَا، وَ لَا تَدْعُ دَاراً فِيهَا وَثَرٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا، ذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ؛

آتشی است که از مغرب خارج می شود و فرشته ای آن را به پیش می راند. هیچ خانه ای را از بنی امیه فروگذار نمی کند جز اینکه با اهل خانه طعمه حریق می سازد. و هیچ خانه ای نمی ماند که در آن انتقام آل محمد(ص) باشد، جز اینکه به خاکستر می نشاند. او مهدی است»^۳.

سپس امام باقر(ع) می فرمایند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَ بَعَثَ بِجَيْشِهِ إِلَى بَنِي أُمِّيَّةَ، هَرَبُوا إِلَى الرُّومِ، فَيَقُولُ لَهُمُ الرُّومُ: لَا نُدْخِلُكُمْ حَتَّى تَدْخُلُوا فِي دِينِنَا، فَيَفْعَلُونَ.

۱. بشارة الاسلام، صص ۲۲۸، ۲۳۲ و ۲۵۰.

۲. سورة معارج، آیه ۱.

۳. بشارة الاسلام، ص ۱۰۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

وَيَدْخِلُونَهُمْ. فَإِذَا نَزَلَ بِحَضْرَتِهِمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ طَلَبُوا الْأَمَانَ وَ الصُّلْحَ، فَيَقُولُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ: لَا نَفْعَ لِحَتَّى تَدْفَعُوا إِلَيْنَا أَهْلَ مِلَّتِنَا، فَيَدْفَعُونَهُمْ إِلَيْهِمْ. وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: [فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ. وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْتَلُونَ - يَسْأَلُونَهُمْ عَنِ الْكُنُوزِ، وَ لَهُمْ عِلْمٌ بِهَا - قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ! فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوِيهِمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ]؛

هنگامی که قائم (عج) قیام کند و لشکریان خود را به سوی بنی‌امیه گسیل بدارد، آنها به سوی رومیان می‌گریزند و رومی‌ها می‌گویند: ما به شما پناه نمی‌دهیم مگر اینکه به آیین ما درآید. آنها می‌پذیرند و به کشور آنها وارد می‌شوند. چون اصحاب حضرت قائم (عج) در نزدیکی کشور روم فرود آیند، رومی‌ها می‌گویند: به ما امان بدهید و با ما قرارداد صلح امضا کنید. آنها می‌گویند: ما صلح را هنگامی می‌پذیریم که اهل آیین ما را به ما تسلیم کنید. رومیان می‌پذیرند و بنی‌امیه‌های فراری را به آنها تسلیم می‌کنند و این است معنای کلام خدا، آنجا که می‌فرمایند: [چون قدرت کوبنده‌ما را دیدند ناگهان از آن فرار می‌کنند. فرار نکنید و به سوی خانه‌ها و آسایشگاه‌های خود بازگردید تا بازخواست شوید. می‌گویند: ای وای بر

ما! که ما ستمگر بودیم. همواره آنها بر این دعوی خود
پابرجا می مانند تا آنها را - با داس مرگ - درو کرده، در
کام مرگ فرو ببریم»^۱.

امیر مؤمنان (ع) درباره حوادث بصره فرمودند:

«وَ يَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا، وَ مَعَهُ التَّابُوتُ
وَ عَصَا مُوسَى. فَيَغْرِمُ عَلَيْهِ فَيَزْفُرُ فِي الْبَصْرَةِ زَفْرَةً فَتَصِيرُ بَحْرًا
لُجِيًّا، لَا يَبْقَى فِيهَا غَيْرَ مَسْجِدِهَا كَجَوْجُو السَّفِينَةِ عَلَى ظَهْرِ
الْمَاءِ!!!»

به سوی بصره حرکت می کند تا به دریای آن (خلیج
فارس) مشرف می شود و به سوی آن عزیمت می کند و
در بصره انفجاری رخ می دهد که تبدیل به یک دریای
ژرف می شود که چیزی از آن نمی ماند مگر مسجد آن،
که همانند دکل کشتی بر روی آب دیده می شود»^۲.

آنگاه امیر مؤمنان (ع) گام های بعدی حضرت بقیة الله (عج)

را چنین توصیف می کنند:

«ثُمَّ يَأْمُرُ الْمَهْدِيَّ بِإِنْشَاءِ مَرَاكِبٍ، يُبْنِي أَرْبَعِمِئَةَ سَفِينَةٍ فِي سَاحِلِ

۱. سورة انبياء، آيات ۱۲ - ۱۵؛ بشارة الاسلام، صص ۷۰، ۲۲۹.

۲. بشارة الاسلام، ص ۷۱.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمین‌سازان آن

عَاكَا وَ يُوَاڤِي الْمَهْدِيَّ طَرْطُوسَ فَيَفْتَحُهَا، وَ يَتَقَدَّمُ إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ
فَيَفْتَحُهَا... وَ يُهَاجِمُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا، وَ يَتَوَجَّهُ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ
فَيَفْتَحُ رُومِيَّةَ مَعَ أَصْحَابِهِ؛

سپس مهدی (عج) فرمان می‌دهد که مرکب‌هایی ایجاد
می‌کنند (فرمان ساختن وسایل نقلیه جدیدی صادر
می‌کند) و در کرانه عکا چهارصد کشتی می‌سازد. در
مسیر خود به طرطوس (از شهرهای بندری سوریه)
می‌رسد و آنجا را فتح می‌کند. به انطاکیه می‌رود و آنجا
را فتح می‌کند. به قسطنطنیه (استانبول) حمله می‌برد و
آنجا را فتح می‌کند و از آنجا با یاران خود به سوی
کشورهای رومی (ممالک غرب) رهسپار می‌شود و همه
آن کشورها را فتح می‌کند.^۱

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ بَعَثًا لِقِتَالِ الرُّومِ وَ يُرْسِلُ مَعَهُ عَشْرَةَ تَسْتَخْرِجُ
تَابُوتَ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةَ فِيهِ التَّوْرَةُ الَّتِي أَنْزَلَتْ عَلَى
مُوسَى وَالْأَنْجِيلُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عِيسَى، يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ
بِتُورَاتِهِمْ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْأَنْجِيلِ بِأَنْجِيلِهِمْ فَيُسَلِّمُونَ؛

مهدی (ع) سپاهی را برای نبرد با رومیان گسیل می‌دارد و

۱. الزام الناصب، ص ۲۲۴.

ده نفر از فرماندهان خود را با آنها می فرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه (در جنوب شرقی ترکیه) بیرون می آورد. توراتی که بر موسی فرود آمده و انجیلی که بر عیسی نازل شده در همان غار است. در میان یهود با تورات خودشان داوری می کند و در میان مسیحیان با انجیل آنها حکم می کند پس اسلام می آورند»^۱.

امام صادق (ع) در ادامه شرح وقایع قیام می فرمایند:
 «أَوَّلُ لِسَاءٍ يَعْقُدُهُ الْمَهْدِيُّ، يَبْعَثُهُ إِلَى التُّرْكِ فَيَهْزِمُهُمْ، وَيَأْخُذُ مَا مَعَهُمْ، مِنْ السَّبْيِ وَالْأَمْوَالِ. ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الشَّامِ فَيَفْتَحُهَا، ثُمَّ يُعْتِقُ كُلَّ مَمْلُوكٍ وَ يُعَوِّضُ عَلَى أَصْحَابِهِ؛

نخستین پرچمی را که مهدی (ع) ترتیب می دهد، به سوی ترک ها می فرستد و آنها را شکست می دهد و تمام اسیران و اندوخته های آنها را برمی دارد و به سوی شام حرکت می کند و آنجا را فتح می کند. آنگاه همه بردگان را آزاد می کند و قیمت آنها را به یارانش پرداخت می کند»^۲.

۱. الملاحم و الفتن، ص ۵۴.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۵۸.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آسٍ مِنْ غَرَسِ الْجَنَّةِ، أَتَاهُ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ وَ هِيَ وَ تَابُوتُ آدَمَ فِي بُحَيْرَةِ طَبْرِیَّةَ، وَ لَنْ يَبْلِيَا وَ لَنْ يَتَغَيَّرَا حَتَّى يُخْرِجَهُمَا الْقَائِمُ إِذَا قَامَ؛

عصای موسی از چوب آس، از درختان بهشتی بود که به هنگام عزیمت به سوی مدین، جبرئیل آن را به او داده بود. عصای موسی و تابوت آدم در دریاچه طبریّه است، آنها پوسیده نمی‌شوند و رنگشان تغییر نمی‌یابد تا به دست قائم (عج) به هنگام ظهورش بیرون آورده شوند»^۱.

سپس امام صادق (ع) در ادامه بحث از مسیر حرکت حضرت بقیة الله (عج) می‌فرمایند:

«(وَ يَسْتَخْرِجُ) حِلْيَةَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَ التَّابُوتَ الَّذِي فِيهِ السَّكِينَةُ، وَ مَائِدَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ رُضَاضَةَ الْأَلْوَاخِ، وَ عَصَا مُوسَى، وَ مِنْبَرَ سُلَيْمَانَ، وَ قَفِيزًا مِنَ الْمَنْ الَّذِي أُنْزِلَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ؛

... زیورهای بیت المقدس را بیرون می‌آورد، تابوت سکینه، مائدة بنی اسرائیل، بقایای الواح، عصای موسی و

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۲۵.

منبر سلیمان را بیرون می آورد، همچنین یک قفیز (واحد وزن = ۹۰ رطل عراقی) از «مَن» که به بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می آورد در حالی که از شیر سفیدتر باشد!^۱

رسول اکرم (ص) هم در این باره می فرمایند:
«يُظْهِرُ عَلَى يَدَيْهِ تَابُوتُ السَّكِينَةِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، يُحْمَلُ فَيُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْهِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أُسْلِمَتْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ؛

تابوت سکینه به دست او از دریاچه طبریّه (در فلسطین) بیرون آورده می شود و همراه آن حضرت حمل شده، در بیت المقدس در برابرش گذاشته می شود. هنگامی که یهودیان آن را ببینند همگی به شرف اسلام مشرف می شوند به جز تعدادی اندک»^۲.

رسول گرامی اسلام (ص) در مناسبت دیگری فرمودند:
«يَسْتَخْرِجُ الزَّبُورَ مِنَ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، فِيهَا مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ هَارُونَ، تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ فِيهَا الْأَلْوَاخُ وَ عَصَا مُوسَى (ع)؛

۱. الزام الناصب، ص ۲۲۷.

۲. المهدي، صص ۷۴ و ۲۲۷.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

زبور را از دریاچه طبریّه (در شمال فلسطین) بیرون می‌آورد که یادگارهای آل موسی و آل هارون در آنست و فرشتگان آن را حمل می‌کنند. الواح و عصای حضرت موسی (ع) نیز در آنجاست»^۱.

امام صادق (ع) در مورد آخرین رودرویی سپاه حق با قوم یهود می‌فرمایند:

«وَمِنَ الْغَدِ عِنْدَ الظُّهْرِ تَتَلَوْنَ الشَّمْسُ وَ تَصْفَرُّ فَتَصِيرُ مُظْلِمَةً! وَ يَوْمَ الثَّالِثِ يَفْرُقُ اللهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَ تَخْرُجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ، وَ تَنْزِلُ الرُّومُ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ فَيَبْعَثُ اللهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ. مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مِلْخَاءُ، وَ آخَرٌ: حَمَلَاءُ، وَ هُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ. قَالَ اللهُ تَعَالَى: [إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ] وَ هُوَ لِأَهْلِ هُمُ الْأَشْهَادُ: أَيُّ الشُّهُودِ الَّذِينَ يُسَلَّمُونَ عَلَى الْقَائِمِ بِاسْمِهِ؛

و به هنگام ظهر - روز بعد - خورشید رنگین و زرد و تیره می‌شود، و در روز سوم خداوند حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد. «دابة الارض» خارج می‌شود و رومیان در کرانه دریا در نزدیکی غار اصحاب کهف فرود می‌آیند و خداوند اصحاب کهف را همراه با

۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۵۳.

سگشان برمی انگیزد، یکی از آنها «میلخاء» نام دارد و یکی دیگر «حملاها». این دو نفر، دو شاهدی هستند که بر حضرت مهدی (عج) شهادت می دهند و سلام می گویند، چنان که خدای تبارک و تعالی می فرماید: [ما پیامبران خود را نصرت می دهیم و کسانی را که ایمان آورده اند در دنیا، و در روزی که گواهان برخیزند]، اینها همان گواهان هستند که به حضرت قائم (عج) به اسم سلام می دهند.^۲



امیر مؤمنان (ع) مسیر جنگ های امام مهدی (ع) را چنین ترسیم می کند:

«ثُمَّ يَتَوَجَّهُ الْمَهْدِيُّ إِلَى الْقُدْسِ الشَّرِيفِ بِأَلْفِ مَرْكَبٍ، فَيَنْزِلُونَ الشَّامَ وَشِمْشَ فِلَسْطِينَ بَيْنَ صُورٍ وَعَكَا وَغَزَّةَ وَعَسْقَلَانَ. وَيَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ بَيْتَ الْمَقْدِسِ؛

آنگاه مهدی (ع) با هزار مرکب به سوی قدس شریف حرکت می کند، (با سپاه خود) در شام، فلسطین، صور، عکا، غزه و عسقلان منزل می کند، آنگاه مهدی وارد

۱. سوره مؤمن، آیه ۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینہ سازان آن

بیت المقدس می شود»^۱.

امام باقر (ع) درباره حضرت عیسی (ع) فرمودند:

«إِنَّ عِيسَى قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا. فَلَا يَبْقَى أَهْلُ
مَلَّةٍ، يَهُودِيٌّ، وَلَا غَيْرُهُ، إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ. وَ يُصَلِّي خَلْفَ
الْمَهْدِيِّ؛

قطعاً عیسی پیش از قیامت به این عالم می آید. پیرو هیچ
دینی خواه یهود و خواه غیر یهود در روی زمین نمی ماند
مگر اینکه به حضرت ایمان بیاورد قبل از آنکه از دنیا
برود. عیسی پشت سر مهدی (ع) نماز می خواند»^۲.

امام علی (ع) هم درباره حضرت مسیح (ع) فرمودند:

«ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ أَيَّامًا.
فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَدْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ
فِي تِلْكَ السَّاعَةِ مِنَ السَّمَاءِ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ كَأَنَّمَا يَقْطُرُ
مِنْ رَأْسِهِ الدَّهْنُ وَهُوَ رَجُلٌ صَبِيحُ الْمَنْظَرِ وَالْوَجْهِ، أَشْبَهُ الْخَلْقِ
بِإِبْرَاهِيمَ فَيَأْتِي الْمَهْدِيَّ وَيُصَافِحُهُ وَيُبَشِّرُهُ بِالنَّصْرِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ
يَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَصَلِّ بِالنَّاسِ، فَيَقُولُ عِيسَى:

۱. الزام الناصب، ص ۲۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰.

بَلِ الصَّلَاةُ لَكَ يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَذِّنُ عِيسَى وَ يُصَلِّي
خَلْفَ الْمَهْدِيِّ؛

... آنگاه مهدی به بیت المقدس بر می‌گردد و چند روزی با مردم نماز می‌خواند. چون روز جمعه فرا رسد و نماز بر پا گردد عیسی بن مریم در آن ساعت از آسمان فرود آید [در گردنه‌ای به نام افیق]^۱ و در حالی که او لباس سرخ بر تن دارد و از سر او قطره‌های عرق چون روغن می‌ریزد. او مردی زیبا و خوش اندام و شبیه‌ترین مردم به حضرت ابراهیم (ع) است. به سوی مهدی می‌آید و با او مصافحه می‌کند و به او نوید پیروزی می‌دهد. مهدی به او می‌گوید: ای روح الله جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی (ع) می‌گوید: ای فرزند پیامبر نماز برای تو برقرار شده است. عیسی اذان می‌گوید و پشت سر مهدی نماز می‌گزارد.^۲

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) درباره پیروزی قیام حضرت مهدی (ع) آمده است:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ وَ جَيْشِهِ مِائَةُ أَلْفٍ فَيَدْعُو مَلِكِ

۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۲.

۲. الزام الناصب، ص ۲۰۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

الرُّومِ إِلَى الْإِيمَانِ فَيَأْبَى فَيَقْتُلَانِ شَهْرَيْنِ فَيَنْصُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْمَهْدِيَّ
وَ يَقْتُلُ مِنْ أَصْحَابِهِ كَثِيرًا وَ يَنْهَزِمُ وَ يَدْخُلُ إِلَى الْقِسْطَنِيَّةِ... وَ
تَقْتُلُ مِنَ الرُّومِ خَلْقًا كَثِيرًا وَ يَسْلِمُ عَلَى يَدَيْهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛

حضرت مهدی (عج) پس از شکست روم، با نیروی صد
هزار نفری به سوی کشورهای غربی حرکت می‌کند،
حاکم روم را به اسلام دعوت می‌نماید او نمی‌پذیرد،
پس از جنگ دو ماه آن حضرت با نصرت الهی پیروز
شده و با ایشان وارد قسطنطنیه می‌شود و عدّه زیادی از
رومیان (ششصد هزار نفر) کشته و خلق کثیری نیز اسلام
می‌آورند.^۱

امام باقر (ع) هم در این باره می‌فرماید:

«رُومِيَّةُ الَّتِي يَفْتَحُهَا الْمَهْدِيُّ هِيَ أُمَّ بِلَادِ الرُّومِ، الَّتِي مَنْ كَانَ
يَمْلِكُهَا كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْخَلِيفَةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ؛

آن شهر روم که به دست مهدی (عج) فتح می‌شود،
پایتخت کشور روم است که هر کس آنجا را تحت
سیطره خود درآورد در میان مسلمانان همانند خلیفه به
شمار می‌آید.^۲

۱. معجم احادیث الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۳۴۷.

۲. الزام الناصب، ص ۲۲۴.

این حدیث نیز از احادیث غیبی به شمار می آید، زیرا در آن روز شهر روم همانند امروز مرکزیت نیافته بود و عنوان پایتختی نداشت.^۱

سپس امام باقر(ع) در حدیث دیگری می فرمایند:

«ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ إِلَى الْبَحْرِ الْمُحِيطِ؛

آنگاه مهدی(ع) با یارانش به سوی اقیانوس حرکت می کند».^۲

امیر مؤمنان(ع) می فرمایند:

«وَيَتَوَجَّهُ إِلَى الْأَفَاقِ، فَلَا يَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنُهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا حَلَّهَا وَ أَصْلَحَهَا. وَ لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا هَلَكَ عَلَى يَدَيْهِ، وَ يَشْفِي اللَّهُ قُلُوبَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ؛

آنگاه متوجه اقطار و اکناف جهان می شود، هیچ شهری نمی ماند از شهرهایی که [ذوالقرنین] وارد شده بود، جز اینکه در آن گام نهاده، آن را اصلاح می کند. و هیچ کافری بر کفر خود باقی نمی ماند جز اینکه به دست او هلاک می شود، خداوند به دست او دل های مسلمانان را

۱. ایتالیا، جانشین کشور روم است و پایتخت آن «روم» خوانده می شود.

۲. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۹۲.

ظهور و قیام امام مهدی (ع) و زمینه‌سازان آن

تسکین می‌بخشد».^۱

امام باقر (ع) هم درباره ادامه قیام می‌فرمایند:

«يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجاً حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ؛

[امام مهدی (ع)] هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده،

(دشمنان خدا را) می‌کشد تا خدا خشنود گردد».^۲

۱. الزام الناصب، ص ۲۲۸.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۹.